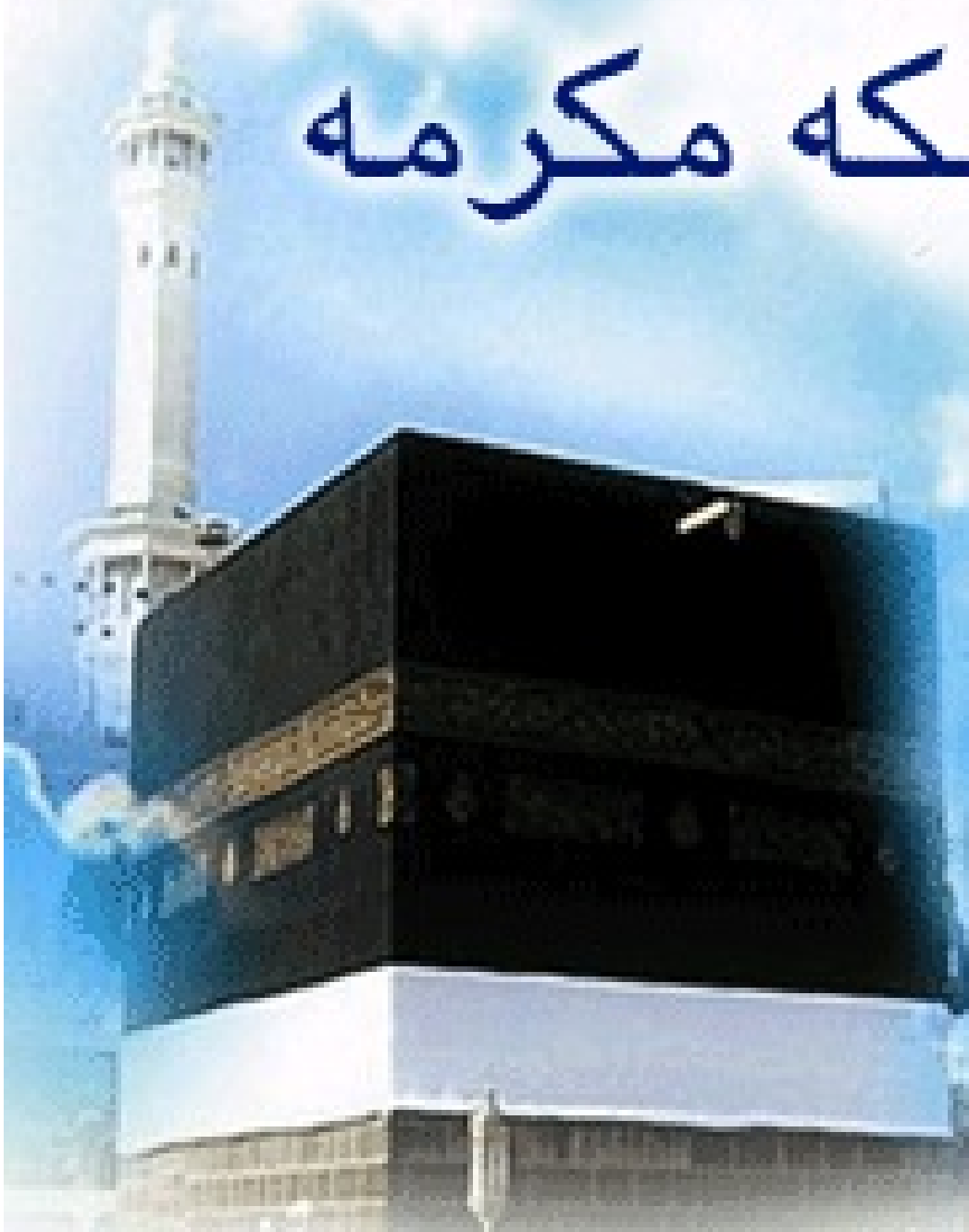


ادعيہ و آداب مکہ مکرمہ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ادعیه و آداب مکہ مکرمه با ترجمه فارسی

نویسنده:

مرکز تحقیقات حج

ناشر چاپی:

مشعر

فهرست

۵	فهرست
۹	ادعیه و آداب مکه مکرمه با ترجمه فارسی
۹	مشخصات کتاب
۹	پیشگفتار
۹	دعا و اقسام آن
۹	رجاء مطلوبیت:
۱۰	شرایط استجاب و قبولی دعا:
۱۰	آثار پذیرفته شدن دعا و زیارت در زندگی انسان:
۱۱	چند توصیه در زمینه وحدت امت اسلامی:
۱۲	جایگاه حج
۱۲	جایگاه حج
۱۲	فلسفه تشریح حج
۱۳	حضور قلب در دعا در مراسم حج:
۱۴	بخش اول: اعمال و آداب حج
۱۴	واجبات عمره تمتع:
۱۴	واجبات عمره مفرده:
۱۴	میقات‌های احرام:
۱۵	واجبات احرام:
۱۵	مستحبات احرام:
۱۶	محرمات احرام:
۱۶	مستحبات ورود به حرم:
۱۶	آداب ورود به مسجد الحرام:
۱۹	مستحبات طواف:

- ۱۹ اشاره
- ۱۹ دعای اشواط طواف:
- ۱۹ دعای دور اول:
- ۱۹ دعای دور دوم:
- ۱۹ دعای دور سوم:
- ۲۰ دعای دور چهارم:
- ۲۰ دعای دور پنجم:
- ۲۰ دعای دور ششم:
- ۲۰ دعای دور هفتم:
- ۲۱ مستحبات نماز طواف:
- ۲۱ مستحبات سعی:
- ۲۳ آداب تقصیر عمره:
- ۲۳ اقسام حج:
- ۲۳ اشاره
- ۲۴ واجبات حج تمتع:
- ۲۴ مستحبات إحرام حج تا وقوف به عرفات:
- ۲۴ مستحبات واعمال شب عرفه:
- ۲۵ دعای شب عرفه:
- ۳۰ مستحبات وقوف به عرفات:
- ۳۰ ادعیه وقوف به عرفات:
- ۳۲ دعای امام حسین (ع) در روز عَرَفه:
- ۴۴ دعای امام سجاد (ع) در روز عرفه:
- ۵۴ زیارت امام حسین علیه السلام در روز عرفه:
- ۵۴ برخی از مستحبات وقوف به مشعرالحرام:

- ۵۵ مستحبات رمی جمرات:
- ۵۵ آداب قربانی:
- ۵۵ مستحبات حلق و تقصیر:
- ۵۶ مستحبات منا:
- ۵۶ مستحبات مسجد خَیْف:
- ۵۶ مستحبات برگشت به مکه معظمه:
- ۵۶ مستحبات واعمال مکه مکرمه:
- ۵۷ طواف وداع:
- ۵۷ بخش دوم: زیارت مزارهای متبرکه مکه مکرمه
- ۵۷ توضیحی کوتاه درباره مزارهای مکه مکرمه:
- ۵۸ زیارت عبد مناف علیه السلام
- ۵۸ زیارت عبدالمطلب جدّ پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله
- ۵۹ زیارت حضرت ابوطالب عموی گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۵۹ زیارت حضرت خدیجه، همسر گرامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
- ۵۹ زیارت حضرت قاسم فرزند رسول اکرم صلی الله علیه و آله
- ۵۹ مزار شهدای فخ
- ۶۰ زیارت حضرت اسماعیل و هاجر علیهما السلام
- ۶۱ زیارت سایر انبیای عظام علیهم السلام
- ۶۱ بخش سوم: اماکن متبرکه مکه مکرمه
- ۶۱ حدود حرم:
- ۶۱ برخی از مساجد شهر مکه:
- ۶۲ مسجد الحرام و خصوصیات کعبه
- ۶۲ ارکان کعبه
- ۶۲ حجر اسماعیل:

- ۶۲ مقام ابراهیم:
- ۶۳ زمزم:
- ۶۳ صفا و مروه:
- ۶۳ شُعب ابی طالب
- ۶۳ محلّ ولادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
- ۶۳ غار حِرا
- ۶۴ کوه ثُور
- ۶۴ عَرَفَات
- ۶۴ مُزْدَلَفَه (مشعرالحرام)
- ۶۴ مِنا
- ۶۵ مسجد حَیْفُ:
- ۶۵ بخش چهارم: اماکن مقدّسه بین راه مکه و مدینه
- ۶۵ اماکن مقدّسه بین راه مکه و مدینه
- ۶۵ مسجد غدیر خم:
- ۶۵ ابواء
- ۶۵ زیارت آمنه بنت وهب مادرگرامی حضرت رسول صلی الله علیه و آله
- ۶۶ بدر
- ۶۶ بخش پنجم:
- ۶۶ ریذه

ادعیه و آداب مکّه مکرمه با ترجمه فارسی

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: ادعیه و آداب مکّه مکرمه با ترجمه فارسی تالیف مرکز تحقیقات حج . مشخصات نشر: تهران: مشعر ۱۳۸۴. مشخصات ظاهری: ۲۱۴ ص ۱۲×۱۶/۵سم شابک: ۶۰۰۰ ریال ۹۶۴-۷۶۳۵-۶۷-۲؛ ۶۰۰۰ ریال (چاپ سوم)؛ ۶۰۰۰ ریال (چاپ چهارم) وضعیت فهرست نویسی: فایا(چاپ دوم) یادداشت: فارسی - عربی یادداشت: چاپ اول: ۱۳۸۳(فایا) یادداشت: چاپ سوم: پاییز ۱۳۸۵. یادداشت: چاپ چهارم: تابستان ۱۳۸۶. موضوع: دعاها موضوع: حج -- کتاب‌های دعا شناسه افزوده: حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت. مرکز تحقیقات حج رده بندی کنگره: BP۲۶۷/۸/الف ۳۵۴۰۴۱/۱۳۸۴ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۷۲ شماره کتابشناسی ملی: م ۸۳-۳۴۹۴۲

پیشگفتار

دعا و اقسام آن

دعا در لغت به معنای خواندن و در اصطلاح، درخواست حاجت از خداوند می‌باشد. دعا بر دو قسم است: ۱. گاه دعا کننده مطالب و نیازهای خود را به زبان خود و به هر بیانی که قدرت بر آن دارد در پیشگاه خداوند اظهار می‌کند، این قسم را «دعاهای غیر وارده» می‌نامند. ۲. گاه دعا کننده مطالب و خواسته‌های خود را با الفاظ مخصوصی که از معصومین علیهم السلام رسیده است اظهار می‌نماید، این قسم ادعیه را «دعاهای وارده» یا «ادعیه مأثوره» می‌نامند. ادعیه مأثوره نیز بر دو قسم است: الف- ادعیه‌ای که باید در شرایط خاصی خوانده شود، مثلاً در وقت مخصوص یا محل معلوم، و بالاخره آداب و ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۱۲ شرایط ویژه‌ای از زبان معصوم علیه السلام برای آن ذکر شده باشد. ب- دعاهایی که از معصوم رسیده ولی برای آنها هیچ‌گونه شرطی ذکر نشده است. البته هر نوع دعا و درخواست از پروردگار یکتا، مطلوب شارع است، و در روایت وارد شده: «الدُّعَاءُ مُخَّ الْعِبَادَةِ» (۱) مغز و روح عبادت همان دعا است. همچنین در قرآن کریم در مناسبت‌های مختلف از زبان پیامبران و اولیای الهی دعاهایی نقل شده است، لکن ثواب و فضیلت دعاهای مأثوره- وارده از معصوم علیه السلام- برای کسی که آشنا به معانی آنها باشد، به مراتب بیش از دعاهای معمولی است، زیرا معصومین علیهم السلام به امراض روحی فرد و جامعه آشناتر و به کیفیت راز و نیاز با حق تعالی آگاه‌تر هستند، و سایر انسان‌ها گاهی به جای خیر خویش شرّ، و گاهی به جای سود و سعادت، زیان و شقاوت می‌طلبند: وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالْشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا. «۲» ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۱۳ بنابر این سزاوار است دعا کننده چگونگی درخواست مطالب و حاجات خود را از معصوم فرا گیرد. البته تشخیص دادن دعاهای وارده و آگاهی از سخن معصوم کار آسانی نیست. اگر کسی بتواند از مدارک موجود، و با موازین علمی صحت صدور دعا از معصوم را به دست آورد، می‌تواند آن را به قصد ورود بخواند، ولی اگر دلیل معتبر و مدرک قابل اعتمادی پیدا نکند و در پژوهش‌ها و بررسی‌های خود به این نتیجه برسد که سند فلان دعا ضعیف و غیر قابل اعتماد است، نباید آن را به‌طور جزم به معصوم نسبت دهد، بلکه به امید درک ثواب و رسیدن به پاداش آن را بخواند، در این صورت حتی اگر در تشخیص خود به خطا رفته باشد، به ثواب آن خواهد رسید.

رجاء مطلوبیت:

گاهی دعا یا عملی که سند معتبر هم دارد مربوط به زمان یا مکان خاصی است، مانند دعاهای ماه رمضان یا مناجات مسجد کوفه،

در چنین مواردی اگر کسی بخواهد آنها را در غیر آن زمان یا آن مکان انجام دهد باید آنها را فقط به ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۴ عنوان رجاء و احتمال مطلوبیت بجا آورد، نه به قصد استجاب یا ثواب ثابت، یعنی چنین نیت کند: «این دعا را می‌خوانم و این عمل را انجام می‌دهم به امید آنکه مطلوب باشد و مأجور باشم».

شرایط استجاب و قبولی دعا:

در احادیث و روایات ما برای اجابت دعا شرایط متعددی بیان شده که برای آگاهی از آنها می‌توان به کتاب‌های مفصل روایی مراجعه کرد که ما در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم «۱»: امام صادق علیه السلام در جواب قومی که عرض کردند: ما دعا می‌کنیم ولی مستجاب نمی‌شود، فرمودند: چون کسی را می‌خوانید که نمی‌شناسید: «لَا تَنْكُمُ تَدْعُونَ مَنْ لَا تَعْرِفُونَهُ». «۲» شرط اول استجاب دعا معرفت پروردگار است، زیرا هر کس را به قدر معرفتش مزد می‌دهند. ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۵ از حضرت علی علیه السلام سؤال شد: «فَمَا بَالُنَا نَدْعُوا فَلَا نُجَابُ؟» چرا دعای ما مستجاب نمی‌شود؟ حضرت فرمود: «إِنَّ قُلُوبَكُمْ خَائِتٌ بِثَمَانٍ خِصَالٍ: أَوْلَاهَا أَنْتُمْ عَرَفْتُمْ اللَّهَ فَلَمْ تُؤَدُّوا حَقَّهُ كَمَا أُوجِبَ عَلَيْكُمْ ...». «۱» اولین علت آن است که نسبت به خداوند معرفت و شناخت پیدا کردید، ولی حق معرفت را عملاً پیاده نکردید. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس می‌خواهد دعایش مستجاب شود باید لقمه و کارش حلال باشد. «۲» امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند دعای بنده‌ای را که برعهده‌اش، مظالم و حقوق مردم باشد یا غذای حرام بخورد، قبول نمی‌کند. «۳» رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند دعای کسی را که حضور قلب ندارد، قبول نمی‌کند. «۴» امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند به عزت و جلال خود قسم ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۶ یاد کرده که من دعای مظلومی را که خود در حق دیگری چنین ظلمی نموده است، مستجاب نمی‌کنم. «۱» رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: دعایی که اولش «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» باشد، رد نمی‌شود. «۲» رسول گرامی صلی الله علیه و آله فرمود: صلوات شما بر من مایه اجابت دعای شما خواهد بود. «۳» امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس پیش از خود به چهل مؤمن دعا کند، دعایش مستجاب می‌شود. «۴» در حدیث قدسی وارد شده است: خداوند به حضرت عیسی علیه السلام فرمود: ای عیسی مرا بخوان همانند خواندن شخص اندوهناک و غرق شده‌ای که هیچ فریادرسی ندارد «۵». ملاحظه می‌کنید که برای اجابت دعا شرایطی بیان شده ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۷ است، و از همه بیشتر بر روی خود سازی و آمادگی برای ضیافت پروردگار و شناخت میزبان حقیقی تکیه شده است.

آثار پذیرفته شدن دعا و زیارت در زندگی انسان:

قبولی دعا و زیارت از دو جهت قابل بررسی است: الف: صحیح خواندن و قصد قربت داشتن ادعیه و زیارات و اگر غلط خوانده شود معنای آن به کلی تغییر یافته و انسان را از رسیدن به اهداف آن دور می‌کند. ب: قبولی دعا و زیارت و پذیرفته شدن عند الله. یعنی علاوه بر اینکه قربتاً اِلَى اللَّهِ انجام داده است، حضور قلب و معرفت الهی هم داشته و توانسته از تمایلات نفسانی رهایی پیدا کند، و باخسوع و خشوع دعا و زیارت را انجام دهد، و در طول سفر خصلت‌های زشت درونی را یکی پس از دیگری ترک کرده و از سفره گسترده حق تعالی بهره‌مند شود، یعنی در مهمانی رسول خدا صلی الله علیه و آله و زهرای مرضیه علیها السلام و ائمه بقیع علیهم السلام شرکت نماید و به قدر توان از غذاهای معنوی تناول کند. چنین فردی توانسته است درجاتی از تقوا را به دست آورد. قرآن کریم می‌فرماید: گوشت و خون قربانی به ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۸ خدا نمی‌رسد، ... وَ لَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَى مِنْكُمْ ... «۱» بلکه تقوای حاصل از قربانی است که انسان را بالا می‌برد و به خدا نزدیک می‌کند. در آیه دیگر می‌فرماید: در روزهای مشخص به یاد خدا باشید (اشاره به مناسک منا). آنگاه می‌فرماید: ... وَ اتَّقُوا اللَّهَ ... «۲» «از خدا پروا کنید». اگر زائر حرمین شریفین

به یاد خدا باشد، خود را از گناه حفظ نماید، تمرین ترک معاصی داشته باشد، و حالت تقوا و پرهیزکاری پیدا کند، پس از حج مرتکب گناه نمی شود، و خصلت‌های خدایی در درونش جوانه می‌زند، رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «آیَةُ قَبُولِ الْحَجِّ تَزُكُّ مَا كَانَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ مُقِيمًا مِنَ الذُّنُوبِ»، «۳» نشانه قبولی حج، ترک گناهان گذشته است. بنابراین نشانه قبولی اعمال، دستیابی به تقوا و مراعات حدود الهی، پرهیز از گناه، و دوری از خصلت‌های زشت ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۹ است، و این معنا امکان ندارد مگر اینکه انسان همیشه خود را در محضر حق سبحانه و تعالی ببیند، و مراقب اعمال و رفتار خود باشد، هر کاری را جهت رضای پروردگار انجام دهد، با مردم آن‌گونه رفتار نماید که دوست دارد مردم با او رفتار کنند، بندگان خدا از دست و زبانش در امان باشند، در سختی‌ها و گرفتاری‌ها تکیه‌گاه محکمی برای نزدیکان به حساب آید، به اعمال عبادی بویژه نماز اهمیت دهد، و سعی کند نمازهای واجب را اول وقت و به «جماعت» برگزار نماید.

چند توصیه در زمینه وحدت امت اسلامی:

اگرچه درباره توصیه‌های لازم به حجاج محترم کتاب‌های جداگانه‌ای نوشته شده و به طور مفصل نکاتی را تذکر داده‌اند، و ما هم در همین کتاب به مناسبت‌های مختلف به بعضی از آنها اشاره کرده‌ایم، لکن به خاطر اهمیت موضوع سزاوار است برخی از نکات یادآوری شود: الف- اهمیت وحدت امت اسلامی یکی از اسرار اعمال و مناسک حج و زیارت مشاهد ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۲۰ مشرفه، تمرین تواضع و اخلاص، متخلق شدن به اخلاق الهی، نمایش وحدت و عزت امت اسلامی و ارتباط نزدیک با برادران دینی، و همدلی و تبادل نظر با آنها است. از این رو زائر بیت الله الحرام و حرم نبوی صلی الله علیه و آله باید به همه میهمانان خانه خدا با هر ملیت و مذهب و از هر سرزمینی که باشند، با چشم عزت و برادری بنگرد، و با برخورد مودت آمیز، آن‌گونه که مایل است بندگان خدا با او رفتار نمایند، با دیگران رفتار کند، و با اقتدا به پیشوایان دینی خود مایه عزت و زینت اسلام و رسول الله صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام باشد، و در یک سخن اختلاف در مذهب نباید موجب بدبینی و تشمت گردد؛ زیرا مشترکات موجود میان ما و مسلمانان فراوان است، و باید تمام مسلمین در برابر دشمنان قرآن و انسانیّت ید واحده باشند، و از عظمت و عزت قرآن و اسلام دفاع کنند، و شاید به همین دلیل است که در روایات ما توصیه‌های مؤکد درباره شرکت در جماعات برادران دینی شده است. پس زائران محترم از انجام کارهایی که موجب بدبینی و تفرقه جدایی امت بزرگ اسلامی می‌شود باید پرهیز نمایند. ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۲۱ ب- میهمانان خدا در سفر الهی حج زیارت خانه خدا و قبر مطهر پیامبر اکرم و ائمه بقیع- صلوات الله علیهم اجمعین- سفر الهی و دارای ابعاد گوناگون می‌باشد، و چه بسا در زندگی تنها یک بار توفیق این سفر معنوی نصیب انسان گردد، لذا سزاوار است به اهمیت و سازندگی آن بیش از پیش توجه کنیم، و از هنگام تصمیم و عزم به مسافرت تا پایان آن قدم به قدم، الهی بودن این میهمانی را مد نظر داشته باشیم، و از ارزش و منزلت همسفران و رعایت حقوق آنها غفلت نکنیم، و در مواقع ازدحام و شلوغی روحیه عفو و اغماض و چشم پوشی از خطای دیگران را پیشه خود سازیم، و از کمک و همراهی و خدمت به میهمانان خانه خدا غفلت نوزیم، و این سنت ارزشمند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام را زنده نگه داریم. ج- فرصت را مغتنم بشماریم عمر سفر کوتاه، و ایام زیارت به زودی سپری می‌گردد، باید با برنامه‌ریزی منظم بهترین استفاده را از اوقات شبانه روز خود بنماییم، و به جای وقت گذرانی برای کارهای بی‌نتیجه یا ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۲۲ کم نتیجه، بیشترین وقت خود را صرف شناخت احکام و آداب و اسرار حج و زیارت و بهره‌مندی از مشاهد شریفه و مواقف کریمه نماییم، که از جمله آنها، حضور و شرکت به موقع در نمازهای جماعت مسجدالحرام و مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و قرائت قرآن در این دو مسجد با عظمت (حداقل یک ختم قرآن در مسجدالحرام و یک ختم در مسجدالنبی صلی الله علیه و آله) و خواندن دعاها و مناجات‌های وارده از طرف معصومین علیهم السلام در ایام و مناسبت‌های مختلف می‌باشد. د- کیفیت

عبادت را فدای کمیت آن نکنیم همان گونه که قبلاً تذکر دادیم، روح و عظمت دعا و عبادت و مناسک حج به معرفت و اخلاص و رعایت ادب و حضور در محضر خداوند متعال بستگی دارد. لذا باید تنها به مقدار و کمیت اعمال و عبادات خود اکتفا نکرده، بیشتر به کیفیت آن پردازیم؛ زیرا اگر یک دعا یا زیارت و یا نماز، از روی معرفت و اخلاص باشد، موجب شکستن دل و تحویل درونی انسان می‌گردد، و باعث نجات از عذاب الهی و دست یافتن به بهشت جاوید خواهد شد. «رَزَقْنَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى .

جایگاه حج

جایگاه حج

حج در لغت به معنای: «قصد» و در اصطلاح شرع به معنای: قصد زیارت خانه خدا و انجام اعمال و مناسک مخصوص می‌باشد. حج به معنای زیارت خانه خدا و انجام اعمال مخصوصه و یکی از ارکان پنج گانه اسلام است، و به اتفاق نظر علمای فریقین، از ضروریات دین، و منکر آن کافر می‌باشد و لذا تارک حج مورد تهدید شدید خداوند واقع شده است. و رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده: «مَنْ سَيَّوَفَ الْحَجَّ حَتَّى يَمُوتَ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَهُودِيًّا» کسی که حج رابه تأخیر اندازد تا مرگ او فرا رسد، خداوند در روز رستاخیز او را یهودی ویا اَوْ نَصْرَانِيًّا». (۱) نصرانی محشور سازد. ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۲۴ و امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیت نامه خود می‌فرماید: وَاللَّهِ، اللَّهُ فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ لَا تُخْلَوْهُ مَا بَقِيْتُمْ فَإِنَّهُ إِنْ تَرِكَ وَخَدَا رَا، خَدَا رَا، در مورد خانه خدا «کعبه» تا هستید، مبدا آن را خالی بگذارید، که اگر ترک شود لَمْ تُنَاطِرُوا». (۱) مهلت داده نمی‌شوید.

فلسفه تشریح حج

دستور و جوب حج، بعد از هجرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به مدینه نازل گردیده، و از هر مسلمان مستطیعی در تمام دوران عمر یک بار به عنوان حج واجب (حَجَّةُ الْإِسْلَام) خواسته شده است. (صرف نظر از عناوین دیگری که موجب و جوب حج می‌شود مانند نذر و ...) حج گرچه جزو فروع دین به حساب می‌آید، ولی از افضل عبادات است. و دارای فواید و آثار بسیار عظیم دنیوی، اخروی، فردی، اجتماعی، سیاسی و معنوی است که در کمتر عبادتی دیده می‌شود. حج نمایش تعبد محض و عبادت خالص خدا و اظهار ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۲۵ بندگی و ایجاد ارتباط قلبی با خداوند است. حج کلاس تعلیم و تربیت است، زمینه‌ای است برای تحصیل علم زندگی و حسن معاشرت، و تحکیم مبانی اخلاق اسلامی در عمل. حج درس جهاد و فداکاری با مال و جان و گسستن از خود و خودخواهی‌ها، و جدا شدن از تعلقات و جذبات زندگی مادی، و رو آوردن به عالم معنا، و حرکت به سوی خدا است. حج به ما آموزش توحید در عقیده و وحدت در روئیه و ضرورت تبادل افکار و آرا و همکاری‌های اجتماعی، علمی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را می‌دهد، و خلاصه حج در مجموعه اعمال و مناسک، تابلویی از تمامیت دین مقدس اسلام و حیات دنیا و آخرت را به نمایش می‌گذارد، و انسان حج گزار را از عالم خاکی به اوج می‌برد، و به عالم قدس و ملکوت پرواز می‌دهد، و حیاتی نوین از معنویت و ارتباط با حق و حضور نزد رب، در کالبد خسته حاجی می‌دمد. امام صادق علیه السلام در بیان آداب باطنی حج می‌فرماید: ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۲۶ «إِذَا أَرَدْتَ الْحَجَّ فَجَرِّدْ قَلْبَكَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ قَبْلِ عَزْمِكَ» هنگامی که اراده حج نمودی، پیش از هر تصمیم دل خود را از هر چه غیر خدا است خالی، مِنْ كُلِّ شَاغِلٍ وَحِجَابٍ كُلِّ حَاجِبٍ، وَفَوْضْ أُمُورَكَ كُلَّهَا إِلَى وَهْر حِجَابِي رَا که میان تو و او حاجب و حائل شده است برطرف کن، و تمام امور خویش را به آفریدگارت واگذار. خَالِقِكَ، وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ فِي جَمِيعِ مَا يَظْهَرُ مِنْ حَرَكَاتِكَ در تمام حرکات و سکنات خود، بر او توکل کن، وَسَيَكُنَاتِكَ، وَسَيَلِمُ لِقَضَائِهِ وَحُكْمِهِ وَقَدَرِهِ، وَوَدِّعِ الدُّنْيَا وَالرَّاحَةَ وَبِرِ قِضَا وَ قَدْرِ الهی و حکم و تقدیر او تسلیم باش، و از آسایش دنیا و مردم منقطع شو ... وَالْخُلُقَ

استدلال شود که خود در وجوده مُفْتَقِرٌ إِلَيْكَ، أَيْ كَوْنُ لِعَبْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ، وجود خویش نیازمند تو می‌باشند. آیا ظهور و پیدایش برای غیر تو هست که آن ظهور، از تو و برای تو نباشد حَتَّى يَكُونَ هُوَ الْمُظْهَرُّ لَكَ، مَتَى غَبَّتْ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ تَا دَر نتیجه دلیل ظهور تو گردد؟ چه وقت غایب از نظر بوده‌ای تا برای ظهورت یَدُلُّ عَلَيْكَ، وَ مَتَى بَعُدَتْ حَتَّى تَكُونَ الْأَثَرُ هِيَ اللَّيْ تُوصَلُ نِیاز به دلیل و برهان باشد؟ و چه وقت دور بوده‌ای تا آثار و پدیده‌هایت دلیل نزدیکی ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۳۱ إِلَيْكَ، عَمِيَّتْ عَيْنٌ لَا تَرَاكَ عَلَيْهَا رَقِيبًا، وَ خَسِرَتْ صِفْقَةً عَبْدٍ لَمْ وَ وَصَلَتْ بَاشُنْد؟ کور است دیده‌ای که تو را نبیند، در صورتی که همواره مراقب او، با او و در کنار او هستی در خسران و زیان است تَجْعَلُ لَهُ مِنْ حُبِّكَ نَصِيْبًا، إِلَهِي أَمَرْتُ بِالرُّجُوعِ إِلَى الْأَثَرِ، بنده‌ای که از عشق و محبت تو نصیبی ندارد معبودا! همگان را امر کردی که به آثار قدرت و عظمت رجوع کنند، فَارْجِعْنِي إِلَيْكَ بِكِسْوَةِ الْأَنْوَارِ وَ هِدَايَةِ الْأَسْتَبْصَارِ، حَتَّى أَرْجِعَ وَ لِي مَرَا بَه تَجَلِيَّاتِ انوار خودت رجوع ده، و با مشاهده و استبصار، هدایت فرما، تا از آثار بگذرم إِلَيْكَ مِنْهَا كَمَا دَخَلْتُ إِلَيْكَ مِنْهَا، مَصُونٌ السَّرِّ عَنِ النَّظْرِ إِلَيْهَا، وَ بَه تو واصل گردم، همچنان که از آنها گذشته و در سِرِّ درونم بدون توجه به آنها، بر تو وارد گشته. وَ مَرْفُوعَ الْهَمِّ عَنِ الْأَعْتِمَادِ عَلَيْهَا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. همتم را چنان بلند گردان که نیاز و اعتماد بر پدیده و آثار نداشته باشم که تنها تو بر همه چیز توانایی... و شما زائران محترم خانه خدا در تمام مراحل و مواقیف و مواقف و در ضمن اعمال و مناسک، اذکار و ادعیه‌ای دارید که سزاوار است آنها را با توجه و خلوص کامل بخوانید، و بدانید که روح حج، تزکیه و تعالی روحی است که با انجام مناسک حج و ملازمت بر دعوات و اذکار وارده و قرائت قرآن کریم و دقت در ثمرات معنوی و اسرار باطنی و عمل به واجبات و مستحبات، حاصل می‌گردد.

بخش اول: اعمال و آداب حج

واجبات عمره تمتع:

در عمره تمتع پنج چیز واجب است: ۱. احرام. ۲. طواف کعبه. ۳. نماز طواف. ۴. سعی بین صفا و مروه. ۵. تقصیر (گرفتن قدری از مو یا ناخن). احکام مربوط به عمره تمتع را در مناسک بخوانید، و ادعیه و اذکار در همین کتاب خواهد آمد.

واجبات عمره مفرده:

در عمره مفرده هفت چیز واجب است: ۱. احرام. ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۳۴. ۲. طواف کعبه. ۳. نماز طواف. ۴. سعی بین صفا و مروه. ۵. تقصیر (کوتاه کردن ناخن یا مو). ۶. طواف نساء. ۷. نماز طواف نساء. احکام مربوط به واجبات عمره مفرده را در کتاب‌های مناسک، و ادعیه و اذکار مربوطه را در همین کتاب بخوانید.

میقات‌های احرام:

کسانی که به قصد حج یا عمره عازم بیت الله الحرام می‌باشند، باید با احرام وارد مکه شوند. محلی که برای احرام بستن معین شده «میقات» نامیده می‌شود. و میقات حِجَّاج به اختلاف راههایی که از آنها به طرف مکه می‌روند مختلف می‌شود، و آن پنج محل است: ۱. میقات کسانی که از طرف مدینه به مکه عازم هستند «ذو الْخُلَيْفَةِ» است که همان «مسجد شجره» می‌باشد. ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۳۵. ۲. و برای کسانی که از طرف شام می‌آیند «جحفه» است. ۳. و برای کسانی که از عراق و نجد عازمند «وادی عقیق» است. ۴. و برای کسانی که از طرف طائف می‌آیند «قَرْنُ الْمَنَازِل» است. ۵. و برای کسانی که از سوی یمن عازم هستند «يَلْمَلَم» می‌باشد.

تقرب می‌جویم، اجابت کردم، اجابت کردم، برای حج ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۳۹ وَعُمْرَةٌ مَعًا لَتَيْبِكَ، لَتَيْبِكَ هَذِهِ عُمْرَةٌ مُتَعَةً إِلَى الْحَجِّ لَتَيْبِكَ، لَتَيْبِكَ و عمره، اجابت کردم، اجابت کردم، اینک تمتع با حج است، اجابت کردم، اجابت کردم، أَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَتَيْبِكَ، لَتَيْبِكَ تَلْبِيَةٌ تَمَامُهَا وَبَلَاغُهَا عَلَيْكَ.» ای شایسته‌اجابت، اجابت کردم، اجابت کردم، اجابتی که تمام و کمالش به لطف توست.»

محرمات احرام:

پس از آنکه حاجی مُحَرَّم شد، بیست و چهار چیز بر او حرام می‌شود، که عبارتند از: ۱. شکار حیوان صحرائی (وحشی). ۲. جماع کردن با زن، و بوسیدن و نگاه به شهوت و هر نوع لذت بردن از او. ۳. عقد کردن زن برای خود یا غیر. ۴. استمناء. ۵. استعمال عطریات و بوی خوش. ۶. پوشیدن پوشش‌های دوخته برای مردان. ۷. سرمه کشیدن به سیاهی که در آن زینت باشد. ۸. نگاه کردن در آینه. ۹. پوشیدن کفشی که تمام روی پا را می‌گیرد. ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۴۰ فسوق (اعم از دروغ گفتن و فحش دادن یا فخر و مباحثات کردن). ۱۱. جدال و گفتن لا- وَاللَّهِ، وَبَلَى وَاللَّهِ (قسم یاد کردن به نام الله). ۱۲. کشتن جانورانی که در بدن ساکن می‌شوند. ۱۳. انگشتر به دست کردن به جهت زینت. ۱۴. پوشیدن زیور برای زن. ۱۵. روغن مالیدن به بدن. ۱۶. ازاله مو از بدن خود یا غیر چه مُحَرَّم باشد چه مُحَلَّل. ۱۷. پوشانیدن مرد سر خود را، با هر چه که آن را بپوشاند. ۱۸. پوشانیدن صورت برای زنان. ۱۹. زیر سایه قرار گرفتن برای مردان، در حال راه رفتن و طوی طریق. ۲۰. بیرون آوردن خون از بدن. ۲۱. ناخن گرفتن. ۲۲. کندن دندان. ۲۳. کندن درخت یا گیاه از حرم. ۲۴. سلاح برداشتن (حمل سلاح).

مستحبات ورود به حرم:

۱. غسل کردن. ۲. پیاده شدن از وسیله نقلیه. ۳. خواندن این دعا: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ: وَأَذِّنْ خِدَاوَنَدًا! در قرآنت (به ابراهیم) فرمودی و فرموده‌ات درست است که «مردم را فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوكُّ رَجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ بِهِ حَجَّ فِرَاخُونَ تا پیاده و سواره بر مرکب‌های لا-غیر اندام از هر راه دور به سویت آیند» فَسَجَّ عَمِيْقٍ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ مِمَّنْ أَجَابَ دَعْوَتَكَ، وَقَدْ خِدَاوَنَدًا! من امیدوارم از کسانی باشم که دعوت را پاسخ گفته و از سرزمین جنتُ مِنْ شَقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَمِنْ فَجَّ عَمِيْقٍ، سَامِعًا لِدَعَائِكَ، وَمُسْتَجِيْبًا وَرَاحَةً دَوْرِي آمَدَهَام، نَدَايَتِ رَا شَنَوَا وَپَذِيْرَا وَفِرْمَانِبِرْدَارَتِ لَكَّ، مُطِيعًا لِأَمْرِكَ، وَكُلِّ ذَلِكِ بَفَضْلِكَ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ، فَكَعْ مِي بَاشَم، وَ اِيْن هَمَه بَه فَضْلٍ وَ اِحْسَانٍ تَوَسْتُ، پَس سِپَاس تِرَاسَزِد كَه الْحَمْدُ عَلَي مَا وَ فَتَنِي لَه، أَتَبَغِي بِذَلِكِ الزُّلْمَةَ عِنْدَكَ، وَ الْقَرْيَةَ إِلَيْكَ، مَرَا بَه اَن تَوَفِيْق بَخْشِيْدِي كَه بَه سُوِيْت تَقْرِب جُوِيْم وَ نَزْدِيْكِي بَه سُوِي تَو وَ الْمَنْزِلَةَ لَدَيْكَ، وَ الْمَغْفِرَةَ لِدُنُوْبِي، وَ التَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنْكَ، وَ جَاه وَ مَنَزَلَت نَزْد تَو وَ مَغْفِرَتِ كَنَاهَانِم خَوَاسْتَار شُوْم كَه بَر مَن بَه لَطْفِ خُوِيْش بِيْخْشَايِي اِدْعِيَه وَ اَدَاب مَكَه مَكْرَمَه، ص: ۴۲ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَحَرِّمْ يَدِي عَلَى النَّارِ، خِدَاوَنَدًا! درود فرست بر محمد و آلش، و بدنم را بر آتش حرام ساز و آمینی مِنْ عَذَابِكَ وَعِقَابِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.» و از عذاب و کیفیت امانم دهی به رحمت ای مهربانترین مهربانان.»

آداب ورود به مسجد الحرام:

۱. غسل کردن. ۲. پای برهنه با حالت متانت و وقار قدم برداشتن. ۳. ورود از باب بنی شیبه که مقابل باب السلام کنونی می‌باشد. و مستحب است بر در مسجد الحرام ایستاده، بگوید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، بِسْمِ اللَّهِ «سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو ای پیامبر، به نام خدا وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَآلِهِ، السَّلَامُ وَبِهِ يَارِي اُو وَ يَارِي اَز خِدَاسْت وَ خَوَاسْت خَوَاسْت خِدَاسْت، سَلَام بَر رَسُوْل خِدَا وَ اَل اُو، سَلَام عَلَي اِبْرَاهِيْم وَ اَلِه، وَ السَّلَامُ عَلَي اَنْبِيَاءِ اللّهِ وَرُسُلِهِ وَ الْحَمْدُ بَر اِبْرَاهِيْم

خلیل الله و آتش، سلام بر پیامبران خدا و فرستادگانش و سپاس ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۴۳ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». مخصوص خداوند؛ پروردگار جهانیان است.» و در روایت دیگر وارد است که نزد در مسجد بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ وَعَلَى» به نام خدا و به کمک او و بازگشت به سوی خداست و خواست خداست و بر مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَخَيْرِ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ، شَرِيعَتِ رَسُولِ خُودَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِی‌باشم و بهترین نام‌ها برای خداست وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ وَبَرَكَاتِهِ، السَّلَامُ عَبْدُ اللَّهِ، سَلَامٌ وَرَحْمَةٌ وَبَرَكَاتٌ خُودَا بِرِ تُو اِی پِیامبر، سَلَامٌ عَلَى أَنْبِیَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ الرَّحْمَانِ، السَّلَامُ بِرِ انبِیای خُودَا و پِیامبرانِش، سَلَامٌ بِرِ خَلِیلِ خُودَایِ رَحْمَانِ، سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى بِرِ پِیامبرانِ خُودَا و فرستادگانِ و سپاسِ مخصوصِ خُودَا؛ پروردگارِ جهانیانِ است، سَلَامٌ بِرِ ما و بِرِ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ بِبندگانِ شایستهِ خداوند، خداوند! دُورِدِ فرستِ بِرِ مُحَمَّدٍ و آتشِ و برکتِ بَخْشِ ادعیه و آدابِ مکه مکرمه، ص: ۴۴ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ بِرِ مُحَمَّدٍ و آتشِ و ترحمِ کنِ بِرِ مُحَمَّدٍ و خاندانِش، چنانچه دُورِدِ و بَارَكْتَ و تَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ بِرِ كَت و ترحمِ و زبیدی بِرِ ابراهیم و دودمانِ ابراهیم که تُو ستوده مَجِیدٌ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَبدِکَ وَرَسُولِکَ، و بزرگی، خداوند! دُورِدِ فرستِ بِرِ مُحَمَّدٍ و خاندانِ مُحَمَّدٍ؛ بنده و پِیامبرت، وَعَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِکَ وَعَلَى أَنْبِیَائِکَ وَرُسُلِکَ وَسَلِّمْ خُودَاوند! دُورِدِ فرستِ بِرِ ابراهیم خَلِیلِ و بِرِ انبِیاءِ و پِیامبرانِ که دُورِدِ عَلَیْهِمْ، وَسَلِّمْ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، بِرِ آنانِ و سَلَامٌ فرستِ بِرِ رسولانِ و سپاسِ مخصوصِ خداوند؛ پروردگارِ جهانیانِ است، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِی أَبْوَابَ رَحْمَتِکَ، وَاسْتَعْمِلْنِی فِی طَاعَتِکَ خُودَاوند! ابوابِ رحمتِ را بِرِ اِیمانِ بگشا و مرا بِرِ فرمانبرداریِ و مَرْضَاتِکَ، وَاحْفَظْنِی بِحِفْظِ الْإِیمَانِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتِنِی، جَلَّ ثَنَاءُ و جَلْبِ خُشْنودیتِ بِرِ کارِ گیرِ و درِ پناهِ اِیمانِ بِرِ اِیمانِ تا آنگاه که باقیمِ داشته‌ایِ محفوظمِ دارِ، ستایشِ ذاتِ تُو وَجْهِکَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَنِی مِنْ وَفْدِهِ وَزُورِهِ، وَجَعَلَنِی بِرِ بزرگِ است، حمدِ مخصوصِ خُوداییِ است که مرا ازِ واردینِ و زائرینِشِ قرارِ دادِ، مِمَّنْ یَعْمُرُ مَسَاجِدَهُ، وَجَعَلَنِی مِمَّنْ یُنَاجِیهِ. اللَّهُمَّ إِنِّی عَبدُکَ وَزَائِرُکَ ازِ کسانیِ که مساجدِشِ را آبادِ می‌کنندِ و با اوِ مناجاتِ می‌نمایندِ، خداوند! منِ بندهِ ادعیه و آدابِ مکه مکرمه، ص: ۴۵ فِی بَیتِکَ، وَعَلَى کُلِّ مِیَآتٍ حَقٌّ لِمَنْ آتَاهُ وَزَارَهُ، وَأَنْتَ خَیْرُ و زائرِ خانهِاتِ می‌باشمِ و بِرِ هرِ واردِ و زائریِ حقیِ بِرِ صاحبِ خانهِ می‌باشدِ، و تُو مَآتِیِ و أَکْرَمُ مَزُورٍ، فَأَسْأَلُکَ یا اللَّهُ یا رَحْمَانُ بِأَنَّکَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِی بِهتَرینِ و گرامی‌ترینِ کسیِ هستیِ که بِرِ اوِ واردِ می‌شوندِ، پسِ ازِ تُو می‌خواهمِ ایِ خُودایِ رَحْمَانِ لا إِلَهَ إِلا أَنْتَ، وَخِیدُکَ لا شَرِیکَ لَکَ، بِأَنَّکَ وَاخِیدُ صِیدُ، کهِ مَعبُودِیِ جِزِ تُو نیستِ تنها و بی‌همتاییِ، یگانه، یگانه، بی‌نیازِ، لَمْ تَلِدْ و لَمْ تُولَدْ و لَمْ یُکُنْ لَهُ [لَکَ] کُفُورًا أَخِیدُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبدُکَ نَهِ زاده‌ایِ و نهِ زاده‌شده‌ایِ، و بِرِ اِی تُو همتاییِ نمی‌باشدِ و اینکهِ مُحَمَّدٌ وَرَسُولُکَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَیتِهِ، یا جِوادُ یا کَرِیمُ یا بندهِ و فرستاده‌توستِ کهِ صلواتِ خُودا بِرِ اوِ و خاندانِشِ بادِ اِی بَخْشندهِ ما جِیدُ یا جَبَّارُ یا کَرِیمُ، أَسْأَلُکَ أَنْ تَجْعَلَ تُخَفَّتِکَ إِیَّایِ بِزِیارتِیِ اِیِ کَرِیمِ اِیِ بزرگِ اِیِ خطاپوشِ، اِیِ کَرِیمِ ازِ تُو می‌خواهمِ کهِ هدیهِ مرا بِرِ خاطرِ اِیَّاکَ اَوَّلَ شَیْءٍ تُغَطِّینِی فِکاکَ رَقِیبتِیِ مِنَ النَّارِ. زیارتِمِ ازِ خانهِ تُو، نَخستینِ عطایتِ را رهایمِ ازِ آتشِ قرارِ بده.» پسِ سه مرتبه بگوید: «اللَّهُمَّ فَکَ رَقِیبتِیِ مِنَ النَّارِ». خداوند! مرا ازِ آتشِ رهاییِ بَخْش.» ادعیه و آدابِ مکه مکرمه، ص: ۴۶ آنگاه چنینِ ادامهِ دهد: «وَ أَوْسَعِ عَلَیَّ مِنْ رِزْقِکَ الْحَلالِ الطَّیِّبِ، وَادْرَأْ عَنِّی شَرًّا» و ازِ روزیِ حلالِ و پاکیزهِ بِرِ منِ وسعتِ بَخْشِ و شَرِّ شَیْاطِینِ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ وَشَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ». شیطان‌هایِ جنِ و انسِ، و شرِ فاسقانِ عربِ و عجمِ را ازِ منِ دفعِ کن.» پسِ داخلِ مسجدِ الحرامِ شودِ، و رو بِرِ کعبهِ دست‌ها را بلندِ نموده بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ فِی مَقامِیِ هَذَا، فِی اَوَّلِ مَناسِکِیِ أَنْ» خداوند! درِ اِینِ جایگاهِ و درِ اَوَّلِ مناسِکِمِ ازِ تُو می‌خواهمِ کهِ تَقَبَلِ تَوْبَتِیِ، وَ أَنْ تَجَاوَزَ عَنِّی خَطِیئَتِیِ وَ تَصْعَ عَنِّی وَزْرِی، تُو بهامِ را پذیرا و ازِ خطایمِ درِ گذریِ و وزرِ و وبالِمِ را ازِ منِ برداریِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی بَلَّغَنِی بِبَیتِهِ الْحَرَامِ. اللَّهُمَّ إِنِّی أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا حَمْدٌ مَخْصُوصٌ خُوداییِ است کهِ مرا بِرِ بَیتِ اللَّهِ الْحَرَامِ خُویشِ رساندِ، خداوند! منِ

گواهی دهم که اینک بیتی که الحرام الذی جعلته مَنَابِرَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا مُبَارَكًا وَهُدًى بَيْتَ اللَّهِ الْحَرَامِ است که تو محل آمد و شد مردم و محل امن و مبارک و هدایت للعالمین. اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَالْبَلَدُ بَلَدُكَ، وَالْبَيْتُ بَيْتُكَ، جِئْتُ جُهَانِيَانِ قَرَارِ دَادِي، خَدَاوَنَدَا! مِنَّمْ بِنْدَه تُو و اَيْن شَهْر شَهْر تُوَسْت و خَانَه خَانَه تُو مِي بَاشَد آمَدَهَام اَدْعِيَه و آدَاب مَكّه مَكْرَمَه، ص: ۴۷ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ، وَأَوْمُّ طَاعَتِكَ، مُطِيعًا لِأَمْرِكَ، رَاضِيًا بِقَدْرِكَ، تَا رَحْمَتِ تُو رَا بَطْلِبْم و آهَنگ اِطَاعَتِ تُو كَرْدَم، فَرْمَانِبَرْدَار اَمْر تُو مِي بَاشْم، و رَاضِي بَه تَقْدِيرِ تُو هَسْتَم، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ. اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي از تُو مِي خَوَاهَم هَمَانَنْد نِيَازْمَنْدِي كِه از تُو خَائِف مِي بَاشَد، خَدَاوَنَدَا! دَرَهَايْ أَبْوَابِ رَحْمَتِكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ». رَحْمَتِ رَا بَه رُوِيْم بَگِشَا و بَه طَاعَتِ و جَلْب رِضَايَتِ و اِدَارْم سَاز». بَعْدِ خَطَابِ كَنْد بَه كَعْبَه و بَگُوِيْد: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَظَّمَكَ وَشَرَّفَكَ وَكَرَّمَكَ وَجَعَلَكَ مَثَابَةً «حَمْدِ خَدَائِي رَا كِه تَرَا بَزْرَگ و بَا شَرَاْفَتِ و مَحَلِ آمَدِ و شَدِّ لِلنَّاسِ وَأَمْنًا مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ». مَرْدَم و جَايِ اَمْنِ و مَبَارَكِ و عَامَلِ هَدَايَتِ جُهَانِيَانِ قَرَارِ دَادِ». و مَسْتَحَبِ اسْتِ و قَتِي بَه مَحَاذِي «حَجْرِ الْأَسْوَدِ» رَسِيْد، بَگُوِيْد: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، «گواهی می‌دهم که معبودی جز خدای یکتای بی‌همتا نیست و آن مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللَّهِ، وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ و اَيْنَكِه مَحْمَدِ بِنْدَه و فَرَسْتَاَدَه اَوْسْت، اِيْمَانِ آوَرْدَم بَه خَدَا، و بَه جِبْتِ و اَدْعِيَه و آدَابِ مَكّه مَكْرَمَه، ص: ۴۸ وَالطَّاعُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزَّى، وَعِبَادَةَ الشَّيْطَانِ، وَعِبَادَةَ كُلِّ نَمْتٍ طَاغُوتِ و لَاتِ و عَزَى و عِبَادَتِ شَيْطَانِ و عِبَادَتِ هَر چِه شَرِيكِ خَدَا يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ». خَوَانَدَه شُوْد كَفْرِ مِي و رَزْم». اِمَامِ صَادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامِ بَه اَبُوْبَصِيْرِ فَرْمُوْد: هَنگَامِي كِه دَاخِلِ مَسْجِدِ شَدِي جَلُو بَرُو تَا رُوْبُرُوِي «حَجْرِ الْأَسْوَدِ» كِه رَسِيْدِي مَتَوَجَّهْ اَن شَدَه، اَيْنِ دَعَا رَا بَخْوَانِ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا «حَمْدِ مَخْصُوصِ خَدَائِي اسْتِ كِه مَا رَا بَه اَيْنِجَا هَدَايَتِ كَرْد و اِگَر هَدَايَتِ خَدَا نَبُوْد بَه اَيْنِجَارَاهِ اللَّهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، أَكْبَرُ نَمِي يَافَتِيْم، مَنَزَّهْ اسْتِ خَدَا و سِيَّاسِ وِيْزَهْ اَوْسْتِ و مَعْبُودِي نِيَسْتِ جِزِ خَدَا و خَدَاوَنَدِ بَزْرَگِ اسْتِ، خَدَاوَنَدِ بَزْرَگْتَرِ ازِ مِنْ خَلْقِهِ، وَأَكْبَرُ مِمَّا أَحْشَى وَأَخْذَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا آفَرِيْدَه هَايِشِ مِي بَاشَد، خَدَاوَنَدِ بَزْرَگْتَرِ اسْتِ ازِ اَنچِه ازِ اَن بِيْمَانِ كِيْم، مَعْبُودِي جِزِ خَدَائِي يَكْتَايِ شَرِيكِ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَيُمِيتُ بِي هَمْتَا نِيَسْتِ، مَلِكِ هَسْتِي و حَمْدِ بَرَايِ اَوْسْتِ، زَنْدَه مِي كَنْد و مِي مِيْرَانَد و مِي مِيْرَانَد وَيُحْيِي، وَيَبْدِئُ الْخَيْزُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ و دُوْبَارَه زَنْدَه مِي كَنْد، خَيْرِ و خُوْبِي بَه دَسْتِ اَوْسْتِ، و اُو بَرِ هَر چِيْزِ تُوَانَا اسْتِ، اَدْعِيَه و آدَابِ مَكّه مَكْرَمَه، ص: ۴۹ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، خَدَاوَنَدَا! سَلَامِ و دَرُودِ فَرَسْتِ بَرِ حَضْرَتِ مَحْمَدِ و آلَشِ، و بَرِ اَنانِ بَرَكْتِ بَخْشِ؛ كَأَفْضَلِ مَا صَدَّقْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ بَهْتَرِيْنِ دَرُودِ و بَرَكْتِ و رَحْمَتِي كِه بَرِ اِبْرَاهِيْمِ و آلَشِ إِبْرَاهِيْمِ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَسَلَامٌ عَلَى جَمِيْعِ النَّبِيِّينَ فَرَسْتَاَدَه اِي كِه تُو سَتُوْدَه و بَزْرَگِي، سَلَامِ بَرِ تَمَامِ بِيَاْمِرَانِ وَالْمُرْسَلِيْنَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أُوْمِنُ و فَرَسْتَاَدِگَانِ، و سِيَّاسِ مَخْصُوصِ خَدَاوَنَدَا؛ پَرُورْدِگَارِ جُهَانِيَانِ اسْتِ، خَدَاوَنَدَا! بُوْعِيْدِكَ، وَأَصِيْدِ قُرْسِيْلِكَ، وَأَتَّبِعْ كِتَابِكَ». بَه وَعَدَه تُوَايْمَانِ دَارْم و بِيَاْمِرَانْتِ رَا تَصْدِيْقِ مِي كَنْم و ازِ كِتَابَتِ پِيْرُوِي مِي نَمَايْم.» و دَرِ رُوَايَتِ مَعْتَبَرِ وَاْرَدِ اسْتِ كِه قَتِي نَزْدِيكِ حَجْرِ الْأَسْوَدِ رَسِيْدِي دَسْتِ هَايِ خُوْدِ رَا بَلَنْدِ كَنْ، و حَمْدِ و ثَنَائِ اِلَهِي رَا بَجَا آوَرِ، و صِلُوَاتِ بَرِ بِيْغَمِبَرِ بَفَرَسْتِ، و ازِ خَدَاوَنَدِ عَالَمِ بَخُوَاهِ كِه حَجَّ تُو رَا قَبُوْلِ كَنْد، پَسِ ازِ اَن حَجْرِ رَا بُوَسِيْدَه و اسْتَلَامِ نَمَا. و اِگَر بُوَسِيْدِنِ مَمْكَنْ نَشَدِ لَمَسِ كَنْ، و اِگَر اَن هَمِ مَمْكَنْ نَشَدِ اَشَارَهْ بَه اَن كَنْ، و بَگُو: «اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدَيْتَهَا وَمِيثَاقِي تَعَاهَدْتَهُ لَتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَاْفَاءِ، «خَدَاوَنَدَا! اَمَانْتِ رَا اِدَا و پِيْمَانْمِ رَا تَجْدِيْدِ كَرْدَمِ تَا تُو بَرِ و فَا بَه عَهْدِمْ گُوَاهِي دَهِي، اَدْعِيَه و آدَابِ مَكّه مَكْرَمَه، ص: ۵۰ اللَّهُمَّ تَصَدِّقًا بِكِتَابِكَ وَعَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ، أَشْهَدُ أَنْ خَدَاوَنَدَا! كِتَابَتِ رَا تَصْدِيْقِ مِي كَنْم و ازِ سُنَّتِ بِيَاْمِرْتِ - كِه دَرُودِ تُو بَرِ اُو و بَرِ آلَشِ - پِيْرُوِي مِي نَمَايْمِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، و گُوَاهِي مِي دَهْمِ كِه مَعْبُودِي جِزِ خَدَائِي يَكْتَايِ بِي هَمْتَا نِيَسْتِ و مَحْمَدِ بِنْدَه اُو آمَنْتُ بِاللَّهِ، وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاعُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزَّى بِيَاْمِرِ و رَسُوْلِ اَوْسْتِ، بَه خَدَا اِيْمَانِ آوَرْدَمِ و بَه جِبْتِ و طَاغُوتِ و لَاتِ و عِبَادَةَ الشَّيْطَانِ، وَعِبَادَةَ كُلِّ نَمْتٍ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ». و عَزَى و عِبَادَتِ شَيْطَانِ و عِبَادَتِ هَرِ شَرِيكِي بَرَايِ خَدَا كَفْرِ مِي و رَزْم.» و اِگَر تُوَانِي هَمَه رَا بَخْوَانِي قَسْمَتِي ازِ اَن رَا بَخْوَانِ، و بَگُو: اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بَسَطْتُ يَدِي وَفِيْمَا عِنْدَكَ عَظَّمْتُ رَغْبَتِي

خداوندا! به سوی تو دست گشودم و اشتیاقم به آنچه نزد توست بزرگ است فَاقْبِلْ سُبْحَتِي، وَاعْفُ لِي وَارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ پَسِ تَسْبِيحِمَ رَا بِيذِيرِ، گناه‌ها را بیامرز و بر من ترحم کن، خداوندا! به تو از الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ وَمَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. کفر، فقر، و خواری دنیا و آخرت پناه می‌برم.» ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۵۱

مستحبات طواف:

اشاره

مستحب است حاجی در حال طواف، با کمال خلوص و توجه به خدا، در هر دوری از طواف‌های هفت گانه، راز و نیازی آهسته و آرام، با حضرت حق داشته باشد، پس علاوه بر اذکاری که دارد، می‌تواند در هر شوط این ادعیه را بخواند:

دعای اشواط طواف:

برای اینکه طواف کننده در تعداد دورهای طواف شک نکند، می‌تواند دعاهای وارده را تقسیم کرده و در هر دور طواف بخشی از آن را به قصد رجاء بخواند، و اگر تکرار شد مانعی ندارد.

دعای دور اول:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُمَشَى بِهِ عَلَى طَلَلِ الْمَاءِ، خداوندا! از تو مسألت می‌کنم به آن نامت که با ذکر به وسیله آن بر روی آب راه می‌روند، ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۵۲ کَمَا يُمَشَى بِهِ عَلَى جَدَدِ الْأَرْضِ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَرُ چنانچه بر روی زمین سخت و هموار، و از تو می‌خواهم به حق آن نامت که عرش برای آن لَهُ عَرْشُكَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَرُ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ، به لرزه می‌افتد، و از تو می‌خواهم به حق آن اسمت که گام‌های فرشتگان به لرزه می‌افتد، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ، و از تو می‌خواهم به حق آن نامت که موسی ترا با آن از سوی کوه طور خواند فَاسْتَجَبْتَ لَهُ، وَأَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي وَدَعَايَشَ را مستجاب کردی و محبت خویش را به او القا کردی، و از تو می‌خواهم به آن نامت که غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا گناه گذشته و آینده حضرت محمد صلی الله علیه و آله را بخشیدی تَأَخَّرَ، وَأَتَمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ، أَنْ تَرْزُقَنِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» و نعمت خود را بر او تمام کردی که مرا از خیر دنیا و آخرت بهره‌مند سازی.» و حاجات خود را می‌خواهی.

دعای دور دوم:

«اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَقِيرٌ، وَإِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ، فَلَا تُعْزِئَنِي» خداوندا! من به تو نیازمندم، و من بیمناک و پناه جویم، پس جسمم را دگرگون ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۵۳ جِسْمِي وَلَا تُبَدِّلِ اسْمِي». مساز و نامم را تبدیل مکن» سپس می‌گویی: سَأَلْتُكَ فَقِيرُكَ مَسْكِينُكَ بِبَابِكَ، فَتَصَدَّقْ عَلَيْهِ بِالْجَنَّةِ. اللَّهُمَّ گدای تو، مسکین تو به در خانه‌ات آمده، بهشت را الْبَيْتُ بَيْتِكَ، وَالْحَرَمُ حَرَمُكَ، وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ، وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ به او عطا فرما، خداوندا! خانه، خانه تو و حرم، حرم تو و بنده، بنده تو است، الْمُسْتَجِيرُ بِكَ مِنَ النَّارِ، فَاعْتَنِي وَالْإِثْمِي وَأَهْلِي وَوُلْدِي و این است جایگاه پناهنده تو از آتش دوزخ، مرا و پدر و مادرم را و خانواده‌ام و فرزندانم وَإِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ مِنَ النَّارِ، یا جوادُ یا کریم». و برادران ایمانی‌ام را از آتش آزاد ساز، ای بخشنده ای کریم.»

دعای دور سوم:

«اللَّهُمَّ أَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَأَجِرْنِي بِرَحْمَتِكَ مِنْ «خداوندا! مرا به بهشت وارد ساز به رحمت از آتش پناهم ده، و از بیماری النَّارِ، وَعَافِنِي مِنَ السُّتْمِ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ، وَأَدْرَأْ عَافِيَتِي بِخَشْيِ، وَرُزْقِي حَلَالٍ وَسَعْتَمِ دَه، وَدُورِ كُنْ مِنْ شَرِّ اَدْعِيهِ وَآدَابِ مَكَّةِ مَكْرَمِهِ، ص: ۵۴ عَنِي شَرِّ فِسْقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَشَرِّ فِسْقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ، يَا ذَا تَبْهَكَارَانَ جَنَّ وَانْسِ رَا، وَشَرِّ فَاَسْقَانَ عَرَبٍ وَعَجَمِ رَا، اِي صَاحِبِ نِعْمَتِ الْمَنِّ وَالطَّوْلِ، وَالْجُودِ وَالْكَرَمِ، اِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي، وَفَضْلُ، اِي بَخْشَنده كَرِيمِ، عَمَلِمْ ضَعِيفٌ اسْتِ اَنْ رَا مِضَاعِفِ سَا، وَتَقَبَّلُهُ مِنِّي، اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ». وَ اَنْ رَا اَزْ مِنْ بِيذِيرِ كِهْ تُو شَنُوَا وَ دَانَايِي.»

دعای دور چهارم:

«يا الله يا ولي العافية، وخالق العافية، ورازق العافية، «ای خدا! ای صاحب عافیت و خالق عافیت و رازق عافیت و المُنعم بالعافية، و المَنَّان بالعافية، و المفضل بالعافية على و بخشنده عافیت و دهنده نعمت عافیت و افزاینده عافیت و على جميع خلقك، يا رحمان الدنيا والآخرة ورحيمهما، صل بر من و همه آفریده‌هایت، ای خدای رحمان و رحیم در دنیا و آخرت، درود فرست على محمد و آل محمد، و ارزقنا العافية، و دوام العافية، و تمام بر محمد و خاندانش، و عافیت را روزی گردان؛ تمام عافیت العافية، و شكر العافية في الدنيا والآخرة، يا ارحم الراحمين». و شكر عافیت را در دنیا و آخرت ای مهربان ترین مهربانان.»

دعای دور پنجم:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَكَ وَعَظَّمَكَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَ «حمد خدایی را که تو (کعبه) را شرف و عظمت بخشید، و حمد خدایی راست که محمد صلی الله علیه و آله را مُحمَّداً نَبِيًّا، وَجَعَلَ عَلِيًّا إِمَامًا. اللَّهُمَّ اهْدِ لِي خِيَارَ خَلْقِكَ، وَجَنِّبْهُ بِه نُبُوتِ بَرَانْگِيخْتِ وَ عَلِي عَلَيْهِ السَّلَامِ رَا اِمَامِ قَرَارِ دَاد، خِداوندا نِيكَانِ خَلَقْتِ رَا بِهْ زِيَارَتِ كَعْبِهِ رَهْمُونِ بَاش، وَ تَبْهَكَارَانَ شَرَارِ خَلْقِكَ». رَا اَزْ اَنْ دُورِ گِرْدَانِ.»

آنگاه می گویی: رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ پروردگارا! در دنیا به ما نیکی و در آخرت نیکی بخش و از عذاب آتش النَّارِ. بازمان دار.»

دعای دور ششم:

«اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتِكَ، وَالْعَبِيدُ عَبْدُكَ، وَ هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنْ «خداوندا! خانه، خانه تو، و بنده، بنده تو و این جایگاه پناهنده به تو از النَّارِ. اللَّهُمَّ مِنْ قِبَلِكَ الرُّوحُ وَالْفَرْجُ وَالْعَافِيَةُ. اللَّهُمَّ اِنَّ عَمَلِي آتَشِ اسْتِ، خِداوندا! از سوی تو است رحمت و گشایش و عافیت، خِداوندا! عَمَلِمْ اَدْعِيهِ وَ آدَابِ مَكَّةِ مَكْرَمِهِ، ص: ۵۶ ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي، وَاعْفِرْ لِي مَا اَطَّلَعْتَ عَلَيهِ مِنِّي وَ خَفِيَ ضَعِيفٌ اسْتِ، اَنْ رَا مِضَاعِفِ سَا، وَ اَنْجِهْ رَا بَرِ تُو اَشْكَارِ وَ بَرِ خَلَقْتِ پَنْهَانَ اسْتِ عَلَي خَلْقِكَ، اَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ». بَرِ مِنْ بِيخْشِ، اَزْ آتَشِ بِهْ خِدا پناه می برم.»

دعای دور هفتم:

«اللَّهُمَّ اِنَّ عِنْدِي اَفْوَاجًا مِنْ دُنُوبٍ، وَ اَفْوَاجًا مِنْ خَطَايَا «خداوندا! مرا انبوهی از گناه و انبوهی از لغزش است و عِنْدَكَ اَفْوَاجٍ مِنْ رَحْمَتِي، وَ اَفْوَاجٍ مِنْ مَعْفِرَتِي، يَا مَنْ اسْتَجَابَ وَ تَرَا اَنْبُوهِي اَزْ رَحْمَتِ وَ اَنْبُوهِي اَزْ مَغْفِرَتِ، اِي اَنْكِهْ مَسْتَجَابِ كَرْدِي دَعَايِ دَشْمَنِ تَرِينِ لِاَبْعَضِ خَلْقِهِ اِلَيْهِ اِذْ قَالَ اَنْظُرْنِي اِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ، اسْتَجِبْ لِي». خَلَقْتِ (شَيْطَانَ) رَا، اَنْگَاكِهْ كَفْتِ: «مرا تا روز رستاخیز مهلت ده» دَعَايِمِ رَا مَسْتَجَابِ گِرْدَانِ.» سِپَسِ حَاجَاتِ رَا بَخُوهِ وَ اَنْگَاكِهْ بَكُو: «اللَّهُمَّ قَنِّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي، وَ بَارِكْ لِي فِيمَا آتَيْتَنِي». «خداوندا! مرا به

داده‌ات قناعت بخش، آنچه را داده‌ای برایم برکت ده.» و هنگامی که مقابل مقام حضرت ابراهیم رسیدی، بگو: ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۵۷ «اللَّهُمَّ أَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَوَسِّعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ، «خداوندا! مرا از آتش آزاد ساز و از روزی حلال بر من وسعت بخش و آدرأ عَنِي شَرَّ فِسْقِهِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَشَرَّ فِسْقِهِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ». و شر فاسقان عرب و عجم و جن و انس را از من دور کن.» و امام سجّاد علیه السلام هنگام طواف، به ناودان نگاه می‌کرد، و عرضه می‌داشت: «اللَّهُمَّ أَذْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَأَجْزِنِي بِرَحْمَتِكَ مِنَ «خداوندا! به رحمت خویش مرا به بهشت وارد ساز و از آتش النَّارِ، وَعَافِنِي مِنَ السُّقْمِ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ، وَادْرَأْ پناهم ده، و از بیماری عافیتم بخش و از روزی حلال بر من وسعت ده و شرَّ عَنِي شَرَّ فِسْقِهِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَشَرَّ فِسْقِهِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ». فاسقان جن و انس و عرب و عجم را از من دور کن.»

مستحبات نماز طواف:

در نماز طواف مستحب است بعد از حمد، در رکعت اول سوره «توحید» و در رکعت دوم سوره قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ را بخواند، و پس از نماز، حمد و ثنای الهی را بجا آورده ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۵۸ و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، و از خداوند عالم طلب قبول نماید، و بگوید: «اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي، وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي، الْحَمْدُ لِلَّهِ «خداوندا! از من بپذیر و این را آخرین دیدار و زیارتم قرار مده، حمد همه آن ویژه بِمَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَيَّ نِعْمَائِهِ كُلِّهَا، حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا خَدَّوْنَا اسْت، بر تمام نعمت‌هایش، تا حدی که موجب حب و يُحِبُّ رَبِّي وَيَرْضَى اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَقَبَّلْ مِنِّي، رضای او باشد، خداوندا! درود فرست بر محمد و خاندانش، و از من قبول کن، دلم را پاک و طَهِّرْ قَلْبِي، وَزَكِّ عَمَلِي». و عملم را پاکیزه ساز.» و در روایت دیگر چنین آمده است: «اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِطَوَاعِيَّتِي إِيَّاكَ، وَطَوَاعِيَّتِي رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ «خداوندا! مرا به واسطه اطاعت از تو و پیامبرت صلی الله علیه و آله مورد رحمت علیه و آله. اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي أَنْ أُنْعِدَى حُدُودَكَ، وَاجْعَلْنِي قَرَارَ دَه، و از تجاوز از مرزهای اطاعت بازم دار، و از کسانی قرارم ده مِمَّنْ يُحِبُّكَ وَيُحِبُّ رَسُولَكَ وَمَلَائِكَتَكَ وَعِبَادَكَ الصَّالِحِينَ». که تو و پیامبرت و فرشتگانت و بندگان شایسته‌ات را دوست بدارم.» و در بعضی از روایات است که حضرت صادق علیه السلام بعد از ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۵۹ نماز طواف به سجده رفته و چنین می‌گفت: «سَجَدَ وَجْهِي لَكَ تَعْبُدًا وَرِقًا، لِإِلَهِ إِلَّا أَنْتَ حَقًّا حَقًّا، «از سر بندگی و بردگی، برایت چهره بر زمین می‌نهم، معبودی به حق جز تو نیست تو نخستین الأوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ، وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ، وَهَا أَنَا ذَا بَيْنَ مَوْجُودٍ، پیش از هر چیز و آخرین موجود پس از هر چیزی می‌باشی و اینک من که برابرت قرار دارم، يَدِيكَ نَاصِيَّتِي بِيَدِكَ، فَاعْفُ لِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ سَرْنُوشْتَم بدست تو می‌باشد، پس بیا مرز مرا که گناه بزرگ جز تو کسی نمی‌آمرزد، عَفِرْكَ، فَاعْفُ لِي، فَإِنِّي مُقِرٌّ بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي، وَلَا يَدْفَعُ مرا بیا مرز که به گناهم اقرار دارم و گناه بزرگ را الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ». جز تو از من دور نمی‌کند.» و بعد از سجده، روی مبارک آن حضرت از گریه چنان بود که گویا در آب فرو رفته باشد.

مستحبات سعی:

مستحب است پس از خواندن نماز طواف و پیش از سعی، مقداری از آب زمزم بیاشامد و به سر و پشت و شکم خود بریزد و بگوید: ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۶۰ «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا، وَرِزْقًا وَاسِعًا، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ «خداوندا! آن را وسیله آموختن دانشی سودمند، و روزی فراخ، و شفای درد و بیماری و شِفْمِ». قرار ده.» پس از آن نزدیک حجرالأسود بیاید، و مستحب است از دری که روبروی حجرالأسود است به سوی صفا متوجه شود، و با آرامش دل و بدن بالای صفا رفته، و به خانه کعبه نظر کند، و به رکنی که حجرالأسود در آن است رو نماید، و حمد و ثنای الهی را بجا آورد، و نعمت‌های الهی را به‌خاطر بیاورد، آنگاه این ذکر را بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ» هفت مرتبه. «خدای بزرگ است.» «الْحَمْدُ لِلَّهِ» هفت مرتبه. «ستایش مخصوص خدا است.» «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» هفت مرتبه.

«معبودی جز الله نیست.» «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَخِدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، «معبودی جز خدای یگانه بی‌همتا نیست، هستی او را است و ستایش ویژه او است ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۶۱ یُحْيِي وَيُمِيتُ، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (سه مرتبه). هر چیز توانا می‌باشد.» پس صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، و سه مرتبه بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَلْبَانَا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ» و ویژه خداوند زنده قائم بذات است و ستایش او را که زنده جاویداست.» پس سه مرتبه بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، لَا «گواهی می‌دهم که خدایی جز خدای یکتا نیست، و گواهی می‌دهم که حضرت محمد بنده و فرستاده اوست جز او نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ، وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ». را عبادت نمی‌کنم، دین خود را برای او خالص کرده‌ام گرچه مشرکان ناخوش دارند.» پس سه مرتبه بگوید: ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۶۲ «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ.» «خدایاندا! من از تو بخشش، عافیت و یقین در دنیا و آخِرَةَ» آخِرَت می‌طلبم.» و سه مرتبه بگوید: «اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ.» «خدایاندا! در دنیا نیکی و در آخرت نیکی به ما عطا فرما، و از عذاب آتش آتِنَا» نگاهمان دار.» پس بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ» صد مرتبه. «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» صد مرتبه. «الْحَمْدُ لِلَّهِ» صد مرتبه. «سُبْحَانَ اللَّهِ» صد مرتبه. پس بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَخِدَهُ، أَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، «نیست معبودی جز خدای یکتای یکتا که به وعده‌اش وفا کرد و بنده‌اش را یاری داد ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۶۳ وَعَلَبَ الْأَحْزَابَ وَخِدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَخِدَهُ. اللَّهُمَّ وَبِرْ حُزْبٍ بِه تَنْهَيْتَ بِيَوْمِ شَدِّ، مَلِكٌ هَسْتِي اَو رَاسْتِ، وَ تَهَا سَتَاشِ بَرَا اَو اَسْتِ خَدَاوَنَدَا! بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ وَفِيمَا بَعْدَ الْمَوْتِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ مَرَكٍّ، وَ مِنْ مَرَكٍّ رَا بَرِ مِنْ مَبَارَكٍ گَرْدَانِ، خَدَاوَنَدَا بَه تُو پَنَاهِ مِي بَرَمِ اَز ظَلَمَةِ الْقَبْرِ وَوَحْشَتِهِ. اللَّهُمَّ أَظْلِنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ تَارِيكِي وَ وَحْشَتِ قَبْرِ، خَدَاوَنَدَا! مَرَا دَرِ سَايَهِ عَرَشِ دَرِ رُوْزِي كِه سَايَهَايِ جَزِ سَايَهِ رَحْمَتِ تُو إِلَّا ظِلُّكَ». نمی‌باشد جایم ده.» و بسیار دعای بعد را که سپردن دین و نفس و اهل و مال خود به خداوند عالم است، تکرار کند، بگوید: «اسْتَتِدِعُ اللَّهَ الرَّحْمَنَ الَّذِي لَا تَضَيُّعُ وَدَائِعُهُ دِينِي «به خدای رحمان و رحیم که امانتی نزد او تباه نگردد، دینم و نفسی و اهلی.» اللَّهُمَّ اسْتَعْمِلْنِي عَلَى كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ، وَ جَانِمِ وَ خَانُوَادَهَامِ رَا مِي سِپَارِمِ، خَدَاوَنَدَا! مَرَا بَرِ طَبَقِ كِتَابِ وَ سُنْتِ پِيَامْبِرْتِ تُو فَوَاقِ عَمَلِ دِه وَ تَوَفَّقْنِي عَلَى مِلَّتِهِ، وَاعِدْنِي مِنَ الْفِتْنَةِ.» و مرا بر دین او بمیران و از فتنه پناه ده.» ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۶۴ پس «اللَّهُ أَكْبَرُ» سه مرتبه بگوید. بعد دعای سابق را دو مرتبه تکرار کند، آنگاه یک بار دیگر تکبیر و دعا را بخواند، و اگر تمام این عمل را نتواند انجام دهد هر قدر که می‌تواند بخواند. و مستحب است که رو به کعبه نماید، و این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ قَطُّ، فَإِنْ عُدْتُمْ فَعُدَّ عَلَيَّ» «خدایاندا! هر گناهی که تا کنون کرده‌ام ببامرز، اگر گناه را از سر گرفتم تو آمرزش را برابم بِالْمَغْفِرَةِ، فَإِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ. اللَّهُمَّ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ اَعَادَه كُن كِه تُو بَخْشَنَدَه وَ مَهْرَبَانِي، خَدَاوَنَدَا! بَا مِنْ چَنَانِ رِفْتَارِ كُن كِه شَايَسْتَه اَهْلُهُ، فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلَ بِي مَا أَنْتَ اَهْلُهُ تَرْحَمْنِي، وَإِنْ تُعَذِّبْنِي تَوْسْت كِه اِگَرِ اَنگُونِه كِه شَايَسْتَه تَوْسْت بَا مِنْ رِفْتَارِ كُنِي بَه مِنْ رَحْمِ كَرْدَهَايِ وَ اِگَرِ عَذَابِمِ كُنِي فَأَنْتَ غَنِيٌّ عَنِ عَذَابِي، وَأَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِكَ، فَيَا مَنْ أَنَا تُو بِي نِيَازِ اَزِ عَذَابِ مِنْ هَسْتِي وَ مِنْ نِيَازْمَنْدِ بَه رَحْمَتِ پَسِ اِي كَسِي كِه مِنْ مُحْتَاجِ إِلَى رَحْمَتِهِ ارْحَمْنِي.» اللَّهُمَّ لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا اَهْلُهُ، مُحْتَاجٌ بَه رَحْمَتِمْ هَسْتِمِ رَحْمِ كُنِ خَدَايَا! بَا مِنْ چَنَانِ رِفْتَارِ مَكْنِ كِه دَرِ خَوْرِ اَنْ فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلَ بِي مَا أَنَا اَهْلُهُ تُعَذِّبْنِي، وَ لَمْ تَظْلِمْنِي، مِي بَاشِمِ اِگَرِ بَا مِنْ بَدَانگُونِه كِه سَزَاوَارِ اَنِمِ رِفْتَارِ كُنِي دَرِ اَيْنِ صَوْرَتِ مَرَا عَذَابِ خَوَاهِي كَرْدِ بِي اَنَكِه بَه مِنْ سَتْمِي رَوَادَارِي اَدْعِيَه وَ اَدَابِ مَكِه مَكْرَمِه، ص: ۶۵ أَصْبَحْتُ أَتَقِي عَذْلَكَ، وَلَا أَخَافُ جَوْرَكَ، فَيَا مَنْ هُوَ عَدْلٌ لَا كِه مِنْ اَزِ عَدْلِ تُو بِيْمَنَاكِمِ وَ اَزِ سَتْمِ دَرِ اَمَانِ، اِي عَادِلِي كِه سَتْمِ رَوَا نَمِي دَارِي يَجُورُ ارْحَمْنِي.» بَه مِنْ رَحْمِ فَرَمَا.» پس بگوید: «يَا مَنْ لَا يَخِيْبُ سَائِلُهُ، وَلَا يَنْفَعُ نَائِلُهُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ «ای آنکه گدا را نومید نمی‌کنی و عطایت را پایانی نیست، بر محمد و آل محمد، وَأَعِدْنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ.» وَ آلِ مُحَمَّدٍ دَرُودِ فَرَسْتِ، وَ بَه رَحْمَتِ مَرَا اَزِ اَتَشِ پَنَاهِ دِه.» وَ دَرِ حَدِيثِ شَرِيْفِ وَارِدِ شُدِه اَسْتِ: اِيَسْتَادَنْ بَرِ صِفَا رَا

طول دهد، و هنگامی که از صفا پایین می‌آید رو به خانه کعبه کند و بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَفِتْنَتِهِ وَغُرْبَتِهِ» خداوندا! من به تو پناه می‌برم از عذاب و فتنه قبر و تنهایی و وحشت و ظلمت و ضیق و ضنک. اللَّهُمَّ اِظْلِنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ وَتَرَس و تاریکی و تنگی و فشار آن، خداوندا! مرا در سایه عرش قرار ده روزی که ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۶۶ یَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا لِلَّهِ. سایه‌ای جز سایه لطف تو نیست.» سپس می‌گویی: «يَا رَبَّ الْعَفْوِ، يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ، يَا مَنْ هُوَ أَوْلَى بِالْعَفْوِ، يَا مَنْ» ای پروردگار بخشنده، ای آنکه دستور بخشش دادی، ای آنکه سزواترین فرد به عفو و بخششی، ای آنکه یثیب علی العفو، العفو العفو، یا جواد یا کریم یا قریب، بر بخشیدن پاداش می‌دهی، بخشش، بخشش، بخشش، ای بخشنده ای کریم، ای نزدیک (به ما) یا بعید، اَرْدُدْ عَلَيَّ نِعْمَتِكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ». نعمت‌های از دست رفته را به من بازگردان، و در جهت اطاعت و خوشنودیت به کارم گیر.» و مستحب است پیاده سعی نماید، و از صفا تا مناره میانه، راه رود، واز آنجا تا جایی که محل بازار عطاران بوده است (این فاصله با چراغ سبز مشخص شده)، (هزوله کند)، و اگر سوار باشد این فاصله را کمی تند نماید، و از برای زنها هزوله نیست، و مستحب است در هنگامی که به این محل می‌رسد، بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، «بنام خدا و با استعانت از او، خداوند بزرگ است، درود بر محمد و ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۶۷ اللَّهُمَّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ، إِنَّكَ أَنْتَ الْمَاعِزُ خاندان او، خداوندا! بیامرز و رحم فرما و از آنچه می‌دانی در گذر که تو بسیار عزیز الأکرّم، وَاهْدِنِي لِلَّتِي هِيَ أَحَقُّومُ. اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ وَجَلِيلٌ وَكَرِيمٌ مِثْلِي، وَتَقَبَّلْ مِنِّي. اللَّهُمَّ لَكَ سَعْيِي، وَبِكَ حَوْلِي تُو مَضَاعَفَشِ گردان و از من بپذیر، خداوندا! سعی من برای تو است، و توان و قوتی، تَقَبَّلْ عَمَلِي، يَا مَنْ يَقْبَلُ عَمَلَ الْمُتَّقِينَ». و نیروم از تو می‌باشد، عملم را قبول فرما، ای آنکه عمل پرهیزکاران را می‌پذیری.» و چون از این قسمت گذشتی بگو: «يَا ذَا الْمَنِّ وَالْفَضْلِ وَالْكَرَمِ وَالنِّعْمَاءِ وَالْجُودِ، اغْفِرْ لِي» ای صاحب نعمت و فضل و کرم و جود، بیامرز ذنوبی، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ». گناهانم را که کسی جز تو گناهان را نمی‌آمرزد.» و هنگامی که به مروه رسید بالای آن برود، و بجا آورد آنچه را که در صفا بجا آورد، و بخواند دعاها را به ترتیبی که ذکر شد. و پس از آن بگوید: ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۶۸ «يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ، يَا مَنْ يُعِيبُ الْعَفْوِ، يَا مَنْ يُعْطِي عَلَيَّ» خداوندا! ای آنکه به بخشش دستور داده‌ای، ای آنکه بخشش را دوست داری، ای آنکه بر بخشش العفو، یا مَنْ يَعْفُو عَلَيَّ الْعَفْوِ، يَا رَبَّ الْعَفْوِ، الْعَفْوِ الْعَفْوِ». پاداش می‌دهی، ای آنکه هر کس را که عفو کند، او راعفومی کنی، ای پروردگار بخشنده، الْعَفْوِ، الْعَفْوِ، الْعَفْوِ». و مستحب است در گریه کردن بکوشد و خود را به گریه وا دارد، و در حال سعی دعا بسیار کند، و بخواند این دعا را: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ عَلَيَّ كُلِّ حَالٍ، وَصِدْقَ» خداوندا! از تو می‌خواهم که در هر حال مرا نسبت به خود حسن ظن عنایت کنی، و نیت النیة فی التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ». صادق در توکل بر تو را خواستارم.»

آداب تقصیر عمره:

واجب است پس از اتمام دور سعی بین صفا و مروه، قسمتی از مو یا ناخن خود را به نیت تقصیر کوتاه کند، و بهتر آن است که اکتفا به گرفتن ناخن نکند بلکه از موی خود هم قدری کوتاه کند، که موافق احتیاط است، و تراشیدن سر در تقصیر عمره تمتع کفایت نمی‌کند، بلکه حرام می‌باشد. و هنگام تقصیر مناسب است این دعا را بخواند: ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۶۹ «اللَّهُمَّ أَعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ». «خداوندا! به هر مویی، نوری در قیامت به من عطا فرما!»

اقسام حج:

حجّ بر سه قسم است: ۱. «حجّ تمتّع» و آن وظیفه کسانی است که ۴۸ میل (یعنی شانزده فرسخ) از مکه دور باشند، و حجّ تمتع همراه عمره تمتع است. ۲. «حجّ افراد» که عین حجّ تمتع است با این فرق که در حجّ تمتّع قربانی واجب است و در حجّ افراد واجب نیست. ۳. «حجّ قرآن» مانند حجّ افراد است با این تفاوت که در حجّ قرآن، همراه آوردن قربانی لازم است. تفصیل مسائل اقسام حجّ را در مناسک مطالعه کنید.

واجبات حجّ تمتع:

واجبات حجّ تمتّع ۱۳ عمل است: ۱. احرام بستن در مکه. ۲. وقوف در عرفات. ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۳۷۰. وقوف در مشعرالحرام. ۴. زدن سنگ بر جمره عقبه در روز عید. ۵. قربانی در منا. ۶. تراشیدن سر یا تقصیر کردن در منا. ۷. طواف زیارت در مکه. ۸. دو رکعت نماز طواف. ۹. سعی بین صفا و مروه. ۱۰. طواف نساء. ۱۱. دو رکعت نماز طواف نساء. ۱۲. ماندن در منا شب یازدهم و دوازدهم (و در بعضی موارد شب سیزدهم). ۱۳. رمی جمرات در روز یازدهم و دوازدهم. و دعاهای وارده ضمن این اعمال از قرار زیر می باشد:

مستحبات احرام حجّ تا وقوف به عرفات:

اموری که در احرام عمره مستحب بود در احرام حجّ نیز مستحب است، و پس از این که شخص احرام بست و از مکه بیرون آمد، همین که بر «أَبْطَح» مشرف شد، به آواز بلند تلبیه ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۷۱ گوید، و چون متوجه منا شود بگوید: «اللَّهُمَّ إِيَّاكَ أَرْجُو وَإِيَّاكَ أَدْعُو، فَبَلِّغْنِي أَمَلِي، وَأَصْلِحْ لِي «خداوندا! تنها بتو امیدوارم و فقط ترا می‌خوانم پس مرا به آرزویم برسان و عملم را عملی». اصلاح فرما.» و با وقار و دل آرام، و در حال گفتن سبحان الله و ذکر حق تعالی حرکت کند، و چون به منا رسید بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَقْدَمَنِيهَا صَالِحاً فِي عَافِيَةٍ وَبَلَّغَنِي هَذَا «حمد مخصوص خدایی است که مرا به شایستگی و تندرستی به منا رساند و به این مکان المکان». وارد ساخت.» پس بگوید: «اللَّهُمَّ هَذِهِ مِنِّي وَهِيَ مِمَّا مَنَنْتَ بِهِ مِنَ الْمَنَاسِكِ، «خداوندا! اینک منا است که بر ما نسبت به توفیق انجام مناسک منت نهادی فَاسْأَلُكَ أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ فِيهَا بِمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ أَوْلِيَائِكَ، فَإِنَّمَا أَنَا بِسِوَاكَ مِنْ خَلْقِكَ» آنچه که به پیامبرانت داده‌ای بر من نیز منت نهی که من بنده تو و عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ». در اختیار تو می‌باشم.» ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۷۲ و مستحب است شب عرفه را در منا بوده، و به اطاعت الهی مشغول باشد، و بهتر آن است که عبادات و خصوصاً نمازها را در مسجد حَيْفُ بجا آورد، و چون نماز صبح را خواند تا طلوع آفتاب تعقیب نماز بخواند، پس به سوی عرفات روانه شود، و اگر خواسته باشد بعد از طلوع صبح برود مانعی ندارد، ولی سنت آن است که تا آفتاب طلوع نکرده از وادی مُحَسَّر رد نشود، و روانه شدن پیش از صبح مکروه است، و چون به عرفات متوجه شود، این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ إِيَّاكَ صَيَّمْتُ، وَإِيَّاكَ اعْتَمَدْتُ، وَوَجَّهْتُكَ أَرَدْتُ، «خداوندا! آهنگ ترا کرده‌ام و به تو اعتماد نموده‌ام، و تقرّب به ترا خواسته‌ام، أَسْأَلُكَ أَنْ تُبَارِكَ لِي فِي رِحْلَتِي، وَأَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي، وَأَنْ وَرَأَى مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنِّي». و مرا قرار دهی از جمله بهترین کسانی که به وجودشان مباحث می‌کنی.» ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۷۳

مستحبات و اعمال شب عرفه:

شب نهم ذی حجه که شب عرفه است در فضیلت و احیا و دعا و عبادت مانند روز عرفه است، و مستحب است که در آن شب این دعاها خوانده شود.

دعای شب عرفه:

«اللَّهُمَّ يَا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوَى وَمَوْضِعَ كُلِّ شَكْوَى وَعَالَمَ كُلِّ خَدَايَايَ آغَاةِ هَر رَاذِ وَ مَرَجِ هَر شَكَايَةِ وَ دَانَايَ هَر حَافِيَةِ، وَ مُنْتَهَى كُلِّ حَاجِيَةِ، يَا مُبْتَدِئًا بِالنَّعْمِ عَلَى الْعِبَادِ، يَا كَرِيمَ پَنَهَانِ وَ مَنْتَهَايَ هَر حَاجَتِ اَيِ آغَازِنْدَه نَعْمَتِهَا بِر بِنْدِگَانِ اَيِ بَزَرْگِ گِذِشْتِ الْعَفْوِ، يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ، يَا جَوَادُ، يَا مَنْ لَا يُوَارِي مِنْهُ لَيْلٌ دَاجِ، اَيِ نِيكُو دَر گِذَرِ اَيِ بَخِشِنْدَه اَيِ كِه نَه شَبِ تَار چِيزِي رَا اَز تُو پَنَهَانِ كِنْدِ وَلَا بَحْرُ عَجَاجِ، وَلَا سِمَاءُ ذَاتِ اَبْرَاجِ، وَلَا ظُلَمٌ ذَاتِ اِرْتِجَاجِ، يَا وَ نَه دَرِيَايِ مَوَاجِ وَ نَه آسْمَانِ پَر سَتَارَه وَ نَه تَارِيكِيهَائِي پِيچِيده دَر هَمِ اَيِ مَنْ الظُّلْمَةُ عِنْدَهُ ضِيَاءٌ، أَسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، الَّذِي كَسَى كِه تَارِيكِي دَر پِيشِ اَو رُوشَنِ اسْتِ اَز تُو خَوَاهِمِ بَه حَقِ نُورِ ذَاتِ بَزَرْگَوَارْتِ كِه اَدْعِيَه وَ آدَابِ مَكّه مَكْرَمَه، ص: ۷۴ تَجَلَّيْتَ بِه لِلْجَبَلِ، فَجَعَلْتَهُ ذِكَاً وَخَرَّ مُوسَى صَيِّعًا، وَبَاسِمِكَ بَدَانَ وَسِيلَه بِر كُوهِ تَجَلَّى فَرمودِي وَ اَنْرَا مِتْلَاشِي كَرْدِي وَ مَوسِي مَدَهوشِ بِر زَمِينِ اِفْتَادِ وَ بَه هَمَانِ نَامْتِ الَّذِي رَفَعْتَ بِه السَّمَاوَاتِ بِلَا عَمَدٍ، وَسَطَّحْتَ بِه الْبَارِضَ عَلَى كِه آسْمَانِهَا رَا بَدُونَ سَتُونِ بَر اَفْرَاشْتِي وَ زَمِينِ رَا بِر رُويِ آبِي وَجِهِ مَاءِ جَمِيدٍ، وَبَاسِمِكَ الْمَحْزُونِ الْمَكْتُوبِ الطَّاهِرِ مَنْجَمِدِ شَدَه پَهِنِ كَرْدِي وَ بَدَانَ نَامِ مَكْتُوبِ وَ مَحْفُوظِ وَ پَاكْتِ كِه الَّذِي إِذَا دُعِيَتْ بِه اِحْبَتٌ، وَإِذَا سُئِلَتْ بِه اَعْطِيَتْ، وَبَاسِمِكَ هَر گَاهِ بَدَانَ تَرَا بِخَوَانَدَتِ اِحْبَاتِ كِنِي وَ هَر گَاهِ بَدَانَ اَز تُو خَوَاهِنْدِ عَطَا فَرْمَائِي وَ بَه حَقِ نَامِ السُّبُوحِ الْقُدُّوسِ الْبُرْهَانِ الَّذِي هُوَ نُورٌ عَلَى كُلِّ نُورٍ، وَ نُورٌ مِنْ مَنزَه وَ مَقْدَسِ وَ رُوشَنْتِ كِه اَن نُورِ اسْتِ بَر هَر نُورِي وَ نُورِ اسْتِ نُورٍ، يُضِيءُ مِنْهُ كُلُّ نُورٍ، إِذَا بَلَغَ الْأَرْضَ انشَقَّتْ، وَإِذَا بَلَغَ اَز نُورِي كِه رُوشَنِي گِيَرِدِ اَز اَن هَر نُورِ چُونِ بَه زَمِينِ رَسَدِ شَكَا فَنَه شُودِ وَ چُونِ بَه السَّمَاوَاتِ فُتِحَتْ، وَإِذَا بَلَغَ الْعَرْشَ اهْتَزَّتْ، وَبَاسِمِكَ الَّذِي تَرْتَعَدُ آسْمَانِهَا رَسَدِ گِشُودَه شُودِ وَ چُونِ بَه عَرِشِ رَسَدِ بَلَرَزْدِ وَ بَه حَقِ اَن نَامْتِ كِه بَلَرَزْدِ مِنْهُ فَرَايِصُ مَلَائِكَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ جَبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ اَز اَن اِنْدَامِ فَرِشْتِگَانَتِ وَ اَز تُو خَوَاهِمِ بَه حَقِّ جَبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ اِسْرَافِيلَ، وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى وَ اِسْرَافِيلَ وَ بَه حَقِّ مُحَمَّدِ مُصْطَفَى كِه دَرُودِ خُدَا بِر اَوِ وَ اَلشِّ وَ بِر اَدْعِيَه وَ آدَابِ مَكّه مَكْرَمَه، ص: ۷۵ جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ جَمِيعِ الْمَلَائِكَةِ، وَبِالِاسْمِ الَّذِي مَشَى بِه الْخَضِرُ جَمِيعِ پِيْمَبْرَانِ وَ هَمِه فَرِشْتِگَانِ وَ بَه حَقِ اَن نَامِي كِه حَضْرَتِ خَضِرِ بُو سِيلَه اَن عَلَى طَلَلِ الْمَاءِ كَمَا مَشَى بِه عَلَى خَيْدِ الْأَرْضِ، وَبَاسِمِكَ بِر رُويِ اَمَواجِ آبِ دَرِيَا رَاهِ مِي رَفْتِ چَنَانِچَه بِر رُويِ زَمِينِ هَمَوارِ رَاهِ مِي رَفْتِ وَ بَه حَقِ اَن نَامْتِ الَّذِي فَلَقْتَ بِه الْبَحْرَ لِمُوسَى وَ اَعْرَفْتَ فِرْعَوْنَ وَ قَوْمَهُ، كِه شَكَا فَنِي بَدَانَ دَرِيَا رَا بِرَايِ مَوسِي وَ غَرَقِ كَرْدِي فَرْعَوْنَ وَ قَوْمِ اَوِ رَا وَ اَنْجَيْتْ بِه مُوسَى بِنِ عِمْرَانَ مِنْ وَ نَجَاتِ دَادِي بَدَانَ مَوسِي بِنِ عِمْرَانَ وَ هَمْرَاهَانِشِ رَا وَ بَه حَقِ اَن نَامْتِ كِه جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَ اَلْقَيْتَ مُوسَى بِنِ عِمْرَانَ بُو سِيلَه اَن تُو رَا خَوَانَدِ اَز جَانِبِ رَاسْتِ كُوهِ طُورِ وَ اِحْبَاتِشِ كَرْدِي عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ، وَبَاسِمِكَ الَّذِي بِه أَحْيَا عِيسَى بِنِ مَرْيَمَ وَ مَحَبَّتِ خُودِ رَا بِر دَلِشِ اِنْدَاخْتِي وَ بَه حَقِ اَن نَامْتِ كِه عِيسَى بِنِ الْمَوْتِي وَ تَكَلَّمَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا، وَأَبْرَأَ الْبُكْمَةَ وَالْبُؤْرَصَ مَرِيْمَ بُو سِيلَه اَشِ مَرْدِگَانِ رَا زِنْدَه كَرْدِ وَ دَر گَهوَارَه دَر زَمَانِ كُودَكِي سَخَنِ گَفْتِ وَ كُورِ مَادِرَزَادِ وَ مِبْتَلَايِ بَه مَرَضِ بَرَصِ رَا يَازِدْتِكَ، وَبَاسِمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِه حَمَلَمَةُ عَوْشِكَ وَ جَبْرَائِيلُ بِه اِذْنَ تُو شَفَا دَادِ وَ بَدَانَ نَامْتِ كِه خَوَانَدِ بُو سِيلَه اَن تُو رَا حَامِلِيْنَ عَرِشْتِ وَ جَبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ اِسْرَافِيلَ، وَ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ مِيكَائِيلَ وَ اِسْرَافِيلَ وَ حَبِيبْتِ مُحَمَّدِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ اَنْبِيَاؤُكَ الْمُرْسَلُونَ، وَ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ وَ فَرِشْتِگَانِ مَقْرَبِ وَ پِيْمَبْرَانِ مَرَسَلْتِ وَ بِنْدِگَانِ شَايِسْتَهَاتِ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، وَبَاسِمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِه اَز اَهْلِ آسْمَانِهَا وَ زَمِينِهَا وَ بَدَانَ نَامْتِ كِه يُونَسَ تُو رَا بَدَانَ نَامِ خَوَانَدِ ذُو النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي دَرِ اَن هَنگَامِ كِه خَشْمَنَاكِ بَرَفْتِ وَ گَمَانِ دَاشْتِ كِه بِر اَوِ سَخْتِ نَگِيْرِي پَسِ نَدَا كَرْدِ دَر الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، مِيانِ تَارِيكِيهَائِي كِه مَعْبُودِي جَزِ تُو نِيَسْتِ مَنزَهِي تُو وَ بَرَاَسْتِي مِنْ اَز سَتَمَكَارَانِ هَسْتَمِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَ نَجَّيْتَهُ مِنَ الْعَمِّ، وَكَذَلِكَ تُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ، پَسِ تُو اِحْبَاتِشِ كَرْدِي وَ اَز اِنْدُودِ نَجَاتِشِ دَادِي وَ اَيْنِ چَنِينِ نَجَاتِ دَهِي مُؤْمِنَانَ رَا وَبَاسِمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي دَعَاكَ بِه دَاوُدُ وَخَرَّ لَكَ سَاجِدًا، فَغَفَرْتَ وَ بَدَانَ نَامِ عَظِيْمْتِ كِه دَاوُدِ بَدَانَ نَامِ تُو رَا خَوَانَدِ وَ بَرَايْتِ بَه سَجْدَه اِفْتَادِ پَسِ گَنَاهِشِ لَهُ ذَنْبَهُ، وَبَاسِمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِه آسِيَّةُ امْرَأَةِ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ اَمْرِي زَيْدِي وَ بَدَانَ نَامْتِ كِه آسِيَه هَمَسَرِ فَرْعَوْنَ بَدَانَ نَامِ تُو رَا خَوَانَدِ وَ گَفْتِ:

پروردگارا اِنِّ لِي عِنْدَكَ يَتِّأ فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي بِرَأْسِي خَانَهُ بِنَا كُنْ وَنَجِّتَهُمْ مِنْ فِرْعَوْنَ وَكَرْدَارِشَ وَنَجِّتَهُمْ مِنْ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ، فَاشْتَجَبَتْ لَهَا دُعَاءَهَا، وَبِاسْمِكَ الَّذِي از دست مردم ستمکار پس دعایش را اجابت کردی و بدان نامت که ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۷۷ دَعَاكَ بِهٖ اَيُّوبُ إِذْ خَلَّ بِهٖ الْبَلَاءُ، فَعَايَنَتْهُ وَآتَيْتَهُ أَهْلَهُ وَمَثَلَهُمْ اَيُّوبُ تُو رَا بَدَانَ خَوَانِدُ دَرِ اَنِّ هِنْكَامُ كِهٖ بَلَا بُرَاو نَا زَلُ شُدُ پَسِ اُو رَا تَنَدَرَسْتُ كَرْدِهٖ وَ كَسَانَشُ رَا بِهٖ اُو دَادِي وَ نَظَائِرُ شَانُ رَا مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِكَ وَ ذِكْرِي لِلْعَابِدِينَ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ نِيْزُ اَز رَحْمَتِ خَوِيْشِ وَ پَنْدِي بَرَايِ پَرَسْتَشُ كَنَنْدِ كَانُ وَ بَدَانَ نَامْتِ كِهٖ يَعْقُوبُ بِهٖ يَعْقُوبُ، فَزَدَدَتْ عَلَيْهِ بَصِيرَةٌ وَقُوَّةٌ عِنْدَهُ يُوْسُفَ، وَجَمَعِيَتْ تُو رَا بَدَانَ نَامُ خَوَانِدُ پَسِ بِيْنَائِيْشِ رَا وَ نُوْرُ دِيْدِهٖ اَشُ يُوْسُفَ رَا بِهٖ اُو بَا ز كَرْدَانْدِي وَ پَرِيْشَانِيْشِ رَا شَمْلَهُ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهٖ سَلِيْمَانُ، فَوَهَّبَتْ لَهٗ مُلْكًا لَا بُرْطَرَفُ كَرْدِي وَ بَدَانَ نَامْتِ كِهٖ سَلِيْمَانُ بَدَانَ تُو رَا خَوَانِدُ پَسِ بَدُو سُلْطَنْتِي دَادِي كِهٖ يَتَّبِعِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي شَايِسْتَهٗ نَبُوْدُ بَرَايِ هِيْچَكَسِ پَسِ اَز اُو وَ بَرَاَسْتِي تُو پَرِبَخْشَشِي وَ بَدَانَ نَامْتِ كِهٖ سَيِّخَرْتُ بِهٖ الْبَرَاقَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، إِذْ قَالَ بَرَاقُ رَا بَرَايِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَسْخَرُ كَرْدِي اَنِّجَا كِهٖ فَرْمُوْدِي: تَعَالَى سُبْحَانَ الَّذِي اَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ «منزه است خدائی که راه برد بنده‌اش را شبانه از مسجد الحرام اِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى وَقَوْلُهُ: سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرْنَا هَذَا تَا مَسْجِدِ اَقْصَى» وَ كَفْتَارُ دِيْكَرْتِ: «منزه است خدائی که مسخر كَرْدُ بَرَايِ مَا اَيْنِ رَا وَمَا كُنَّا لَهٗ مُقْرِنِينَ وَ اَنَا اِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي وَ كَرْنَهٗ مَا نِيْرُوِي تَسْخِيْرُشُ رَا نَدَاشْتِيْمُ وَ مَا بَسُوِي پَرُوْرْدِ كَارْمَانُ بَا ز مِيْ كَرْدِيْمُ» وَ بَدَانَ نَامْتِ كِهٖ اَدْعِيَهٗ وَ اَدْبَابُ مَكّهٗ مَكْرَمَهٗ، ص: ۷۸ تَنْزَلُ بِهٖ جَبْرِيْلُ عَلٰى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي نَا زَلُ مِيْ شُدُ بُو سِيْلَهٗ اَنِّ جَبْرِيْلُ بَرِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ بَدَانَ نَامْتِ كِهٖ دَعَاكَ بِهٖ اَدَمُّ، فَغَفَرْتَ لَهٗ ذَنْبَهُ وَ اَسْكَنْتَهُ جَنَّتِكَ، وَ اَسْأَلُكَ بِحَقِّ خَوَانِدِ بَدَانَ نَامُ تُو رَا اَدَمُ پَسِ كَنَا هَشُ اَمْرَزِيْدِي وَ دَرِ بَهْشْتِ جَايِشِ دَادِي وَ اَز تُو خَوَاهُمُ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَبِحَقِّ اِبْرَاهِيمَ بِهٖ حَقِّ قُرْآنِ عَظِيْمٍ وَ بِهٖ حَقِّ مُحَمَّدِ خَاتَمِ پِيْمْبِرَانِ وَ بِهٖ حَقِّ اِبْرَاهِيْمِ وَبِحَقِّ فَضِيْلِكَ يَوْمَ الْقَضَاءِ، وَبِحَقِّ الْمَوَازِيْنِ إِذَا نَصَبَتْ، وَ بِهٖ حَقِّ جَدَا كَرْدَنْتِ حَقِّ وَ بَاطِلُ رَا دَرِ رُوْزِ دَاوَرِي وَ بِهٖ حَقِّ مِيْزَانِهَا هِنْكَامِي كِهٖ نَصَبُ كَرْدَدِ الصُّحُفِ إِذَا نُشِرَتْ، وَبِحَقِّ الْقَلَمِ وَمَا جَرَى وَاللُّوحِ وَمَا اَنَّا كِهٖ كَشُوْدَهٗ شُوْدُ وَ بِهٖ حَقِّ قَلَمِ وَ اَنِّجَهٗ بَنُوِيْسُدُ وَ لُوْحِ وَ اَنِّجَهٗ اَخْصِي وَبِحَقِّ اَلِاسْمِ الَّذِي كَتَبْتَهُ عَلٰى سُرَادِقِ الْعَرْشِ قَبْلَ بِشْمَارِدِ وَ بِهٖ حَقِّ اَنِّ نَامْتِ كِهٖ نُوْشْتِي اَنِّ رَا بَرِ سَرَا پَرْدِهٖ هَايِ عَرِشِ پِيْشِ خَلْقِكَ الْخَلْقِ وَالْدُّنْيَا وَالشَّمْسِ وَالْقَمَرِ بِالْفَلْقِ عَامٍ، وَأَشْهَدُ اَنْ لَا اَز اَنِّ كِهٖ خَلْقِ رَا بِيْا فِرِيْنِي وَ دُنْيَا وَ خُوْرُشِيْدِ وَ مَاهُ رَا خَلْقِ فَرْمَائِي بِهٖ دُو هَزَارِ سَالِ وَ كُوَاهِي دَهْمُ كِهٖ مَعْبُوْدِي اِلَهٗ اِلَّا اللهُ وَ خِيْدَهٗ لَا شَرِيْكَ لَهٗ، وَ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهٗ جَزُ خَدَايِ يِيْكَانَهٗ نِيْسْتِ كِهٖ شَرِيْكَي نَدَارْدُ وَ اِيْنِكِهٖ مُحَمَّدُ بِنْدَهٗ وَرَسُوْلُهٗ، وَ اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَحْزُونِ فِي خَزَائِنِكَ الَّذِي وَ رَسُوْلُ اُو اَسْتُ وَ اَز تُو خَوَاهُمُ بَدَانَ نَامُ مَحْفُوْظُ دَرِ خَزِيْنَهٖ هَايْتِ اَدْعِيَهٗ وَ اَدْبَابُ مَكّهٗ مَكْرَمَهٗ، ص: ۷۹ اَسْتَأْثَرْتُ بِهٖ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ، لَمْ يَظْهَرْ عَلَيْهِ أَحَدٌ مِنْ كِهٖ مَخْصُوْصُ خُوْدِ سَاخْتِي اَنِّ رَا دَرِ عِلْمِ غَيْبِ دَرِ نَزْدِ خُوِيْشْتَنُ وَ اَكَا هٗ نَشُدُ بَرِ اَنِّ هِيْچَكَسِ اَز خَلْقِكَ، لَا مَلَكٌ مُّقْرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُّرْسَلٌ وَلَا عَبْدٌ مُّصِطَفَى، خَلْقُ تُو نَهٗ فَرِشْتَهٗ مَقْرَبِي وَ نَهٗ پِيَامْبِرُ مَرْسَلِي وَ نَهٗ بِنْدَهٗ بَر كَرِيْدِهٖ اُو اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي شَقَقْتَ بِهٖ الْبَحَارَ، وَقَامَتْ بِهٖ الْجِبَالُ، وَ اَز تُو خَوَاهُمُ بَدَانَ نَامْتِ كِهٖ شَكَا فْتِي بَدَانَ دَرِيَا هَا رَا وَ بَرِيَا شُدُ بَدَانَ كُوَهَا وَ اَخْتَلَفَ بِهٖ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، وَبِحَقِّ السَّبْعِ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، وَ دَرِ رَفْتِ وَ اَمْدُ شُدُ بَدَانَ شَبِّ وَ رُوْزِ وَ بِهٖ حَقِّ سُوْرَهٗ مَبَارَكِهٖ حَمْدِ وَ قُرْآنِ وَبِحَقِّ الْكِرَامِ الْكَاتِبِيْنَ، وَبِحَقِّ «طَاهَا» وَ «يَا سِيْنِ» وَ «كَافِ هَا يَا عَظِيْمِ» وَ بِهٖ حَقِّ نُوِيْسَنْدِ كَانُ اَر جَمَنْدَتِ وَ بِهٖ حَقِّ طهٗ وَ يسٗ وَ كِهٖيْعَصُ عِيْنِ صَادٍ وَ «حَا مِيْمِ عِيْنِ سِيْنِ قَافٍ»، وَبِحَقِّ تُوْرَاهُ مُوسَى وَ اِنِّجِيْلِ وَ حَمْعَسُقِ وَ بِهٖ حَقِّ تُوْرَاتِ مُوسَى وَ اِنِّجِيْلِ عِيْسَى وَ زَبُوْرِ دَاوُدَ، وَفُرْقَانَ مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ عَلِيٍّ وَ قُرْآنِ مُحَمَّدِ كِهٖ دَرُوْدُ تُو بَرَاوِ وَ اَلْشِ وَ بَرِ جَمِيْعِ رَسُوْلَانِ بَادِ وَ بِهٖ حَقِّ بَاهِي جَمِيْعِ الرُّسُلِ وَ بَاهِيًّا وَ شَرَاهِيًّا. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ بِحَقِّ تَلْكَ الْمُنَاجَاةِ وَ شَرَاهِي (كِهٖ دُو نَامُ اعْظَمُ يَا نَامُ دُو تَنُ اَز بَزُرْ كَانُ دِيْنِ اَسْتُ) خَدَايَا اَز تُو خَوَاهُمُ بِهٖ حَقِّ اَنِّ مَنَاجَاتِي كِهٖ مِيَا نُ تُو اَلَّتِي كَانَتْ يِيْنِكَ وَبَيْنَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ فَوْقَ جَبَلِ طُوْرِ سَيْنَاءَ، وَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ دَرِ بَالَايِ كُوَهِ طُوْرِ سَيْنَاءَ كَشُدْتُ وَ اَز تُو خَوَاهُمُ بِهٖ اَنِّ نَامْتِ اَدْعِيَهٗ وَ اَدْبَابُ مَكّهٗ مَكْرَمَهٗ، ص: ۸۰ وَ اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي عَلَّمْتَهُ مَلَكُ الْمَوْتِ لِقَبْضِ الْأَرْوَاحِ، وَ اَسْأَلُكَ كِهٖ اَنِّ رَا بَرَايِ كَرْفْتَنُ جَانِهَا بِهٖ مَلَكُ الْمَوْتِ يَادُ دَادِي

و از تو خواهم بدان نامت که بِاسْمِكَ الَّذِي كُتِبَ عَلَي رِزْقِ الزُّبُونِ، فَخَصَّ مَتَّ النَّبْرَانُ لِنَلِّكَ نُوشْتَه شَد بَه بِرَكِّ زَيْتُونِ وَ آتَشْهَآ دَرِ مَقَابِلِ آن نام فروتن گشت الْوَرَقَةَ، فَقُلْتُ: يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ وَ فرمودی «ای آتش سرد و سلامت باش» و از تو خواهم بدان نامت که نوشتی أَنَا الَّذِي كَتَبْتُهُ عَلَي سُرَادِقِ الْمَجْدِ وَالْكَرَامَةِ، يَأْمَنُ لَا يَحْفِيهِ سَائِلٌ وَلَا بِرِ سِرَاطِهَا هَآئِلٌ وَ كَرَامَتِ اِي كَه دَرْمَانْدَه‌آش نَكْنَد سَائِلِي يَنْقُضُهُ نَائِلٌ، يَا مَنْ بِهِ يُشْبِغُ الْغَائِلُ وَالْيَهُ يَلْجَأُ، أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ وَ نَكَاهْدَش دَادَن جَائِزَه‌آي، اِي كَه بَه اُو اسْتِغَاثَه شُود وَ بَه اُو پِنَاه بَرْنَد اَز تُو خَوَاهَم بَه حَقِ آنْجَه مَوْجِبِ عِزْتِ مِنْ عَرِشَتِكَ، وَ مُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ، وَ بِاسْمِكَ الْبَاعِظِمْ، عَرِشْتِ گِشْتَه وَ بَه آخِرِينَ حُدُودِ نَهَائِي رَحْمَتِ اَز كِتَابِ تُو وَ بَه اسْمِ اعْظَمْتِ وَ جَدَّكَ الْاَعْلَى وَ كَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ الْعُلَى اللَّهُمَّ رَبَّ الرِّيَّاحِ وَ مَقَامِ الْاِتْرَتِ وَ كَلِمَاتِ كَامَلَه وَ الْاِيْتِ خُدَايَا اِي پَرُورْدْگَارِ بَادَهَا وَ مَا ذَرْتِ، وَالسَّمَاءِ وَ مَا أَظَلَّتْ، وَالْأَرْضِ وَ مَا أَقَلَّتْ، وَ آنْجَه پَرَاكْنَدَه كَنْنَد وَ پَرُورْدْگَارِ آسْمَانِ وَ آنْجَه رَا سَايَه كَنْنَد وَ پَرُورْدْگَارِ زَمِينِ وَ آنْجَه بِرِ خُودِ دَارْدِ وَ پَرُورْدْگَارِ شَيْطَانِ وَالشَّيَاطِينِ وَ مَا أَضَلَّتْ، وَالْبِحَارِ وَ مَا جَرَّتْ، وَ بِحَقِّ كُلِّ حَقِّ هُوَ وَ آنْجَه رَا كَمْرَاه كَنْنَد وَ دَرِيَاها وَ آنْجَه رَا هَمْرَاه بَرْنَد وَ بَه حَقِّ هَرِ حَقِّي كَه بِرِ تُو اسْتِ ادْعِيَه وَ آدَابِ مَكَه مَكْرَمَه، ص: ۸۱ عَلَيكَ حَقُّ، وَ بِحَقِّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالرُّوحَانِيِّينَ وَالْكَرُوبِيِّينَ وَ بَه حَقِّ فَرِشْتِگَانِ مَقْرَبْتِ وَ رُوحَانِيَانِ وَ كَرُوبِيَانِ وَ آنَاكَه تَسْبِيحْتِ كَنْنَدِ وَالْمَسْبُوحِينَ لَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَا يَفْتُرُونَ، وَ بِحَقِّ اِبْرَاهِيمَ بَه شَبِّ وَ رُوزِ بِيِ آنَكَه سَسْتِي كَنْنَدِ وَ بَه حَقِّ اِبْرَاهِيمِ خَلِيلِ تُو وَ بَه حَقِّ هَرِ خَلِيلِكَ، وَ بِحَقِّ كُلِّ وَلِيٍّ يُنَادِيكَ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ، وَ لِيِ وَ دُوسْتِي كَه تُو رَا دَرِ مِيَانِ صَفَا وَ مَرْوَه صَدَا زَنْدِ وَ دَعَايِشِ رَا بَه اِجَابَتِ رَسَانِي اِي وَ تَسْبِيحِ لَه دَعَاءُهُ يَا مُجِيبُ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ اِجَابَتِ كَنْنَدَه اَز تُو خَوَاهَم بَه حَقِّ اَيْنِ نَامْهَآ وَ بَه اَيْنِ دَعَاها كَه بِيَاْمَرْزِيِ آنْجَه اَز گَنَاهَانِ كَه وَبِهَذِهِ الدَّعَوَاتِ أَنْ تَغْفِرَ لَنَا مَا قَدَّمْنَا وَمَا أَخَّرْنَا وَمَا أَسْرَرْنَا وَمَا أَزْهَرْنَا وَ مَا اِزْهَرْتَهُ وَ اَز اَيْنِ پَسِ دَارِيمِ وَ آنْجَه پَنَهَانِ كَرْدَه وَ آنْجَه رَا آشْكَارِ كَرْدِيمِ وَ آنْجَه رَا ظَاھَرِ كَرْدَه وَ آنْجَه رَا مَخْفِيِ كَرْدِيمِ اَعْلَنَّا وَ مَا اَبْدَيْنَا وَ مَا اَخْفَيْنَا وَ مَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنَّا، إِنَّكَ عَلَي كُلِّ وَ آنْجَه رَا تُو بَدَانِ آگَاھْتَرِيِ اَز مَا كَه بِرَاسْتِيِ تُو بِرِ هَرِ چِيْزِ تُو اِنَائِيِ بَه رَحْمَتِ اِي شَيْءٍ قَدِيرٍ، بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا حَافِظَ كُلِّ غَرِيبٍ، مَهْرَبَاتَرِينَ مَهْرَبَانَانِ اِي نَكْهَدَارِ هَرِ غَرِيبِ اِي هَمْدَمِ هَرِ تَنَهَا اِي يَا مُؤْنِسَ كُلِّ وَجِيدٍ، يَا قُوَّةَ كُلِّ ضَعِيفٍ، يَا نَاصِرَ كُلِّ مَظْلُومٍ، يَا نِيْرُويِ هَرِ نَاتُوَانِ اِي يَاوَرِ هَرِ سَتْمَدِيدَه اِي رُوزِيِ دَه هَرِ مَحْرُومِ اِي رَا زِقَ كُلِّ مَحْرُومٍ، يَا مُؤْنِسَ كُلِّ مُسْتَوْحِشٍ، يَا صَاحِبَ كُلِّ مُؤْنِسِ هَرِ وَحْشَتِ زَدَه اِي هَمْرَاهِ هَرِ مَسَافِرِ اِي تَكِيَه گَاھِ هَرِ ادْعِيَه وَ آدَابِ مَكَه مَكْرَمَه، ص: ۸۲ مُسَافِرٍ، يَا عِمَادَ كُلِّ حَاضِرٍ، يَا غَافِرَ كُلِّ ذَنْبٍ وَ خَطِيئَةٍ، يَا غِيَاثَ حَاضِرِ دَرِ وَطَنِ اِي اَمْرَزَنْدَه هَرِ گَنَاهِ وَ خَطَا اِي فَرِيَادَرِسِ فَرِيَادَخَوَاهَانِ الْمُسْتَعِيشِينَ، يَا صَبْرِيخَ الْمُسْتَضْعِرِّينَ، يَا كَاشِفَ كَرْبِ اِي دَادَرِسِ دَادَخَوَاهَانِ اِي بِرَطْرَفِ كَنْنَدَه مَحْنَتِ مَحْنَتِ زِدْگَانِ اِي غَمَزْدَايِ الْمَكْرُوبِينَ، يَا فَارِجَ هَمِ الْمُهْمُومِينَ، يَا يَدِيْعَ السَّمَاوَاتِ غَمَزْدْگَانِ اِي فَرِجِ بَخْشَايِنْدَه اِنْدُوھَنَاكَانِ اِي پَدِيدِ آرَنْدَه آسْمَانْهَآ وَالْأَرْضِينَ، يَا مُنْتَهَى غَايَةِ الطَّالِبِينَ، يَا مُجِيبَ دَعْوَةٍ وَ زَمِينِهَا اِي مَنْتَهَايِ مَقْصُودِ جُوِيْنْدْگَانِ اِي اِجَابَتِ كَنْنَدَه دَعَايِ الْمُضْطَرِّينَ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، يَا دِيَّانَ يَوْمِ دَرْمَانْدْگَانِ اِي مَهْرَبَاتَرِينَ مَهْرَبَانَانِ اِي پَرُورْدْگَارِ جَهَانِيَانِ اِي جَزَا دَهْنْدَه الدِّينِ، يَا اَجُودَ الْأَجُودِينَ، يَا اَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، يَا اَسْمَعَ رُوزِ جَزَا اِي بَخْشِنْدَه تَرِينِ بَخْشِنْدْگَانِ اِي بَاكْرَمْتَرِينِ كَرِيمَانِ اِي شَنْوَاتَرِينِ السَّامِعِينَ، يَا اَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، يَا اَقْدَرَ الْقَادِرِينَ، اَغْفِرْ لِيِ شَنْوَايَانِ اِي بِيْنَاتَرِينَ بِيْنَايَانِ اِي قَادَرْتَرِينَ الدُّنُوبِ الَّتِي تَغْيِرُ النَّعْمَ، وَ اَغْفِرْ لِيِ الدُّنُوبِ الَّتِي تُورِثُ النَّدَمَ، قَدْرْتَمْنَدَانِ بِيَاْمَرْزِ اَز مَنِ آنِ گَنَاهَانِيِ رَا كَه نَعْمْتَهَا رَا تَغْيِيْرِ دَهْدِ وَ بِيَاْمَرْزِ اَز مَنِ گَنَاهَانِيِ رَا وَ اَغْفِرْ لِيِ الدُّنُوبِ الَّتِي تُورِثُ السَّقَمَ، وَ اَغْفِرْ لِيِ الدُّنُوبِ الَّتِي كَه پَشِيمَانِيِ بَه بَارِ آوَرْدِ وَ بِيَاْمَرْزِ اَز مَنِ گَنَاهَانِيِ رَا كَه مَوْجِبِ بِيْمَارِيْهَآ گَرْدَدِ وَ بِيَاْمَرْزِ ادْعِيَه وَ آدَابِ مَكَه مَكْرَمَه، ص: ۸۳ تَهْتِكُ الْعِصَمِ، وَ اَغْفِرْ لِيِ الدُّنُوبِ الَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ، وَ اَغْفِرْ لِيِ اَز مَنِ گَنَاهَانِيِ رَا كَه پَرْدَه‌آ بَدَرْدِ وَ بِيَاْمَرْزِ اَز مَنِ گَنَاهَانِيِ رَا كَه دَعَا رَا بَازِ الدُّنُوبِ الَّتِي تَحْسِبُ قَطْرَ السَّمَاءِ، وَ اَغْفِرْ لِيِ الدُّنُوبِ الَّتِي گَرْدَانْدِ وَ بِيَاْمَرْزِ اَز مَنِ گَنَاهَانِيِ رَا كَه بَارَانِ رَا اَز آسْمَانِ جَلُوگِيْرِيِ كَنْدِ وَ بِيَاْمَرْزِ اَز مَنِ تُعْجَلُ الْفَنَاءِ، وَ اَغْفِرْ لِيِ الدُّنُوبِ الَّتِي تَجَلِبُ الشَّقَاءَ، وَ اَغْفِرْ لِيِ گَنَاهَانِيِ رَا كَه شَتَابِ دَرِ نَابُودِيِ كَنْدِ وَ بِيَاْمَرْزِ اَز مَنِ گَنَاهَانِيِ رَا الدُّنُوبِ الَّتِي تُظْلِمُ الْهَوَاءَ، وَ اَغْفِرْ لِيِ الدُّنُوبِ الَّتِي تَكْشِفُ كَه بَدْبَخْتِيِ آرْدِ وَ بِيَاْمَرْزِ اَز مَنِ گَنَاهَانِيِ كَه هُوَا رَا تَارِيكِ كَنْدِ وَ بِيَاْمَرْزِ اَز مَنِ گَنَاهَانِيِ رَا الْغُطَاءِ، وَ اَغْفِرْ لِيِ الدُّنُوبِ الَّتِي لَا يَغْفِرُهَا غَيْرُكَ يَا اللَّهُ، وَ اَحْمِلْ كَه پَرْدَه رَا بِالَا زَنْدِ وَ

مِنْ خَيْرٍ تَقْبِلُهُ، أَوْ ضَرَّ تَكْشِفُهُ، أَوْ سُوءٍ دَرَّ بَعْرُهُ مَنَدِي اَيْن رُوز از هر خیري که قسمت کنی یا گرفتاری که بر طرف کنی یا بدی تَصْرِيفُهُ، أَوْ بَلَاءٍ تَدْفَعُهُ، أَوْ خَيْرٍ تَسُوقُهُ، أَوْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا، أَوْ كِه بازش گردانی یا بلائی که دفعش کنی یا خیري که بفرستی یا رحمتی که بگسترانی یا ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۸۷ عَافِيَةٌ تُلْسِيْهَا، فَإِنَّكَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَيَدِيكَ خَزَائِنُ جَامِه تندرستی که پوشانی که برستی تو بر هر چیز توانائی و خزینه‌های السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَأَنْتَ الْوَاحِدُ الْكَرِيمُ الْمُعْطِي الَّذِي آسْمَانَهَا وَ زَمِين بدست تو است و تویی خدای یگانه بزرگوار عطابخشی که لا يُرَدُّ سَائِلُهُ، وَلَا يُخَيِّبُ أَمَلُهُ، وَلَا يَنْقُصُ نَائِلُهُ، وَلَا يَنْقُصُ مَا عِنْدَهُ، خواهنده‌اش دست خالی بازنگردد و آرزومندش ناامید نشود و عطاهايش نقصان نپذیرد بَلْ يَزِدَادُ كَثْرَةً وَطَبِيباً وَعَطَاءً وَجُوداً، وَأَرْزُقْنِي مِنْ خَزَائِنِكَ الَّتِي وَ خَزِينَه‌اش پایان ندارد بلکه همواره به زیادی و پاکیزگی و عطا و جودش بیفزاید و روزیم کن از خزینه‌هايت که لا تَفْنِي وَمِنْ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ، إِنَّ عَطَاءَكَ لَمْ يَكُنْ مَحْظُورًا، فَمَا نَظِيرُهُ مِنْ رَحْمَتٍ وَسِعَتْ كِه برستی عطاى تو از كسى منع نشده وَأَنْتَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. و تو بر هر چیز توانائی به رحمت ای مهربانترین مهربانان.» و نیز این دعا را که جمعی از بزرگان علما آن را، از جمله اعمال شب و روز جمعه و عرفه ذکر کرده اند بخوانند. دعا به نقل مرحوم کفعمی در مصباح این است: «اللَّهُمَّ مَنْ تَعَبًا وَتَهَيًّا وَأَعَدَّ وَاسْتَعَدَّ لَوْفَادِهِ إِلَى مَخْلُوقٍ، «خدایا هر کس مجهز و آماده و مهیا و مستعد برای ورود بر مخلوقی شده ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۸۸ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَطَلَبَ نَائِلِهِ وَجَائِزَتِهِ، فَإِلَيْكَ يَا رَبِّ تَعَبْتِي بِه امید دهش و به جستجوی جایزه و بخشش او پس ای پروردگار من آمادگی و اشتیغادی، رَجَاءَ عَفْوِكَ، وَطَلَبَ نَائِلِكَ وَجَائِزَتِكَ، فَلَا تُخَيِّبُ وَاسْتَعْدَادٍ مِنْ بَسْوَى تو است و آرزوی عفو تو و خواهش بخشش و جایزه‌ات را دارم پس دُعَائِي، يَا مَنِ لَا-يُخَيِّبُ عَلَيْهِ سَائِلٌ وَلَا-يَنْقُصُهُ نَائِلٌ، فَإِنِّي نُوْمِدَم مکن ای كسى که هیچ خواهنده‌ای ناامید از درگاهش نرود و هیچ گیرنده عطایی از (کرمش) نکاهد و من به اعتماد لَمْ آتِيكَ ثِقْمَةً بِعَمَلٍ صَالِحٍ عَمَلْتَهُ، وَلَا لَوْفَادِهِ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَوْتَهُ، عَمَلٍ صَالِحِي كِه کرده باشم بدرگاهت نیامده و نه به مخلوقی وارد شده‌ام که از او امیدی داشته باشم أَتَيْتَكَ مُقِرًّا عَلَي نَفْسِي بِالْإِسَاءَةِ وَالظُّلْمِ، مُعْتَرِفًا بِأَنْ لَا حُجَّةَ لِي بَلْ كِه بدرگاه تو آمده‌ام در حالیکه اقرار دارم که بخود بدی و ستم کرده و معترفم که هیچ دلیل و عذر، أَتَيْتَكَ أَرْجُو عَظِيمَ عَفْوِكَ، الَّذِي عَفَوْتَ بِهِ عَنِّ وَ عَذْرِي هَم بر این بدی و ستم نداشته‌ام، آمده‌ام به امید آن عفو عظیم تو که بدان از الْخَاطِئِينَ، فَلَمْ يَمْنَعِكَ طُولُ عُكُوفِهِمْ عَلَي عَظِيمِ الْجُزْمِ، أَنْ خَطَاكَارَانِ درگذری و توقف طولانی آنها بر جرم بزرگ بازت نداشت از عُدَّتْ عَلَيْهِمْ بِالرَّحْمَةِ، فَيَا مَنْ رَحْمَتُهُ وَاسِعَةٌ وَعَفْوُهُ عَظِيمٌ، یا اینکه باز بدانها مهر ورزی ای كسى که رحمتش وسیع و گذشتش بزرگ است ای خدای بزرگ عَظِيمٌ يَا عَظِيمٌ، لَا يُرَدُّ غَضَبَكَ إِلَّا حِلْمِيكَ، وَلَا يُنْجِي أَي خدای بزرگ ای خدای بزرگ خشم تو را جز بردباریت جلوگیری نکند و از غضب ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۸۹ مِنْ سَخِطِكَ إِلَّا التَّضَرُّعَ إِلَيْكَ، فَهَبْ لِي يَا إِلَهِي فَرَجًا بِالْقُدْرَةِ تُو جَز زاری به درگاهت چیزی نجات نبخشد پس ای معبود من بدان قدرتی که سرزمینهای مرده الَّتِي تُحْيِي بِهَا مَيِّتَ الْبِلَادِ، وَلَا تُهْلِكُنِي غَمًّا حَتَّى تَسْتَجِيبَ لِي، را بدان وسیله زنده می گردانی گشایشی بر من بخش و مرا به حال اندوه هلاکم مکن تا دعایم را مستجاب کنی وَتُعَرِّفَنِي الْإِجَابَةَ فِي دُعَائِي، وَأَذِقْنِي طَعْمَ الْعَافِيَةِ إِلَى مُنْتَهَى وَ اجابت دعایم را به من بنمایانی و طعم تندرستی را تا پایان عمر به أَجَلِي، وَلَا تُسَمِّتْ بِي عَدُوِّي، وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ، وَلَا-تُمْكِنُهُ مِنْ بَعْشَانِ وَ گرفتار شماتت دشمنم مکن و او را بر من مسلط مگردان و بر گردنم عُنُقِي. اللَّهُمَّ إِنْ وَضَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْفَعُنِي، وَإِنْ رَفَعْتَنِي سَوَارِشِ مَنْمَا خَدَايَا اِگَر تو مرا پست کنی پس کیست که (بتواند) بلندم کند و اِگَر تو بلندم کنی فَمَنْ ذَا الَّذِي يَضَعُنِي، وَإِنْ أَهْلَكْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَعْرِضُ لَكَ پَس كِيسْت كِه (بتواند) پستم کند و اِگَر هلاکم کنی پس کیست که درباره این بنده‌ات متعرض توشود فِي عَبْدِكَ، أَوْ يَسْأَلُكَ عَنْ أَمْرِهِ، وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّهُ لَيْسَ فِي يَا اِز وَضَعِ اُو اِز تو پرسش کند ولی بطور مسلم این را دانسته‌ام که در حُكْمِكَ ظُلْمٌ، وَلَا فِي نَقْمَتِكَ عَجَلَةٌ، وَإِنَّمَا يَعْجَلُ مَنْ يَخَافُ حُكْمَ تُو سَتْمِي نِيسْت وَ نه در انتقام تو شتابی است زیرا كسى شتاب (در انتقام) کند که بترسد الْقُوَّةَ، وَإِنَّمَا يَخْتَاجُ إِلَى الظُّلْمِ الضَّعِيفُ، وَقَدْ تَعَالَيْتَ يَا إِلَهِي (فرصت) از دست برود و شخص ناتوان نیازمند به ستم می‌باشد و در صورتی که ای معبود من ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۹۰ عَنْ ذَلِكَ عَلُوًّا كَبِيرًا. اللَّهُمَّ

إِنِّي أَعُوذُ بِكَ فَأَعِدْنِي، وَاسْتَجِيرُ بِكَ تُوَازِ اَيْنُكُونُهُ مَطَالِبُ بَسِيَارٍ بَرْتَرٍ وَبَزْرُكَتِي خَدَايَا بِي تُوَ پِنَاهِ آرْمِ پَسِ يَارِيمِ دِهْ وَازِ تُو اَمَانِ خَوَاهِمِ فَأَجِرْنِي، وَاسْتَرْزُقْكَ فَمَارْزُقْنِي، وَآتَوْكُلَّ عَلَيَّكَ فَمَا كَفَيْنِي، پَسِ اَمَانَمِ دِهْ وَازِ تُو رُوْزِي طَلْبِمِ پَسِ رُوْزِيمِ دِهْ وَبِرْ تُو تُو كَلِّ كَنَمِ پَسِ كَفَايْتَمِ فَرْمَا وَاسْتَنْصِرْكَ عَلَيَّ عِدُوِّي فَاَنْصُرْنِي، وَاسْتَعِينُ بِكَ فَأَعِنِي، وَبِرَايِ پِيروْزِي بِرِ دَشْمَنَمِ ازِ تُو يَارِي خَوَاهِمِ پَسِ يَارِيمِ دِهْ وَازِ تُو كَمَكِ خَوَاهِمِ پَسِ كَمَكَمِ دِهْ وَاسْتَعْفِرْكَ يَا اِلَهِي فَاَعْفِرْ لِي، اَمِيْنَ اَمِيْنَ اَمِيْنَ. وَازِ تُو آمْرَشِ طَلْبِمِ اِي مَعْبُوْدِ مَنِ پَسِ بِيَاْمَرْزَمِ اَمِيْنَ، اَمِيْنَ، اَمِيْنَ.»

مستحبات و قوف به عرفات:

در هنگام وقوف در عرفات چند چیز مستحب است. ۱. با طهارت بودن. ۲. غسل نمودن و بهتر است نزدیک ظهر باشد. ۳. توجه قلبی به خدا، و از خود دور ساختن چیزهایی که موجب تفرقه حواس می‌شود. ۴. وقوف در طرف چپ جبل الرّحمة. ۵. وقوف در زمین هموار. ۶. خواندن نماز ظهر و عصر با یک اذان و دو اقامه. ۷. خواندن دعاهای وارده و تضرع به درگاه خداوند.

ادعیه و قوف به عرفات

و آنها بسیار است از جمله گفتن «اللَّهُ أَكْبَرُ» صد مرتبه، و «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» صد مرتبه، و «الْحَمْدُ لِلَّهِ» صد مرتبه، و «سُبْحَانَ اللَّهِ» صد مرتبه، و «مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» صد مرتبه، و «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» صد مرتبه. نیز صد مرتبه بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْغَايِبُ» گواهی می‌دهم که معبودی جز خدای یگانه بی‌همتا نیست، ملک هستی او را است و ستایش الحمد، یحیی و یمیت، و یمیت و یحیی، و هوی و حی لا یموت، ویژه او است، زنده می‌کند و می‌میراند، و می‌میراند و زنده می‌کند، و او زنده فنا ناپذیر است، بیدیه الخیر، و هوی و حی لا یموت، و هوی و حی لا یموت، خیر و نیکی به دست اوست و او بر هر چیز توانا است. هر کدام از سوره قل هو الله احد و «آیه الکرسی» و سوره انا انزلناه فی لیله القدر را صد مرتبه بخواند. و مستحب است خواندن این دعا: ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۹۲ «أَسْأَلُ اللَّهَ بِأَنَّهُ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ» از خداوند مسألت می‌نمایم که او خدایی است که جز او معبودی نمی‌باشد، او ملک و قدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر، سبحانه الله عما و سلام و مؤمن و مهيمن و عزيز و جبار و متكبر است، منزّه است خداوند از آنچه به او یشرکون، هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى شَرِكٌ مِي و رزند، او خدایی است آفریننده و پدید آورنده و صورت بخش، برای او نامهای نیکوست، يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. آنچه در آسمانها و زمین است او را تسبیح می‌گویند و او عزیز و حکیم است. پس بگو: «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى نِعْمَتِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى» خداوند تو را ستایش بر نعمتهایت که قابل شمارش نیست و با هیچ عملی بعدد، وَلَا تُكَافَأُ بِعَمَلٍ. نمی‌توان از عهده شکر آنها بیرون شد. پس بخوان این دعا را: «أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ، وَأَسْأَلُكَ» از تو می‌خواهم ای خدای رحمان بحق هر اسمی که تو را است و از تو می‌خواهم بقوتت و قدرتت و عزتت و بجمیع ما أحاط به علمت که به نیرو و قدرت و عزت و به همه آنچه که علم تو به آن احاطه دارد ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۹۳ وَبَارَكَ لَكَ كُلُّهَا، وَبِحَقِّ رَسُولِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَبِاسْمِكَ وَبِهْ اِرْكَانِ هَسْتِي وَبِهْ حَقِّ پِيَاْمَبْرْتِ كِهْ دَرُوْدِ تُو بِرِ اُو وَبِرِ آلْشِ وَبِهْ حَقِّ اسْمِ الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرِ، وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي مَن دَعَاكَ بِهِ كَانَ بَزْرُكًا، وَبِرْ بَزْرُكًا، وَبِهْ حَقِّ نَامِ عَظِيمِ تُو كِهْ هَرِ كَسِّ تُو رَا بِي اَنِ خَوَانْدِ حَقًّا عَلَيَّكَ أَنْ لَا تُخَيِّبَهُ، وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ بِرِ تُوَسْتِ كِهْ اُو رَا نُوْمِيْدِ نَسَازِي وَبِهْ نَامِ بَزْرُكًا، وَبِرْ بَزْرُكًا، وَبِهْ حَقِّ الَّذِي مَن دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيَّكَ أَنْ لَا تَرُدَّهُ، وَأَنْ تُعْطِيَهُ مَا كِهْ هَرِ كَسِّ تُو رَا بِي اَنِ خَوَانْدِ بِرِ تُو اَسْتِ كِهْ اُو رَا نُوْمِيْدِ بَا زَنْگِرْدَانِي وَ اِنْچِهْ ازِ تُو دَرِخَوَاسْتِ نَمُوْدِ بِي اُو سَيِّئًا، أَنْ تُعْفِرَ لِي ذُنُوبِي فِي جَمِيْعِ عِلْمِكَ فِي» عطا فرمائی و بیامری همه گناهانم را که نسبت به من از آن آگاهی داری. و این دعا را نیز بخوان: «اللَّهُمَّ فَكِنِي مِنَ النَّارِ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ» خداوند! مرا از آتش آزاد کن و از

روزی حلال و پاکیزه‌ات الطَّيِّبِ، وَأَدْرَأَ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ بِرِ مَنْ وَسَعَتْ بَخْشٍ وَ شَرَّ فَاسْقَانِ جِنِّ وَ أَنْسٍ وَ شَرَّ فَاسْقَانِ عَرَبٍ وَ عَجْمٍ رَا از من وَالْعَجْمِ»، دور دار. و بخواند این دُعا را: ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۹۴ «اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، فَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَحْيَبِ «خداوندا! من بنده توام پس مرا از نومیدترین وارد شدگان وَفِدِكَ، وَارْحَمْ مَسِيرِي إِلَيْكَ مِنَ الْفَجِّ الْعَمِيقِ. اللَّهُمَّ بِرِ خَوِيْشِ قَرَارِ مَدَةِ وَ بِهٖ آمَدْنَمِ از راه دور بسویت ترحم بخش، خداوندا! رَبِّ الْمَشَاعِرِ كُلِّهَا، فَكُ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ آيِ پروردگار تمام مشاعر حج مرا از آتش رهایی بخش و از روزی حلالَتِ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَأَدْرَأَ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ. اللَّهُمَّ بِرِ مَنْ وَسَعَتْ دَهٗ وَ شَرَّ فَاسْقَانِ جِنِّ وَ أَنْسٍ رَا از من دور دار، خداوندا! مَرَا لَا تَمُكِّرْ بِي، وَلَا تَخْدَعْنِي، وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مَجَازَاتٍ نَكْنَ وَ بِا دَادِنِ نَعْمَتَهِاِ پِیَایِ مَغْرُورَمِ مَسَازِ، خداوندا! از تو می‌خواهم بِخَوْلِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَمَنِكَ وَفَضْلِكَ، يَا أَسْمَعَ السَّمَاعِينَ، بِهٖ قُوَّتٍ وَ جُودٍ وَ كَرَمٍ وَ فَضْلٍ وَ نَعْمَتٍ آيِ شِنَوَاتَرِیْنَ شِنَوَايَا وَ يَا أَبْصِرَ النَّاطِرِينَ، يَا أَسْرِعَ الْحَاسِبِينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَ آيِ بِنَاتَرِیْنَ بِنَايَا، وَ آيِ سَرِیْعَتَرِیْنَ مَحَاسِبَهٗ كَنَنْدَاگانِ وَ آيِ مَهْرَبَاتَرِیْنَ مَهْرَبَانَا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. (وَأَنْ تَرْزُقَنِي خَيْرَ الدُّنْيَا كِهٖ بِرِ مَحْمَدٍ وَ خَانْدَانِشِ دَرُودِ فَرَسْتِي وَ خَیْرِ دُنْیَا وَ آخِرَتِ رَا بِهٖ مِنْ وَالْآخِرَةِ». روزی فرمایی. ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۹۵ پس حاجت خود را بخواهد، آنگاه دست به آسمان بردارد و این دُعا را بخواند: اللَّهُمَّ حَاجَتِي إِلَيْكَ الَّتِي إِنْ أُعْطِيتِهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي، خَدَايَا حَاجَتِمِ بِهٖ سَوِي تُوَسْتِ، اِگَرِ آن‌را عطا کنی دیگر هرچه را از من دریغ کنی زیانم نزنند و اگر وَالَّتِي إِنْ مَنَعْتِهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أُعْطِيتِنِي، أَسْأَلُكَ خَلَاصَ رَقَبَتِي أَنْ رَا از من دریغ داری دیگر سودم ندهد هرچه به من عطا کنی از تو می‌خواهم که از آتش دوزخ رهایم سازی مِنَ النَّارِ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَمَلِكُ يَدِكَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، وَأَجَلِي خَدَاوندا! مِنْمِ بِنْدَهٗ تُوِ وَ سَرِنُوشْتَمِ بِهٖ دَسْتِ تُوَسْتِ بِهٖ مَدَتِ عَمْرَمِ تُوِ آگَاهِي بِعِلْمِكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُوقِنَنِي لِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي، وَأَنْ تُسَلِّمَ مِنِّي از تو می‌خواهم که مرا به موجبات خوشنودیت توفیق بخشی و مناسک مناسکی الَّتِي ارِثَتِهَا خَلِيلُكَ اِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَذَلَّلْتَ عَلَيَّهَا حَجْمَ رَا كِهٖ بِهٖ خَلِيلَتِ اِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ارِثَهٗ فَرمودی وَ بِهٖ پِیَامَبَرَتِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ رَضِيَتْ حَضْرَتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَاهِنَمَايِي كَرْدِي سَالَمِ دَارِي، خداوندا! مَرَا از كَسَانِي قَرَارِ دَهٗ كِهٖ از عَمَلِشَانِ خُوشنُودِي عَمَلَهٗ، وَأَطَلَّتْ عُمُرَهٗ، وَأَخْيَتَهُ بَعْدَ الْمَوْتِ حَيَاةً طَيِّبَةً». عمرشان را طولانی و زندگی پس از مرگشان را پاکیزه ساختی. و نیز مُسْتَحَبِّ است در روز عَرَفَهٗ هَنگَامِ غُرُوبِ آفتابِ اَيْنِ دُعا خوانده شود: ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۹۶ «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ، وَمِنْ تَشَّتِ الْأُمْرِ، وَمِنْ «خداوندا! بِهٖ تُوِ پِنَاهِ مِي بَرَمِ از ناداری و از آشفستگی کارها و از شَرِّ مَا يَخْدُتُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، أَمْسِي ظُلْمِي مُسْتَجِيرًا شَرِّ حَوَادِثِ شَبِّ وَ رُوزِ، از ظلمِ خَوِيْشِ بِعَفْوِكَ، وَأَمْسِي خَوْفِي مُسْتَجِيرًا بِأَمَانَتِكَ، وَأَمْسِي ذُلِّي بِهٖ عَفْوِ تُوِ پِنَاهِ مِي بَرَمِ وَ از ترس و خوف به امان تُوِ وَ از گناهانم مُسْتَجِيرًا بِعِزِّكَ، وَأَمْسِي وَجْهِي الْفَانِي مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ بِهٖ عَزَّتِ تُوِ وَ از فَنَايِ خَوِيْشِ بِهٖ ذَاتِ بَاقِي تُوِ الْبَاقِي، يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، يَا أَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ يَا أَرْحَمَ مَنْ آيِ بَهْتَرِیْنَ كَسِي كِهٖ از او سَوَالِ كَنَنْدِ وَ آيِ بَخْشَنْدَهٗ تَرِیْنَ بَخْشَنْدَاگانِ وَ آيِ مَهْرَبَاتَرِیْنَ اسْتُرْحَمَ، جَلْبَنِي بِرَحْمَتِكَ، وَالْبِسْنِي عَافِيَتِكَ، وَاصْرِفْ عَنِّي مَهْرَبَانَا گناهانم رَا بِهٖ رَحْمَتِ مَسْتُورِ دَارِ وَ جَامَهٗ عَافِيَتِ رَا بِرِ مِنْ پِیُوشَانِ وَ شَرِّ هَمَهٗ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَارْزُقْنِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ». آفریده‌هایت را از من بازگردان و خیر دنیا و آخرت را روزیم گردان. و نیز مُسْتَحَبِّ است بعد از غُرُوبِ آفتابِ اَيْنِ دُعا خوانده شود: «اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمُوقِفِ، وَارْزُقْنِيهِ «خداوندا! اَيْنِ وَقُوفَمِ رَا دَرِ اَيْنِ جَايْگَاهِ، آخِرِیْنَ وَقُوفِ قَرَارِ مَدَهٗ، وَ تا زنده‌ام داری ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۹۷ اَبْدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، وَاقْبَلْنِي الْيَوْمَ مُقْبَلًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا بِازْگَشْتِ بِهٖ اَيْنْجَا رَا رُوزِیْمِ گَرْدَانِ وَ بِا رَسْتِگَارِي وَ دَعَايِ مَسْتَجَابِ بِازْمِ گَرْدَانِ لِي، مَرْحُومًا مَغْفُورًا لِي، بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ الْيَوْمَ أَحَدٌ مِنْ دَرِ حَالِي كِهٖ مَشْمُولِ مَغْفَرَتِ وَ رَحْمَتِ قَرَارِ گَرَفْتَهٗ بِاشْمِ بِهٖ بَهْتَرِیْنَ صُورَتِي كِهٖ اَمْرُوزِ فَرْدِي از واردشدگان وَفِدِكَ، وَحُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، وَاجْعَلْنِي الْيَوْمَ مِنْ أَكْرَمِ وَفِدِكَ بِهٖ دَرْگَاهِ خَوِيْشِ وَ حُجَّاجِ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ رَا بِازْمِ گَرْدَانِي، وَ مَرَا از گَرَامِي تَرِیْنَ واردشدگان عَلَيَّكَ، وَأَعْطِنِي أَفْضَلَ مَا أُعْطِيتَ أَحَدًا مِنْهُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَالْبَرَكَةِ بِرِ خَوِيْشِ قَرَارِ دَهٗ وَ بِهٖ مِنْ بَهْتَرِیْنَ خَیْرِ، وَ بَرَكَتِ وَ رَحْمَتِ وَالْعَافِيَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْمَغْفِرَةِ، وَبَارِكْ لِي فِيمَا أَرْجِعُ وَ خُوشنُودِي وَ آمَرِشِ رَا كِهٖ بِهٖ يَكِي از آنان عطا

می‌فرماید عطا کن و به خانواده و اِیْلِهِ مِنْ أَهْلِ أَوْ مَالٍ أَوْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ، وَبَارِكْ لَهُمْ فِیَّ». دارایی کم یا بسیارم برکت بخش.

دعای امام حسین (ع) در روز عَرَفَه

دعای امام حسین علیه السلام در روز عَرَفَه: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ، وَلَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ، وَلَا «ستایش خاص خدایی است که نیست برای قضا و حکمش جلو گیری و نه برای عطا و بخششش مانعی و نه کُصْنَعِهِ صُنْعٌ صَانِعٌ، وَهُوَ الْجَوَادُ الْوَاسِعُ، فَطَرَ أَجْنَاسَ الْبَدَائِعِ، مانند ساخته‌اش ساخته هیچ سازنده‌ای و اوست بخشنده وسعت‌ده که آفرید انواع گوناگون پدیده‌ها را ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۹۸ وَأَتَقَنَّ بِحِكْمَتِهِ الصَّنَائِعَ، لَا تَخْفَى عَلَيْهِ الطَّلَائِعُ، وَلَا تَضْبِعُ عِنْدَهُ وَبِهِ حِكْمَتٌ خَوِيصٌ مُحْكَمٌ صَاخَتِ مَصْنُوعَاتُهَا وَطَلَايَاهَا (ی) عالم وجود) بر او مخفی نیست و امانتها در نزد او الْوَدَائِعُ، جَازِي كُلِّ صَانِعٍ، وَرَائِسُ كُلِّ قَانِعٍ، وَرَاحِمٌ كُلِّ ضَارِعٍ، ضَايِعٌ نَشُودُ پاداش‌دهنده عمل هرسازنده و سامان‌دهنده زندگی هر قناعت‌پیشه و مهربان نسبت به هر نالان، وَمَنْزِلُ الْمَنَافِعِ، وَالْكِتَابُ الْجَامِعِ، بِالْأَنْوَارِ الشَّاطِعِ، وَهُوَ اللَّدَّعَوَاتِ فَرُو فَرَسْتَنْدَه هِر سَوْد وَبَهْرَه وَآن كِتَاب جَامِع كَه فَرَسْتَادَش بوسيله نور آن نوردرخشان‌واواست که دعاها را سامع، وَلِلْكَرْبَاتِ دَافِعٌ، وَلِلدَّرَجَاتِ رَافِعٌ، وَلِلْجَبَابِرَةِ قَامِعٌ، شَنَوَا سْت وَگرفتاریها را برطرف کند و درجات را بالا-برد و گردنکشان را ریشه کن سازد پس فَلَإِ إِلَهَ غَيْرُهُ، وَلَا شَيْءَ يَعْذِلُهُ، وَلَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَهُوَ السَّمِيعُ مَعْبُودِي جَزَاو نِيسْت وَچیزی با او برابری نکند و چیزی همانندش نیست و او شنوا است الْبَصِيرُ، اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ إِنِّي وَبِئْسَ مَا أَكُونُ وَبِهِ بَرُورِد گَاری تَو گَوَاهِي دَهْم اَقْرَار دَارَم بَه اِينَكِه تَو بَرُورِد گَار مَنِي وَبَسُوي تَوَا سْت مَرْدِي، اَبْتِدَأْتَنِي بِنِعْمَتِكَ قَبِيلَ أَنْ أَكُونَ شَيْئًا مَيْدُكُورًا، وَخَلَقْتَنِي بَاز گَشْت مَن اَعْزَاز كَرْدِي وَجُود مَرَا بَه رَحْمَتِ خُود پِيش از اَنَكِه باشم چيز قابل ذكري و مَرَاز مَن التُّرَابِ، ثُمَّ اَسْئَلُكَتَنِي الْاَضْيَالَ، اَمِنًا لِرَيْبِ الْمُنُونِ، خَاك اَفْرِيدِي اَنگَاه دَر مِياَن صِلْبِها جَايِم دَادِي وَايمَنم سَاخْتِي از حَواذِثِ زَمَانَه اَدْعِيَه وَآدَابِ مَكِه مَكْرَمَه، ص: ۹۹ وَاخْتِلَافِ الدُّهُورِ وَالسَّيِّئِينَ، فَلَمْ أَزَلْ ظَاعِنًا مِنْ صِلْبٍ إِلَى رَحِمٍ، وَتَغْيِيرَاتِ رُوز گَار وَ سَالِها وَ هَمچَنان هَمَواَرَه از صِلْبِي بَه رَحْمِي كُوج كَرْدَم فِی تَقَادُمِ مَن الْاَيَّامِ الْمَاضِيَه، وَالْقُرُونِ الْخَالِيَه، لَمْ تُخْرِجْنِي دَر اَيَّامِ قَدِيمِ وَ گَذهِشْتَه وَ قَرْنِهايِ پِيشِين وَ از رُوي مَهر وَ رَافْتِي لِرَافْتِكَ بِي، وَطُفْعِكَ لِي، وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ، فِی دَوْلَتِهِ أُمَّةً الْكُفْرِ، كَه بَه مَن دَاشْتِي وَ اِحْسانَتِ نَسْبَتِ بَه مَن مَرَا بَه جَهاَن نِياورْدِي دَر دُورَانِ حُكُومَتِ پِيشِوايَانِ كُفْرِ الَّذِينَ نَقَضُوا عَهْدَكَ، وَكَذَّبُوا رُسُلَكَ، لِكِنَّكَ أَخْرَجْتَنِي رَافَةً مِنْكَ اَنانِ كَه پِيمان تَو را شَكْسْتَنْد وَ فَرَسْتاد گَانت را تَكْذِيب كَرْدَنْد وَ لِي دَر زَمَانِي مَرَا بَدَنِيا اُورْدِي كَه رَافْتِ وَ مَهرَبانِي وَ تَحَنُّنًا عَلَيَّ لِذِي سَبَقِ لِي مَن الْهُدَى الَّذِي لَهُ يَسَّرْتَنِي، وَفِيهِ اَنْشَأْتَنِي، تَو بَر مَن پِيش از اَن دَر عِلْمَتِ گَذهِشْتَه بُوَد از هِدَايَتِي كَه اسبابش را بَرَايِم مَهرَبانِي فَرْمُودِي وَ دَر اَن مَرَا نَشُو وَ نَمَا دَادِي وَ مَن قَبْلَ ذَلِكِ رُؤْفَتِ بِي بِجَمِيلِ صُنْعِكَ، وَ سَوايِغِ نِعْمِكَ، فَابْتَدَعْتَ وَ پِيش از اَيْنِ نِيز بَه مَن مَهر وَرَزِيدِي بوسيله رِفْتار نِيكُويَتِ وَ نِعْمَتِهايِ شَايانتِ كَه پَدِيدِ اُورْدِي خَلْقِي مَن مَنِي يُمْنِي وَ اَسْكَتَنِي فِی ظُلْمَاتِ ثَلَاثِ، مَن بَيْنَ خَلْقْتَمِ را از مَنِي رِیخْتَه شَدَه وَ جَايِم دَادِي دَر سَه پَرْدَه تَارِيكِي (مَشيمَه وَ رَحْمِ وَ شَكْم) مِياَن گُوشْتِ لَحْمِ وَ دَمِ وَ جِلْدِ، لَمْ تُشْهَدْنِي خَلْقِي، وَ لَمْ تَجْعَلْ لِي شَيْئًا مَن وَ خُونِ وَ پُوسْتِ وَ گَواهِمِ نَسَاخْتِي دَر خَلْقْتَمِ وَ واگَذار نَكْرَدِي بَه مَن چِيزِي از كَارِ خُودَمِ را اَمْرِي، ثُمَّ أَخْرَجْتَنِي لِذِي سَبَقِ لِي مَن الْهُدَى إِلَى الدُّنْيَا تَامًا سَويًا، سَپَسِ بِيروْنِمِ اُورْدِي بَدانچَه دَر عِلْمَتِ گَذهِشْتَه بُوَد از هِدَايَتِمِ بَسُويِ دُنْيا خَلْقْتِي تَمَامِ وَ دَر سَتِ اَدْعِيَه وَ آدَابِ مَكِه مَكْرَمَه، ص: ۱۰۰ وَ حَفِظْتَنِي فِی الْمَهْيَدِ طِفْلًا صَبِيًّا، وَرَزَقْتَنِي مِنَ الْعِدَاءِ لَبْنًا مَرِيًّا، وَ دَر حَالِ طُفُولِيَتِ وَ خَرْدَسَالِي دَر گَهاوَرَه مَحْفَظْتَمِ كَرْدِي وَ رُوزِيمِ دَادِي از غَذاها شِيري گَوارا وَ عَطْفَتِ عَلَيَّ قُلُوبِ الْحَواضِنِ، وَ كَفَلْتَنِي الْأُمَّهَاتِ الرِّواحِمِ، وَ دَلِ پَرَسْتارانِ را بَر مَن مَهرَبانِ كَرْدِي وَ عَهْدَه دَارِ پَرَسْتارِيمِ كَرْدِي مَادِرانِ مَهرَبانِ را وَ كَلَأْتَنِي مَن طَوارِقِ الْجَانِ، وَ سَلَّمْتَنِي مَن الزِّياَدَه وَ النُّقْصانِ، وَ از اَسِيبِ جَنيانِ نَگَهدارِيمِ كَرْدِي وَ از زِياَدِي وَ نَقْصانِ سَالِمِ دَاشْتِي فَتَعَالَيْتِ يا رَحِيمُ يا رَحْمَانُ. حَتَّى إِذَا اسْتَهْلَكْتَ نَاطِقًا بِالْكَلامِ، پَسِ بَرْتَرِي تَو اِي مَهرَبانِ وَ اِي بَخْشاينْدَه تَا اَنگَاه كَه لَبِ بَه سَخْنِ گَشُودَمِ اَتَمَمْتِ عَلَيَّ سَوايِغِ الْاِنْعَامِ، وَرَبَّيْتَنِي زائِدًا فِی كُلِّ

بردارد استخوانهای دنده‌هایم و سربندهای مفاصلی، وَقَبْضُ عَوَامِلِي، وَأَطْرَافُ أُنَامِلِي وَلَحْمِي وَدَمِي، استخوانهایم و انقباض عضلات بدنم و اطراف سر انگشتانم و گوشتم و خونم وَشَعْرِي وَبَشْرِي، وَعَصَبِي وَقَصَبِي، وَعِظَامِي وَمُخِي و موی بدنم و بشره پوستم و عصبم و ساقم و استخوانم و مغزم وَعُرْوَقِي، وَجَمِيعُ جَوَارِحِي، وَمَا اُنْتَسِجَ عَلَي ذَلِكْ اَيَّامٌ و رگهایم و تمام اعضا و جوارح و آنچه بر اینها بافته شده از دوران ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۰۴ رِضَاعِي، وَمَا أَقْلَتِ الْأَرْضُ مِنِّي، وَنَوْمِي وَيَقْظَتِي وَسُكُونِي، شیرخوارگی ام و آنچه را زمین از من بر خود گرفته و خوابم و بیداریم و آرمیدنم وَحَرَكَاتِ رُكُوعِي وَسُجُودِي، أَنْ لَوْ حَاوَلْتُ وَاجْتَهَدْتُ مَدِي و حرکتهای رکوع و سجود من (گواهی دهم) که اگر تصمیم بگیرم و بکوشم در طول الْأَعْصَارِ وَالْأَحْقَابِ لَوْ عُمِرْتُهَا أَنْ أُودِيَ شُكْرٌ وَاحِدَةٌ مِنْ قُرُونٍ و اعصار بر فرض که چنین عمری بکنم و بخواهم شکر یکی از نعمتهای تو أَنْعَمِكَ مَا اسْتَيْطَعْتُ ذَلِكْ، إِلَّا بِمَنِّكَ، الْمَوْجِبِ عَلَيَّ بِهٍ شُكْرُكَ را بجا آورم نخواهم توانست جز به لطف خود که آن خود واجب کند بر من سپاسگزاری را اَبْدًا جَدِيدًا، وَتَنَاءً طَارِفًا عَيْدًا. أَجَلٌ، وَلَوْ حَرَضْتُ أَنَا دُوبَارَهَ از نو و موجب ستایشی تازه و ریشه‌دار گردد آری و اگر حریص باشم من وَالْعَادُونَ مِنْ أَنَامِكَ، أَنْ نُحْصِيَ مَدِي إِنْعَامِكَ، سَالِفِهِ وَآنِفِهِ و حسابگران از مخلوق که بخواهم اندازه نعمت بخشیهای تو را از گذشته و آینده ما حَصْرًا عَدَدًا، وَلَا أَحْصِيَنَاهُ أَمَدًا. هَيْهَاتَ أَتَى ذَلِكْ وَأَنْتَ به حساب در آوریم نتوانیم بشماره در آوریم و نه از نظر زمان و اندازه آنرا احصاء کنیم! هیهات! کجا چنین چیزی میسر است و تو الْمُخْبِرُ فِي كِتَابِكَ النَّاطِقِ، وَالنَّبِيُّ الصَّادِقِ: وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ خود در کتاب گویا و خبر راست و درست خبر داده‌ای که «اگر بشمارید نعمت خدا را لا تُحْصُوهَا، صَدَقَ كِتَابُكَ اللَّهُمَّ وَتَبَوُّكَ، وَبَلَّغْتَ أَنْبِيَائُكَ احْصَاءَ نَتَائِجِهَا» خدایا کتاب تو و خبری که دادی راست است و رساندند پیمبران و رسولانت ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۰۵ وَرُسُلُكَ، مَا أَنْزَلْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ وَحْيِكَ، وَشَرَعْتَ لَهُمْ مِنْ هَرَجَةٍ را بر ایشان از وحی خویش فرو فرستادی و آنچه را تشریح کردی برای آنها و بوسیله آنها دینک. غَيْرَ أَنِي يَا إِلَهِي أَشْهَدُ بِجُهْدِي وَجِدِي، وَمَبْلَغِ طَاقَتِي از دین و آیین خود جز اینکه معبودا من گواهی دهم به سعی و کوششم و به اندازه رسائی طاقت و وسعی، وَأَقُولُ مُؤْمِنًا مُوقِنًا، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا و وسعم و از روی ایمان و یقین می گویم ستایش خدایی را سزااست که نگیرد فرزندی فَيَكُونُ مَوْزُونًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ فَيُضَادَّهُ فِيمَا تَأْزِرُ او ارث برند و نیست برایش شریکی در فرمانروایی تا با او ضِدِّتْ كُنْدَ ابْتِدَاعٍ، وَلَا وَلِيٌّ مِنَ الدَّلِيلِ فَيُؤْفِدَهُ فِيمَا صَنَعَ، فَسُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ، در آنچه پدید آورد و نه نگهداری از خواری دارد تا کمکش کند در آنچه بوجود آورد پس منزله بادمزله لَوْ كَانَ فِيهِمَا إِلَهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا وَتَفَطَّرَتَا. سُبْحَانَ اللَّهِ الْوَاحِدِ که اگر بود در آسمان و زمین خدایانی جز او هر دو تباہ می شدند و از هم متلاشی می گشتند منزله است خدای یگانه الْأَخِيذِ الصَّمِيدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، یکتای بی نیازی که فرزند ندارد و فرزند کسی نیست و نیست برایش همتایی هیچکس، الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يُعَادِلُ حَمْدَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْبِيَائِهِ ستایش خدای را است ستایشی که برابر ستایش فرشتگان مقرب او و پیمبران الْمُرْسَلِينَ. وَصَلَّى اللَّهُ عَلَي خَيْرَتِهِ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَآلِهِ مرسلش باشد و درود خدا بر بهترین خلقش محمد خاتم پیمبران و آل ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۰۶ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُخْلِصِينَ». پاک و پاکیزه و خالص او باد و سلام.» آنگاه حضرت شروع کرد به درخواست از پیشگاه خداوند متعال و سعی و اهتمام نمود در دعا و اشک از دیدگان مبارکش جاری بود، پس گفت: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَخْشَاكَ كَأَنِّي أُرَاكَ، وَأَسْأَلُكَ بِتَفْوَاكِ،» خدایا چنانم ترسان خودت کن که گویا می بینم و به پرهیزکاری از خویش خوشبختم گردان و به وَلَا تُشَقِّنِي بِمَعْصِيَتِكَ، وَخَزَلِي فِي قَضَائِكَ، وَبَارِكْ لِي فِي وَاسْطِهِ نافرمانیت بدبختم مکن و در تعیین سرنوشت خیر برایم مقدر کن و مقدرات را برایم قَدِّرْ، حَتَّى لَا أَحْبَبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ، وَلَا- تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ. مبارک گردان تا چنان نباشم که تعجیل آنچه را تو پس انداخته‌ای بخواهم و نه تأخیر آنچه را تو پیش انداخته‌ای اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي، وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي، وَالْإِخْلَاصَ فِي خَدَايَا قَرَارِ دَهٍ بی نیازی در نفس من و یقین در دلم و اخلاص در عَمَلِي، وَالنُّورَ فِي بَصِيرَتِي، وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي، وَمَتِيعَتِي كَرْدَارَم و روشنی در دیده‌ام و بینایی در دینم و مرا از اعضا و بجوارحی، وَاجْعَلْ لِي سَمْعِي وَبَصِيرَتِي الْوَارِثِينَ مِنِّي، وَأَنْصُرْنِي جَوَارِحَ بَهْرَه‌مند کن و گوش و چشم مرا وارث من گردان (که تا دم مرگ بسلامت

باشند) و یاریم‌ده ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۱۰۷ علی مَنْ ظَلَمَنِي، وَأَرِنِي فِيهِ ثَارِي وَمَا رَبِّي، وَأَقْرَبْ بِذَلِكَ عَيْنِي. بر آنکس که به من ستم کرده و انتقام‌گیری مرا و آرزویم را درباره‌اش به من بنمایان و دیده‌ام را در این باره روشن کن اللَّهُمَّ اكْشِفْ كُرْبَتِي، وَاسْتُرْ عَوْرَتِي، وَاعْفُ لِي خَطِيئَتِي، وَاحْسِبْ خُدَايَا مُحْتَمِّمًا رَا بَرَطْرَفِ كَن وَ زَشْتِيهَائِم بِپوشان و خطایم بیامرز و شیطان و اهریمنم را شیطان، وَفُكِّ رِهَانِي، وَاجْعَلْ لِي يَا إِلَهِي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا فِيْ اَزْ مَنْ بَرَان وَ ذَمَهَام رَا اَزْ كِرُو بَرَهَان وَ قَرَار دِه خُدَايَا بَرَايْ مَنْ دَرَجِه وَالَا الْآخِرَةَ وَالْأُولَى اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي سَمِيعًا دَرِ آخِرْت وَ دَرِ دُنْيَا خُدَايَا حَمْدُ تُو رَا اَسْت كِه مَرَا آفَرِيدِي وَ شَنُوَا بَصِيرًا، وَلَكَ الْحَمِيدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي خَلْقًا سَوِيًّا رَحِيمَةً وَ بِنَا قَرَارَم دَادِي وَ سَتَائِشِ تُو رَا اَسْت كِه مَرَا آفَرِيدِي وَ اَزْ رُوِي مَهْرِي كِه بِه مَنْ دَاشْتِي خَلَقْتَم رَا نِيكُو آرَاسْتِي بِي، وَقَدْ كُنْتُ عَنْ خَلْقِي غَيِّبًا، رَبِّ بِمَا بَرَأْتَنِي فَعَدَلْتَ فِطْرَتِي، دَرِ صُورَتِيكِه تُو اَزْ خَلَقْت مَنْ بِي نِيَاز بُوْدِي پُرُورْد كَارَا اَنْطُور كِه مَرَا پَدِيدِ آوَرْدِي دَرِ خَلَقْتَم اَعْتَدَال بَكَار بَرْدِي رَبِّ بِمَا اَنْشَأْتَنِي فَأَحْسِنْتَ صُورَتِي، رَبِّ بِمَا أَحْسِنْتَ إِلَيَّ وَ فِيْ پُرُورْد كَارَا اَنْطُور كِه بُوْجُودَم آوَرْدِي صُورْتَم رَا نِيكُو كَرْدِي پُرُورْد كَارَا اَنْطُور كِه بِه مَنْ اِحْسَان كَرْدِي نَفْسِي عَافِيَتِي، رَبِّ بِمَا كَلَّأْتَنِي وَ وَفَّقْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَافَيْتَم دَادِي پُرُورْد كَارَا اَنْچَنانَكِه مَرَا مَحَافِظْت كَرْدِي وَ مَوْفَقَم دَاشْتِي پُرُورْد كَارَا اَنْچَنانَكِه بَرِ مَنْ اِنْعَام كَرْدِه فَهَيْدِيَتِي، رَبِّ بِمَا أَوْلَيْتَنِي وَمِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَعْطَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا وَهَدَيْتَم فَرْمُودِي پُرُورْد كَارَا اَنْچَنانَكِه مَرَا مَورِد اِحْسَان قَرَار دَادِه وَ اَزْ هَر خَيْرِي بِه مَنْ عَطَا كَرْدِي پُرُورْد كَارَا اَنْچَنانَكِه اَدْعِيه وَ آدَاب مَكّه مَكْرَمه، ص: ۱۰۸ أَطْعَمْتَنِي وَسَقَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَغْنَيْتَنِي وَأَقْنَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَعْتَيْتَنِي مَرَا خُورَانْدِي وَ نُوشَانْدِي پُرُورْد كَارَا اَنْچَنانَكِه بِي نِيَازَم كَرْدِي وَ سَرْمَايَهَام دَادِي پُرُورْد كَارَا اَنْچَنانَكِه كَمَكَم دَادِي وَ اَعَزَّزْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَلْبَسْتَنِي مِنْ سِتْرِكَ الصَّافِي، وَبَسَّرْتَ لِي وَ عَزَمْتَ بَخْشِيدِي، پُرُورْد كَارَا! اَنْچَنانَكِه مَرَا اَزْ خَلَعْت بَا صَفَايْت پُوشَانْدِي وَ اَزْ مَصْنُوعَاتِ بِه مِنْ صُنْعِكَ الْكَافِي، صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعِنِّي عَلَي حَدِّ كَافِي دَرِ اَخْتِيَارَم كَزَارْدِي دَرُود فَرَسْت بَرِ مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد وَ كَمَكَم دِه بَوَائِقِ الدُّهُورِ، وَصِيْرُوفِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ، وَنَجِّنِي مِنْ أَهْوَالِ بَرِ پِيْشِ آمَدِهَائِ نَاگُورَار رُوز كَار وَ كَشْمَكْشِهَائِ شَبْهَا وَ رُوزْهَا وَ اَزْ هَر اَسْهَائِ الدُّنْيَا وَ كُرْبَاتِ الْآخِرَةِ، وَ اَكْفِنِي شَرًّا مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِيْ دُنْيَا وَ اَنْدُوهَائِ آخِرْتِ نَجَاتَم دِه وَ اَزْ شَرِّ اَنْچِه سَتْمَكِرَان دَرِ زَمِيْنِ الْمَأْرُضِ. اللَّهُمَّ مَا أَخَافُ فَكَفِّنِي، وَمَا أَخْذَرُّ فِقِّنِي، وَفِي نَفْسِي اِنْجَام دِهْنَد كَفَايْتَم فَرْمَا، خُدَايَا! اَزْ اَنْچِه مِي تَرَسَم كَفَايْتَم كَن وَ اَزْ اَنْچِه بَر حَزْرَم نَگَاهَم دَار وَ خُودَم وَ دِيْنِي فَاخْرُسِيْنِي، وَفِي سَفَرِي فَاخْفَظْنِي، وَفِي أَهْلِي وَ مَالِي دِيْنَم رَا حَفْظ كَن وَ دَرِ سَفَرِ مَحَافِظْتَم كَن وَ دَرِ خَانُودِه وَ مَالَم فَاخْلُفْنِي، وَفِي مَا رَزَقْتَنِي فَبَارِكْ لِي، وَفِي نَفْسِي فَذَلِّنِي، وَفِي جَانَشِيْنِ مَنْ بَاشِ وَ دَرِ اَنْچِه رُوزِيْم كَرْدِه اِي بَرَكْت دِه وَ مَرَا دَرِ پِيْشِ خُودَم خُورَار كَن وَ دَرِ اَعْيِنِ النَّاسِ فَعِظْمَنِي، وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ فَسَلِّمْنِي، چَشْمِ مَرْدَمِ بَزْرَكَم كَن وَ اَزْ شَرِّ جِنِّ وَ اِنْسِ بَسَلَامْتَم بَدَار اَدْعِيه وَ آدَاب مَكّه مَكْرَمه، ص: ۱۰۹ وَبِذُنُوبِي فَلَا تُفْضَحْنِي وَبَسِيْرِيْتِي فَلَا تُخْزِنِي، وَبِعَمَلِي فَلَا وَبِهْ گَنَاهَانِ رَسُوَائِمِ مَكَّن وَ بِه اَنْدِيْشِهَائِ بَاظْنَمِ سَرَا فَنَكْنَدِهَام مَكَّن وَ بِه كَرْدَارَمِ تَبْتَلِنِي، وَنَعْمَكَ فَلَا تَسْلِبْنِي، وَإِلَى غَيْرِكَ فَلَا تَكْلِبْنِي، إِلَهِي اِلَى دِجَارَمِ مَسَازِ وَ نَعْمَتِهَائِ رَا اَزْ مَنْ مَكْغِيْر وَ بَجْزِ خُودْتِ بِه دِيْگَرِي وَ اَكْذَارَمِ مَكَّنِ خُدَايَا مَنْ تَكْلِبْنِي، اِلَى قَرِيْبٍ فَيَقْطَعْنِي، أَمْ اِلَى بَعِيْدٍ فَيَتَجَهَّمْنِي، أَمْ اِلَى بِهْ كِه وَ اَكْذَارَمِ مِي كَنِي اِيَا بِه خُويْشَاوَنْدِي كِه اَزْ مَنْ بِيْرْدِ يَا بِيْگَانِهَائِ كِه مَرَا اَزْ خُودِ دُور كَنْدِ يَا بِهْ كَسَانِي كِه الْمُسْتَضْعَفِيْنَ لِي، وَأَنْتَ رَبِّي وَمَلِيْكُ أَمْرِي، أَشْكُو إِلَيْكَ غُرْبَتِي، خُورَامِ شَمْرَنْدِ وَ تُوِيِي پُرُورْد كَارِ مَنْ وَ زَمَامْدَارِ كَارِ مَنْ بَسُوِي تُو شَكَايْتِ اَرَمِ اَزْ غُرْبْتِ خُودِ وَبُعِيْدِ دَارِي، وَهَوَانِي عَلَي مَنْ مَلَكْتَهُ أَمْرِي. إِلَهِي فَلَا تُخْلِلْ وَ دُورِي خَانِهَامِ وَ خُورَائِمِ نَزْدِ كَسِي كِه زَمَامْدَارِ كَارِ مَنْ كَرْدِي خُدَايَا پَسِ خُشْمِ خُودِ رَا عَلَيَّ غَضَبَكَ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ غَضَبْتُ عَلَيَّ فَلَا أَبَالِي سِوَاكَ، بَرِ مَنْ مَبَارِ وَ اَكْرَبْرِ مَنْ خُشْمِ نَكْرَدِه بَاشِي بَا كِي نِدَارَمِ سُبْحَانِكَ غَيْرَ أَنْ عَافَيْتَكَ أَوْسَعُ لِي، فَاسْأَلْ لَكَ يَا رَبِّ بِنُورِ مَنْزِهِي تُو- جَزْ اَيْنَكِه دَرِ عَيْنِ حَالِ عَافِيْتِ تُو وَ سِيْعْتَرِ اَسْتِ بَرَايْ مَنْ پَسِ اَزْ تُو خُورَاهَمِ پُرُورْد كَارَا بِه نُورِ وَجْهِيْكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ الْمَأْرُضُ وَالسَّمَاوَاتُ، وَكَيْتَفَتْ بِهْ ذَاتِ كِه رُوشَنِ شَدِ بَدَانِ زَمِيْنِ وَ اَسْمَانِهَا وَ بَرَطْرَفِ شَدِ بَدَانِ الظُّلُمَاتِ، وَصَلِّحْ بِهْ أَمْرَ الْأَوَّلِيْنَ وَالْآخِرِيْنَ، أَنْ لَا تُمَيِّتَنِي عَلَي تَارِيكِيْهَا وَ اَصْلَاحِ شَدِ بَدَانِ كَارِ اَوَّلِيْنِ وَ آخِرِيْنِ كِه مَرَا بَرِ حَالِ غَضَبِ خُويْشِ اَدْعِيه وَ آدَاب مَكّه مَكْرَمه، ص: ۱۱۰ غَضَبِكَ، وَلَا- تُنْزِلْ بِي سَيْحَطَكَ، لَكِنَّكَ الْعُتْبَى حَتَّى نَمِيْرَانِي وَ خُشْمْتِ رَا بَرِ مَنْ نَاذَلِ مَفْرَمَائِي مَوْاْخِذِه وَ بَا زُخُوسْتِ حَقِّ تُو اَسْت تَا گَاهِي كِه

حَادُوهُ وَنَادُوهُ وَكَذَّبُوا رُسُلَهُ. که روزیش را می‌خوردند ولی پرستش دیگری را می‌کردند و با خدا دشمنی و ضدیت داشتند و رسولانش را تکذیب می‌کردند یا اللّٰه یا اللّٰه یا یَدِیْ یا یَدِیْعُ، لَا یَدُّ لَکَ، یا دَائِمٌ لَا نَفَادَ لَکَ، ای خدا ای خدا ای آغازنده ای پدیدآورنده‌ای که همتا نداری ای جاویدانی که زوال نداری یا حَیُّ حَیْنٌ لَا حَیَّ، یا مُحِیُّ الْمَوْتِ یا مَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلٰی کُلِّ اٰی زنده در آنگاه که زنده‌ای نبود ای زنده کن مردگان ای که مراقبت داری نَفْسٍ بِمَا کَسَبَتْ، یا مَنْ قَلَّ لَهُ شُکْرٰی فَلَمْ یَحْرَمْنِیْ، وَعَظُمَتْ هَر کس بدانچه انجام داده ای که سپاسگزاری من برایش اندک است ولی محروم نکند و خطایم خَطِیْبَتِیْ فَلَمْ یَفْضَحْنِیْ، وَرَآنِیْ عَلٰی الْمَعَاصِیْ فَلَمْ یَشْهَرْنِیْ، بزرگ است ولی رسوایم نکند و مرا بر نافرمانی خویش ببند ولی پرده‌ام ندرد ای که یا مَنْ حَفَظْنِیْ فِی صِغْرِیْ، یا مَنْ رَزَقْنِیْ فِی کِبَرِیْ، یا مَنْ مَرَا دَر کُودِکِی مَحْفَظَتْ کُودِیْ ای که در بزرگی روزیم دادی ای که اندازه مرحمت‌هایی که به من کردی ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۱۱۴ اَیَادِیْهِ عِنْدِیْ لِأَتْخَصِیْ وَنِعْمَهُ لَا تُجَازِیْ یَا مَنْ عَارَضَنِیْ بِالْخَیْرِ بِشِمَارِهِ نِیَایِد و نعمت‌هایش را تلافی ممکن نباشد ای که روبرو شد با من به نیکی وَالْإِحْسَانِ، وَعَارَضْتُهُ بِالْإِسَاءَةِ وَالْعِصْیَانِ، یَا مَنْ هَدَانِیْ لِلْإِیْمَانِ و احسان ولی من با او به بدی و گناه روبرو شدم ای که مرا به ایمان هدایت کرد مِنْ قَبْلِ أَنْ أَعْرِفَ شُکْرَ الْإِیْمَانِ، یا مَنْ دَعَوْتُهُ مَرِیضًا فَشَفَانِیْ، پیش از آنکه بشناسم طریقه سپاسگزاری نعمتش را ای که خواندمش در حال بیماری و او شفایم داد وَعُزَّیْنَا فَکَسَانِیْ، وَجَانِعًا فَاشْبَعْنِیْ، وَعَطْشَانَ فَارْوَانِیْ، وَذَلِیلاً وَدِر بَرَهْنِیْ و او مرا پوشاند و در گرسنگی و او سیرم کرد و در تشنگی و او سیرابم کرد و در خواری و فَاعَزَّنِیْ، وَجَاهِلًا فَعَرَّفْنِیْ، وَوَحِیدًا فَکَتَّرْنِیْ، وَغَائِبًا فَزَدَّنِیْ، او عزتم بخشید و در نادانی و او معرفتم بخشید و در تنهایی و او فزونی جمعیت به من داد و در دوری از وطن و او بازم گرداند وَمُقَلَّمًا فَأَغْنَانِیْ، وَمُتَّصِرًا فَتَصَرَّنِیْ، وَغَیْبًا فَلَمْ یَسْلُبْنِیْ، و در نداری و او دارایم کرد و در کمک‌خواهی و او یاریم داد و در ثروتمندی و او از من سلب نفرمود وَأَمْسِیْ کُتُّ عَیْنِ جَمِیْعِ ذَلِکَ فَابْتَدَأْنِیْ. فَلَکَ الْحَمْدُ وَالشُّکْرُ، یَا مَنْ و (هنگامی که) از همه این خواسته‌ها دم بستم تو آغاز کردی پس از آن تو است حمد و سپاس ای که أَقَالَ عَثْرَتِیْ، وَنَفَسَ کُرْبَتِیْ، وَأَجَابَ دَعْوَتِیْ، وَسَتَرَ عَوْرَتِیْ، لَغْزَمَ رَا نَادِیْدَهْ کَرَفَتْ و گرفتگی را از من دور کرد و دعایم را اجابت فرمود و عییم را پوشاند وَغَفَّرَ ذُنُوبِیْ، وَبَلَّغْنِیْ طَلِیْبَتِیْ، وَنَصَّرَنِیْ عَلٰی عِدُوِّیْ، وَإِنْ و گناهانم را آمرزید و به خواسته‌ام رسانید و بر دشمنم یاری داد و اگر بخواهم ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۱۱۵ اَعْرَدْتُ نَعْمَکَ وَمِنَّتَکَ وَکَرَامَتَکَ لِأَخْصَیْبِیْهَا. یَا مَوْلَایْ أَنْتَ الَّذِیْ نَعْمَتُهَا و عطاها و مراحم بزرگ تو را بشمارم نتوانم ای مولای من این تویی مَنَّتَ، أَنْتَ الَّذِیْ أَنْعَمْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ أَحْسَنْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ که منت نهادی و این تویی که نعمت دادی این تویی که احسان فرمودی این تویی أَجَمَلْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ أَفْضَلْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ أَكْمَلْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ که نیکی و تفضل کردی تویی که احسانت را کامل کردی این تویی رَزَقْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ وَفَّقْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ أَعْطَيْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ که روزی دادی این تویی که عطا فرمودی، تویی که أَغْنَيْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ أَقْنَيْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ آوَيْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ کَفَيْتَ، بی‌نیاز کردی این تویی که ثروت بخشیدی این تویی که ماوی دادی این تویی که کفایت کردی أَنْتَ الَّذِیْ هَدَيْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ عَصَيْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ سَتَرْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ تَوَبَّهْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ که پوشاندی این تویی عَفَوْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ أَقَلْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ مَكَّنْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ که آمرزیدی این تویی که نادیده گرفتی این تویی که قدرت و چیرگی دادی این تویی که أَعَزَزْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ أَعَنْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ عَضَدْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ عَزَّتْ بِکَ، أَنْتَ الَّذِیْ که پشتیبانی کردی این تویی که أَيَّدْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ نَصَّرْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ شَفَّیْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ تأیید کردی این تویی که یاری کردی این تویی که شفا دادی این تویی که ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۱۱۶ عَافَيْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ أَكْرَمْتَ، تَبَارَكَتَ وَتَعَالَيْتَ، فَلَکَ الْحَمْدُ دَائِمًا، عَافِیْتَ دَادِیْ ای تویی که اکرام کردی بزرگی و برتری از تو است و ستایش همیشه مخصوص تو است وَلِمَکَ الشُّکْرُ وَاصِحَبًا أَیْدًا. ثُمَّ أَنَا یَا إِلَهَی الْمُعْتَرِفُ بِهَذَا نُوبِیْ و سپاسگزاری دائمی و جاوید از آن تو است و اما من ای معبودم کسی هستم که به گناهانم اعتراف دارم فَاعْفُوهَا لِیْ، أَنَا الَّذِیْ أَسِئْتُ، أَنَا الَّذِیْ أَخْطَأْتُ، أَنَا الَّذِیْ پَسَّ أَنْهَا رَا بِیَامَرْز و این منم که بد کردم این منم که خطا کردم این منم که (به بدی) هَمَمْتُ، أَنَا الَّذِیْ جَهَلْتُ، أَنَا الَّذِیْ غَفَلْتُ، أَنَا الَّذِیْ سَیْهَوْتُ، أَنَا الَّذِیْ هَمْتُ گماشتم این منم که نادانی کردم

گویانم معبودی جز تو نیست منزهی تو و اینی کُنْتُ مِنَ السَّائِلِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنْ أَسْفَلِ السَّمَوَاتِ جَزَاءً لِمَا كُنْتُ أَفْعَلُ مِنْ دُونِ مَا تُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ دَرَجَاتٍ سَعِيدَةٍ لِيُذَكِّرَ الَّذِينَ لَمْ يَرْجِعُوا إِلَى اللَّهِ أَنَّ اللَّهَ يُبْعَثُ رُسُلًا مِنْ دُونِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يُدْعَى عَلَيْهِ يَوْمَئِذٍ الْكَلْبُ

تو نیست منزهی تو و من از من المَسْبُوحِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمَكْرَبِينَ، تَسْبِيحُ گویانم معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از تکبیر (الله اکبر) گویانم لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ رَبِّي وَرَبُّ آبَائِي الْأَوَّلِينَ. اللَّهُمَّ هَذَا تَنَائِي مَعْبُودِي نِيسْت جِز تُو مَنزِهِي تُو پُروردگار من و پروردگار پدران پیشین من خدایا این است ستایش من عَلَيْكَ مُمَجِّدًا، وَإِخْلَاصِي لِذِكْرِكَ مُوَحِّدًا، وَإِقْرَارِي بِالْأَلْتِكَ بَر تُو دَر مَقَام تَمَجِيدَت و این است اخلاص من بذكر در مقام یکتاپرستیت و اقرار من به نعمتهایت ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۲۰ مَعْدَدًا، وَإِنْ كُنْتُ مُقَرًّا أُنِي لَمْ أُخْصِهْ بِهَا لِكَثْرَتِهَا وَسُبُوعِهَا، دَر مَقَام شَمَارِه أَنِهَا گَرچِه مَن اَقْرَار دَارم کِه أَنِهَا رَا نَتوانم بِشَمَارِه دَر آورم اَز بَسِياری أَنِهَا و فَرَاوانی و تَظَاهِرِهَا و تَقَادُّمِهَا اِلَى حَادِثٍ، مَا لَمْ تَزَلْ تَتَعَهَّدُنِي بِهٍ مَعَهَا مُنْذُ خَلَقْتَنِي و اَشْكَارِي أَنِهَا و پِيشی جُستَن أَنِهَا اَز زَمَان پِدايش مَن کِه هَمواره دَر اَن عَهْد مَرَا بوسيله اَن نَعْمَتِهَا ياد آوري مِي كَردي و بَر اُنْتِي مِّنْ أَوَّلِ الْعُمُرِ مِنَ الْإِغْنَاءِ مِنَ الْفَقْرِ، اَز اَن سَاعَت کِه مَرَا آفَرِيدِي و خَلَق كَردي اَز هَمَان اِبْتَدای عَمَر کِه اَز نَداری و فَقَر مَرَا بَه تَوانگَرِي دَر آوردي و كَشْفِ الضَّرِّ، وَتَسْبِيْبِ الْيُسْرِ، وَدَفْعِ الْعُسْرِ، وَتَفْرِيجِ الْكَرْبِ، و گَر فَنارِيم بَر طَرَف كَردي و اسباب آسایش مَرَا فَرَاهِم سَاخْتِي و سَخْتِي رَا دَفْع نَموده و اَندوه رَا زِدودي و اَلْعَافِيَه فِي الْبِدَنِ، و السَّلَامِيَه فِي الدِّينِ. و لَوْ رَفَعْتَنِي عَلٰى قَدْرٍ و تَم رَا تَندرست و دِينم رَا بَسالمت دَاشْتِي و اِگر يارِيم دَهَند بَه اَندازِه اَي ذِكْر نِعْمَتِكَ جَمِيعُ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، مَا قَدَّرْتُ كِه نَعْمَت رَا ذَكْر كَنم تَمَام جَهانِيان اَز اَوَلين و آخِرین نَه مَن قَدَرَت و لَا هُم عَلٰى ذَلِك. تَقَدَّسَتْ وَتَعَالَيْتَ مِنْ رَبِّ كَرِيم، عَظِيم ذَكْرش رَا دَارم نَه أَنِهَا مَنزِهِي تُو و بَر تَرِي اَز اِينکِه پُروردگاري هستي كَرِيم و بَرگ رَجِيم، لَا تُخْصِي آلَاؤُكَ، وَلَا يُبْلَغُ ثَنَاؤُكَ، وَلَا تُكَافَأُ نِعْمَاؤُكَ، و مَهْربان کِه مَهروزي هَايت بَه شَمَارِه دَر نيَايد و ستايشْت بَه آخِر نرسد و نَعْمَتِهايت رَا تَلافي نَتوان كَرد صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَتَمِّمْ عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ، وَ اَسْرِعْ دَنَا بِطَاعَتِكَ. دَرود فرست بر محمد و آل محمد و کامل گردان بر ما نعمتهایت را و بوسيله اطاعت خویش ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۲۱ سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ، سَعَادَتِ مَن دَمَان گَر دَان مَنزِهِي تُو مَعْبُودِي جِز تُو نِيسْت خدایا تُو يِي کِه اِجابَت كَنِي دَعَاي دَر مانده رَا و تَكْشِفُ الشُّوْءَ، وَ تُغِيْثُ الْمَكْرُوبَ، وَ تُشْفِي السَّقِيمَ، وَ تُغْنِي و بَر طَرَف كَنِي بَدِي رَا و فَرِيادِرسِي كَنِي اَز گَر فَنار و شفا دَهي بَه بِيمار و بِي نِياز كَنِي الْفَقِيرَ، وَ تَجْبِرُ الْكَسِيرَ، وَ تَزْحَمُ الصَّغِيرَ، وَ تُعِينُ الْكَبِيرَ، وَ لَيْسَ فَقِيرًا و مَرْمَت كَنِي شَكْسَتگِي رَا و رَحْم كَنِي بَه كُودك خَر دَسال و ياري دَهي بَه پير كَه نَسال و جِز تُو دُونَكَ ظَهِيرٌ، وَلَا فَوْقَكَ قَدِيرٌ، وَأَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ. يا مُطَلِّقِ پِشْتِيانِي نِيسْت و نَه فُوق (تَوانايِي) تُو تَوانايِي و تُو يِي و اَلاي بَرگ اَي رَها كَننده الْمَكْبَلِ الْأَسِيرِ، يا رازِقِ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ، يا عِضْمَةَ الْخَائِفِ اسير دَر كُند و زنجير اَي روزي دَهنده كُودك خَر دَسال اَي پناه شَخص تَر ساني الْمُسْتَحْجِرِ، يا مَنْ لا شَرِيكَ لَهُ وَلَا وَزِيرَ، صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ كِه پناه جويد اَي كِه شَرِيك و وزيرِي بَراي او نِيسْت دَرود فرست بر محمد و آل مُحَمَّدٍ، وَ اَعْطِنِي فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ، أَفْضَلَ ما اَعْطَيْتَ وَ اَنْلَتَ اَحَدًا مُحَمَّدًا و عطا كَن بَه مَن دَر اِن شام بَهرتَرين چيزِي رَا كِه عطا كَردي و دادِي بَه يَكِي مِّنْ عِبَادِكَ، مِّنْ نِّعْمَةٍ تُؤَلِّمُهَا، وَ اَلَاءٍ تُجَدِّدُهَا، وَ بَلِيَّةٍ تُصَيِّرُهَا، اَز بَنَدگانت چَه اَن نَعْمَتِي باشد كِه مِي بَخشي و يا احسانهايِي كِه تازِه كَنِي و بَلاهايِي كِه مِي گَر داني وَ كَرْبِيَه تَكْشِفُهَا، وَ دَعْوَه تَشْمَعُهَا، وَ حَسَنَه تَقْبَلُهَا، وَ سَيِّئَه و غم و اَندوهِي كِه بَر طَرَف كَنِي و دَعَايِي كِه اِجابَت كَنِي و كَار نِيكِي كِه پِذيري و گَناهانِي ادعِيه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۲۲ تَتَعَمَّدُهَا، إِنَّكَ لَطِيفٌ بِما تَشَاءُ حَبِيرٌ، وَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. كِه پِوشانِي كِه بَراسْتِي تُو بَهر چَه خَواهي دَقِيق و آگاهي و بَر هَر چيز تَوانايِي اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَقْرَبُ مَنْ دُعِيَ، وَ أَسْرِعُ مَنْ أُجِبَ، وَ أَكْرَمُ مَنْ عَفَا، خدایا تُو نَزديكترين كَسِي هستي كِه خَوانَدت و اَز هَر كَس زودتر اِجابَت كَنِي و دَر گَذشت اَز هَر كَس بَر گوار تَرِي وَ أَوْسَعُ مَنْ أَعْطَى وَ أَسْمَعُ مَنْ سُئِلَ، يا رَحْمَانُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ و دَر عطا بَخشي عطايت اَز هَمه و سِيعتَر و دَر اِجابَت دَرخواست اَز هَمه شِنواتَرِي اَي بَخشاينده دَنيا و آخِرَت وَ رَحِيمُهُما، لَيْسَ كَمِثْلِكَ مَسْؤُولٌ، وَلَا سِوَاكَ مَأْمُولٌ، دَعَوْتُكَ و مَهْربان اَن دُو بَراسْتِي كَسِي كِه مَانَدت تُو اَز او دَرخواست شُود نِيسْت و جِز تُو آرزو شُدِه اَي نِيسْت خَوانَدت فَأَجَبْتَنِي، وَ سَأَلْتُكَ فَأَعْطَيْتَنِي، وَ رَغَبْتُ إِلَيْكَ فَارْحَمْتَنِي، و تُو اِجابَت كَردي و دَرخواست كَردم و تُو عطا كَردي و بَه دَر گاه تُو مِيل كَردم و تُو مَرَا مَورِد مَهْر خَوِيش قَراردادي وَ وَثَّقْتُ بِكَ

أَجْمَعِينَ، وَ ذَخِيرَةَ أَيِّ كَرَامِي وَ آسَاسِي هِمِيشْكَی وَ بِيَامِرْزِ كِنَاهَانِ مَا رَا هَمْكَی وَ دَرِ وَ لَا تُهْلِكُنَا مَعَ الْهَالِكِينَ، وَ لَا تَصْرِفْ عَنَّا أُنْفَكَ وَ رَحْمَتَكَ، يَا أَرْحَمَ زَمْرِهِ هَلَاكَ شَدِّكَانِ بَدَسْتِ هَلَاكْتَمَانِ مَسْپَارِ وَ مَهْرِ وَ رَأْفَتِ رَا از ما باز مگردان ای مهربانترین الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مِمَّنْ سَأَلَكَ فَأَعْطَيْتَهُ، مَهْرَبَانانِ خدایا قرارمان ده در این وقت از آن کسانی که از تو درخواست کرده و بدیشان عطا فرموده‌ای ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۲۶ وَ شَكَرَكَ فَرِدْتَهُ، وَ تَابَ إِلَيْكَ فَقَبِلْتَهُ، وَ تَنَصَّلَ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِهِ وَ شَكَرَ تُو رَا بجا آورده و تونعمتت را بر آنها افزون کرده و بسویت بازگشته و تو پذیرفته‌ای و از گناهان بسوی تو بیرون آمده و کُلِّهَا فَغَفَرْتَهَا لَهُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. اللَّهُمَّ وَفَقْنَا وَ سَدِدْنَا تُو هَمِهِ رَا آمرزیده‌ای، ای صاحب جلال و بزرگواری خدایا ما را موفق و (در دین) محکمان گردان و اعصمنا و اقبل تضرعنا، یا خیر من سئل، و یا أرحم من وما را از گناه حفظ کن و تضرع و زاریمان بپذیر ای بهترین کسی که از او درخواست شود و ای مهربانترین استرحم، یا من لا يخفى عليه إغماض الجفون، و لا لحظ کسی که از او مهر خواهند ای که بر او پوشیده نیست بهم نهادن پلکهای چشم و نه بر هم خوردن العيون، و لا ما استقر في المكثون، و لا ما انطوت عليه مضمرات دیدگان و نه آنچه در مکنون ضمیر مستقر گردیده و نه آنچه در پرده دلها القلوب، ألا كل ذلك قد أحصاه علمك، و وسعته نهفته است آری تمام آنها را دانش تو شماره کرده و بردباریت همه حلمك، و تعاليت عما يقول الظالمون علواً كبيراً، را در بر گرفته است منزهی تو و برتری از آنچه ستمکاران گویند برتری بسیاری، تسبیح لك السماوات السبع، و الأرضون و من فيهن، و إن من تنزیه کنند تو را آسمانهای هفتگانه و زمینها و هر که در آنها است و چیزی نیست شیء إلا يسبح بحمدك، فللك الحمد و المجد، و علو الجد، یا ذَا جِزْ أَنْكَه بَه سَتَائِشِ تُو تَسْبِيحِ كَنْد پَس تُو رَا اسْتِئْشِ وَ بَزْرْگُواری وَ بَلَنْدِی رَتَبَه، ای صاحب ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۲۷ الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ، وَالْأَيَادِي الْجِسَامِ، وَأَنْتَ جَلالَتِ وَ بَزْرْگُواری وَ فَضْلِ وَ نَعْمَتِ بَخْشِی وَ مَوْهَبَتِهای بَزْرْگِ وَ تُوْبِی الْجِوَادِ الْكَرِيمِ، الرَّؤُوفِ الرَّحِيمِ. اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ بَخْشَنْدِه بَزْرْگُواری رُوُوفِ وَ مَهْرَبَانِ خدایا فراخ گردان بر من از روزی الحلال، و عافني في بدني و ديني، و آمن خوفي، و أعنت رقبتي حلال خود و عافیتم بخش در تن و هم در دینم و ترسم را امان بخش و از آتش دوزخ من النار. اللَّهُمَّ لا تمكز بي، و لا تسد تدرجي، و لا تخدعني، آزادم کن خدایا مرا به مکر خود دچار مساز و در غفلت تدریجی بسوی نابودی مبر و فرییم مده و ادرأ عني شر فسيقه الجن و الإنس. و شر تبهاران جن و انس را از من دور کن. آنگاه صورت را به سوی آسمان کرد، درحالی که از دیده‌های مبارکش اشک می‌ریخت، با صدای بلند عرضه می‌داشت: «يا أَسْمِعَ السَّامِعِينَ، و یا أَبْصِرَ النَّاطِرِينَ، و یا أَسْرِعَ الْحَاسِبِينَ، «ای شنواترین شنوندگان ای بیناترین بینایان و ای سریعترین حساب‌رسان و یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ السَّادَةِ وَ ای مهربانترین مهربانان درود فرست بر محمد و آل محمد آن آقایان ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۲۸ الْمَيَامِينَ، وَ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ حَاجَتِي الَّتِي إِنْ أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي فَرِخَنْدِه وَ از تو ای خدا درخواست کنم حاجتم را که اگر آنرا به من عطا کنی دیگر هر چه را از ما مَعْتَنِي، و إِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي، أَسْأَلُكَ فِكَاكَ مِنْ دَرِيغِ كُنِي زِيَانَمِ نَزَنْدِ وَ اگَر آنرا از من دریغ‌داری دیگر سودم‌دهد هر چه به من عطا کنی و آن این است که از تو خواهم رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَ خَدَكَ لا شَرِيكَ لَكَ، لَكَ مَرَا از آتش دوزخ آزاد گردانی معبودی جز تو نیست یگانه‌ای که شریک نداری از تو است الْمُلْكُ، وَ لَكَ الْحَمْدُ، وَ أَنْتَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، يَا رَبِّ يَا رَبِّ». فرمانروایی و از تو است ستایش و تویی که بر هر چیز توانایی ای پروردگار ای پروردگار. پس مکرر می‌گفت: يَا رَبِّ، و کسانی که دور آن حضرت بودند گوش به دعای آن حضرت فراداده، و به آمین گفتن اکتفا کرده بودند. و صدایشان همراه حضرت به گریه بلند شد تا آفتاب غروب کرد، آنگاه روانه به سوی مشعر الحرام شدند. سید بن طاووس در اقبال بعد از «يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ» نقل کرده، که حضرت در ادامه عرضه داشت: «إِلَهِي أَنَا الْفَقِيرُ فِي غِنَايَ فَكَيْفَ لا- أَكُونُ فَقِيرًا فِي فَقْرِي، «خدایا من چنانم که در حال توانگری هم فقیرم پس چگونه فقیر نباشم در حال تهیدستیم إلهي أَنَا الْجَاهِلُ فِي عِلْمِي فَكَيْفَ لا أَكُونُ جَهُولًا فِي جَهْلِي، خدایا من نادانم در عین دانشمندی پس چگونه نادان نباشم در عین نادانی ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۲۹ إلهي إِنَّ اخْتِلافَ تَدْبِيرِكَ، وَ سُرْعَةَ طَوَاءِ مَقَادِيرِكَ، مَنَعَا عِبَادَكَ خدایا براستی اختلاف تدبیر تو و

سرعت تحول و پیچیدن در تقدیرات تو جلوگیری کنند از بندگان العارفين بِحِكِّ عَنِ الشُّكُونِ إِلَى عَطَاءٍ، وَالْيَأْسِ مِنْكَ فِي بَلَاءٍ. عارف تو که به عطایت دل آرام و مطمئن باشند و در بلای تو مأیوس و ناامید شوند اِلَهِی مِی مَایَلِیْقُ بِلُؤْمِی، وَمِنْكَ مَا یَلِیْقُ بِکَرَمِکَ. اِلَهِی وَصِیْفَتُ خَدَايَا اَز مَن هَمَان سِرزَنَد کِه شایسته پستی مَن است و اَز تُو اِنْتِظَار رُوَد اَنچِه شایسته بزرگواری تُو است خدایا تُو خود رَا نَفْسِکَ بِاللُّطْفِ وَالرَّافَةِ لِي قَبْلَ وُجُوْدِ ضَعْفِي، اَفْتَمَنْعِنِي مِنْهُمَا بِه لطف و مهر به مَن تُو صیف فرمودی پیش از آنکه ناتوان باشم آیا پس از ناتوانیم لطف و مهرت بَعْدَ وُجُوْدِ ضَعْفِي، اِلَهِی اِنْ ظَهَرْتَ الْمَحَاسِنُ مِنْی فَبَفَضْلِكَ، رَا اَز مَن دَرِیغ می داری خدایا اگر کارهای نیک از مَن سرزند به فضل تُو بستگی دارد وَلَكِ الْمِنَّةُ عَلَيَّ، وَاِنْ ظَهَرْتَ الْمَسَاوِي مِنْی فَعِدْلُکَ، و تُو رَا مَنّی است بر مَن و اگر کارهای بد از مَن روی دهد آن هم بستگی به عدل تُو دارد وَلَكِ الْحُجَّةُ عَلَيَّ. اِلَهِی کَیْفَ تَکَلَّمْتَنِي وَ قَدْ تَکَفَّلْتَ لِي، وَ کَیْفَ اَضَامَ و تُو رَا بر مَن حجت است خدایا چگونه مرا و اَمی گذاری در صورتی که کفایتم کردی و چگونه مورد ستم واقع کردم وَأَنْتَ النَّاصِرُ لِي، اَمْ کَیْفَ اُخِيبُ وَأَنْتَ الْحَفِيُّ بِي، هَا اَنَا بَا اَیْنِکَ تُو یَاوَر مَنی یا چگونه ناامید کردم در صورتی که تُو نسبت به مَن مهربانی هم اکنون اَتَوَسَّلُ اِلَیْکَ بِفَقْرِي اِلَیْکَ، وَ کَیْفَ اَتَوَسَّلُ اِلَیْکَ بِمَا هُوَ مَحَالٌ بِه درگاه تُو توسل جویم بوسیله آن نیازی که به درگاهت دارم و چگونه توسل جویم بوسیله فقری که محال است ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۱۳۰ اَنْ یَصِلَ اِلَیْکَ، اَمْ کَیْفَ اَشْکُو اِلَیْکَ حَالِي وَ هُوَ لَا یَخْفِي عَلَیْکَ، پیرامون تُو راه یابد یا چگونه از حال خویش به درگاهت شکوه کنم با اینکه حال مَن بر تُو پنهان نیست یا اَمْ کَیْفَ اُتْرَجِمُ بِمَقَالِي، وَ هُوَ مِنْکَ بَرَزٌ اِلَیْکَ، اَمْ کَیْفَ تُخَيِّبُ اَمَالِي چگونه با زبان (قال) ترجمه حال خود کنم در صورتی که آنهم از پیش تُو بَرُوز کرده به نزد خودت یا چگونه آرزوهایم به نومییدی گراید وَ هِيَ قَدْ وَفَدَتْ اِلَیْکَ، اَمْ کَیْفَ لَا تُخَيِّرُنِي اَحْوَالِي وَ بِحِکِّ قَامَتْ بَا اَیْنِکَ به آستان تُو وارد شده یا چگونه احوالم را نیکو نکنی با اینکه احوال مَن به تُو قائم است یا اِلَهِی مَا اَلْطَفَکَ بِي مَعَ عَظِيمِ جَهْلِي وَمَا اَرْحَمَکَ بِي مَعَ قَبِيحِ خَدَايَا چِه اندازه به مَن لطف داری با این نادانی عظیم مَن و چقدر به مَن مهر داری با این کردار فعلی اِلَهِی مَا اَقْرَبَکَ مِنْی وَ قَدْ اَبْعَدْتَنِي عَنْکَ! وَمَا اَرْأَفَکَ بِي زِشْتِ مَن خدایا چقدر تُو به مَن نزدیکی و در مقابل چقدر مَن از تُو دورم و با اینهمه که تُو نسبت به مَن مهربانی فَهَ اَلَّذِي یَحْجُبُنِي عَنْکَ، اِلَهِی عَلِمْتُ بِاِخْتِلَافِ الْاَثَارِ، وَ تَنَقُّلَاتِ پَسِ اَن چيست که مرا از تُو محجوب دارد خدایا آن طوری که مَن از روی اختلاف آثار و تغییر و تحول الاطوار، اَنْ مُرَادَکَ مِنْی اَنْ تَتَعَرَّفَ اِلَیَّ فِي کُلِّ شَیْءٍ، حَتَّى اَطْوَارِ بَدَسْتِ اَوْرَدَهَامِ مَقْصُوْدِ تُو اَز مَن اَنَسْتِ که خود را در هر چیزی (جداگانه) به مَن بشناسانی تا مَن در هیچ چیزی لَا اُجْهَلُکَ فِي شَیْءٍ. اِلَهِی کَلَّمَا اَخْرَسْتَنِي لُؤْمِي اَنْطَقْتَنِي کَرَمُکَ، نَسَبْتِ بِه تُو جاهل نباشم خدایا هر اندازه پستی مَن زبانم را لال می کند کرم تُو آنرا گویا می کند وَ کَلَّمَا اَیَسَّتَنِي اَوْصَافِي اَطْمَعْنِي مِنْکَ. اِلَهِی مَن کَانَتْ وَ هَرِ اِنْدَاذِه اَوْصَافِ مَن مَرَا مَایُوسِ می کند نعمتهای تُو به طمعم اندازد خدایا آنکس که ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۱۳۱ مَحَاسِنُهُ مَسَاوِي فَکَیْفَ لَا تَکُونُ مَسَاوِيهِ مَسَاوِي، وَمَنْ کَانَتْ کَارِهَای خوبش کار بد باشد پس چگونه کار بدش بد نباشد و آنکس که حَقَائِقُهُ دَعَاوِي، فَکَیْفَ لَا تَکُونُ دَعَاوِيهِ دَعَاوِي، اِلَهِی حُكْمُکَ حَقِیْقَتِ گویی هایش ادعایی بیش نباشد پس چگونه ادعاهایش ادعا نباشد خدایا فرمان النَّافِذُ وَمَسِيَّتُکَ الْقَاهِرَةُ لَمْ یَبْرُکَا لِذِي مَقَالٍ مَقَالًا، وَلَا لِذِي حَالٍ نَافِذٌ وَ مَشِیْتِ قَاهِرَتِ بَرَا بَرَا بَرَا هِیچ گوینده‌ای فرصت گفتار نگذارد و برای هیچ صاحب حالی حَالًا. اِلَهِی کَمَ مِنْ طَاعِيَةٍ بَنِيْتَهَا، وَ حَالَتُهَا شَدِيدَتُهَا، هِدَمَ اِعْتِمَادِي حَسِّ و حَالِ بِه جای نهد خدایا چه بسیار طاعتی که (پیش خود) پایه گذاری کردم و چه بسیار حالتی که بنیادش کردم ولی (یاد) عَلَیْهَا عَدْلُکَ، بَلْ اَقَالِنِي مِنْهَا فَضْلُکَ. اِلَهِی اِنْکَ تَعْلَمُ اَنی وَاِنْ عَدَلْتُ تُو اِعْتِمَادِي رَا کِه بر آنها داشتم یکسره فروریخت بلکه فضل تُو نیز اعتمادم را بهم زد خدایا تُو می دانی که اگر چه لَمْ تَدَمْ الطَّاعِيَةُ مِنْی فَعَلًّا جَزْمًا فَقَدْ دَامَتْ مَحَبَّةً وَ عَزْمًا. اِلَهِی طَاعَتِ تُو در مَن بصورت کاری مثبت ادامه ندارد ولی دوستی و تصمیم بر انجام آن در مَن ادامه دارد خدایا کَیْفَ اَعَزَمْتُ وَاَنْتَ الْقَاهِرُ، وَ کَیْفَ لَا اَعَزِمُ وَاَنْتَ الْاَمْرُ، اِلَهِی تَرُدُّدِي چگونه تصمیم گیرم در صورتی که تحت قهر توام و چگونه تصمیم نگیرم با اینکه تُو دستورم دهی خدایا تفکر (یا گردش) مَن فِي الْاَثَارِ یُوجِبُ بَعْدَ الْمَزَارِ، فَاجْمَعْنِي عَلَیْکَ بِخِدْمَةٍ در آثار تُو راه مرا به دیدارت دور سازد پس کردار مرا با خودت بوسیله خدمتی که مرا تُوَصَّیْتَنِي اِلَیْکَ، کَیْفَ یَسْتَدَلُّ

عَلَيْكَ بِمَا هُوَ فِي وُجُودِهِ مُفْتَقِرٌ به تو برساند چگونه استدلال شود بر وجود تو به چیزی که خود آن موجود در هستیش نیازمند ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۱۳۲ اِلَيْكَ، اَيْكُونُ لِغَيْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ حَتَّى يَكُونَ هُوَ به تو است و آیا اساساً برای ما سوای تو ظهوری هست که در تو نباشد تا آن الْمُظْهَرِ لَكَ، مَتَى غَبَّتْ حَتَّى تَحْتَاجَ اِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ، وَ مَتَى وَسِيلَهُ ظُهُورُ تُوْ كَرَدَدِ تُوْ كِي پنهان شده‌ای تا محتاج بدلیلی باشی که به تو راهنمایی کند و چه وقت بَعُدَتْ حَتَّى تَكُونَ الْاَثَارُ هِيَ الَّتِي تُوصِلُ اِلَيْكَ، عَمِيَتْ عَيْنٌ دور مانده‌ای تا آثار تو ما را به تو واصل گرداند کور است آن چشمی که لا تَرَكَ عَلَيْهَا رَقِيْبًا، وَ خَسِرَتْ صَفْقَةً عِنْدَ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ تُوْ را نبیند که مراقب او هستی و زیان کار باد سودای آن بنده که از محبت خویش به او حَبِيْبَكَ نَصَبًا. اِلٰهِي اَمْرَتُ بِالرُّجُوعِ اِلَى الْاَثَارِ، فَاَرْجِعْنِي اِلَيْكَ بِكِسْوَةٍ بِهَرِه‌ای ندادی خدایا فرمان دادی که به آثار تو رجوع کنم پس بازم گردان بسوی خود (پس از مراجعه به آثار) به پوششی اَلْمَانُوْرَ، وَ هِدَايَةَ الْاَسِيْبِيْبَصَارِ، حَتَّى اَرْجِعَ اِلَيْكَ مِنْهَا كَمَا دَخَلْتُ اَزْ اَنْوَارِ وَ رَاهِنَمَائِي وَ اَزْ بِيْنَشِ جُوئِي تَا بازگردم بسویت پس از دیدن آثار هم چنانکه آمدم اِلَيْكَ مِنْهَا، مَصُوْنٌ السِّرِّ عَنِ النَّظْرِ اِلَيْهَا، وَ مَرْفُوْعٌ اَلْهَمِّهٖ بِسُوِيْتِ اَزْ اَنْهَآ كِهْ نِهَادِم اَزْ نَظْرِ بَهْ اَنْهَآ مَصُوْنٌ مَانَدَهٗ وَ هَمْتَم رَا اَزْ عَنِ الْاِعْتِمَادِ عَلَيْهَا، اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ عَقْدِيْرٌ. اِلٰهِي هَذَا لِيْ ظَاهِرٌ اِعْتِمَادِ بَدَانِهَآ بَرَدَاشْتَهٗ بَاشْم كِهْ بَرَاَسْتِي تُوْ بَرْ هَرْ چِيْزِ تُوَانَائِي خَدَايَا اِيْنِ خُوَارِي مِنْ اَسْتِ كِهْ پِيْشِ رُوِيْتِ بِيْنِ يَدِيْكَ، وَ هَذَا حَالِي لَا يَخْفِيْ عَلَيْكَ، مِنْكَ اَطْلُبُ الْوُضُوْلَ عِيَانِ وَ اَشْكَارِ اَسْتِ وَ اِيْنِ حَالِ (تباه) مِنْ اَسْتِ كِهْ بَرْ تُوْ پُوْشِيْدَهٗ نِيْسْتِ اَزْ تُوْ خُوَاْهَم كِهْ مَرَا بَهْ خُوْدِ اَدْعِيَهٗ وَ اَدَابِ مَكَّهٗ مَكْرَمَهٗ، ص: ۱۳۳ اِلَيْكَ، وَ بِكَ اَسْتَدِلُّ عَلَيْكَ، فَاهْدِنِي بُنُوْرَكَ اِلَيْكَ، وَ اَقْمِنِي بَرَسَانِي وَ بُوْسِيْلَهٗ ذَاتِ تُوْ بَرْ تُوْ دَلِيْلِ مِيْ جُوِيْمِ پَسِ بَهْ نُوْرِ خُوْدِ مَرَا بَرْ ذَاتِ رَاهِنَمَائِي فَرَمَا وَ بَهْ يَادْ اَرْ مَرَا بِصِدْقِ الْعُبُوْدِيَّهٖ بِيْنِ يَدِيْكَ. اِلٰهِي عَلَّمْنِي مِنْ عِلْمِكَ الْمَخْرُوْنَ، بَا بِنْدَگِيْ صَادِقَانَهٗ دَرْ پِيْشِ رُوِيْتِ خَدَايَا بِيَامُوْزِ بَهْ مِنْ اَزْ دَانَشِ مَخْرُوْنَتِ وَ صِدِيْقِيْ بَسْتَرِكَ الْمَصُوْنِ. اِلٰهِي حَقِيْقِيْ بِحَقَائِقِ اَهْلِ الْقُرْبِ، وَ مَحْفُوْظِمِ دَارِ بَهْ پَرْدَهٗ مَصُوْنَتِ خَدَايَا مَرَا بَهْ حَقَائِقِ نَزْدِيْكَانِ دَرْ گَاهْتِ بِيَارِيْ وَ اَسِيْلُكَ بِيْ مَسِيْلِكَ اَهْلِ الْجَزْبِ. اِلٰهِي اَغْنِنِيْ بِتَدْبِيْرِكَ لِيْ عَنِّ وَ بَهْ رَاهِ اَهْلِ جَزْبَهٗ وَ شَوْقْتِ بِيْرِ خَدَايَا بِيْ نِيَاْزِ كُنْ مَرَا بَهْ تَدْبِيْرِ خُوْدَتِ دَرْ بَارَهَامِ اَزْ تَدْبِيْرِيْ، وَ بِاِخْتِيَارِكَ عَنِ اِخْتِيَارِيْ، وَ اَوْقْفِنِيْ عَلٰى مَرَاكِزِ تَدْبِيْرِ خُوْدِمِ وَ بَهْ اِخْتِيَارِ خُوْدَتِ اَزْ اِخْتِيَارِ خُوْدِمِ وَ بَرْ جَاهَايِ بِيْجَارِگِيْ وَ دَرْمَانْدَگِيْ اِمِ اضْطِرَارِيْ. اِلٰهِي اَخْرِجْنِيْ مِنْ ذُلِّ نَفْسِيْ، وَ طَهِّرْنِيْ مِنْ شَكِيْ مَرَا وَاَقْفِ گَرْدَانِ خَدَايَا مَرَا اَزْ خُوَارِيْ نَفْسِمِ نَجَاتِ دَهٗ وَ پَاكَمِ كُنْ اَزْ شَكِّ وَ شَتْرَكِيْ قَبْلَ حُلُوْلِ رَمِيَّتِيْ، بِكَ اَنْتَصِرُ فَاَنْصِرْ رَنِيْ، وَ عَلَيْكَ وَ شَرِكَ خُوْدِمِ پِيْشِ اَزْ اَنْكَهٗ دَاخِلِ گُوْرَمِ گَرْدَمِ بَهْ تُوْ يَارِيْ جُوِيْمِ پَسِ تُوْ هَمِ يَارِيْمِ كُنْ وَ بَرْ تُوْ اَتُوْ كُلُّ فَلَآ تَكْلِنِيْ، وَ اِيَّاكَ اَسْأَلُ فَلَآ تُخَيِّبْنِيْ، وَ فِيْ فَضْلِكَ تُوْ كَلِ كُنْمِ پَسِ مَرَا وَ اَمْگِنْدَارِ وَ اَزْ تُوْ دَرْخُوَاْسْتِ كُنْمِ پَسِ نَاْمِيْدَمِ مَگَرْدَانِ وَ دَرْ فَضْلِ تُوْ اَرْعَبُ فَلَآ تَحْرِمْنِيْ، وَ بِجَنَابِكَ اَنْتَسِبُ فَلَآ تُبْعِدْنِيْ، وَ بِبَابِكَ رَغْبَتِ كَرْدَهَامِ پَسِ مَحْرُوْمَمِ مَفْرَمَا وَ بَهْ حَضْرَتِ تُوْ خُوْدِ رَا بَسْتَهَامِ پَسِ دُوْرَمِ مَكْنِ وَ بَهْ دَرْ گَاهِ تُوْ اَدْعِيَهٗ وَ اَدَابِ مَكَّهٗ مَكْرَمَهٗ، ص: ۱۳۴ اَيْفُ فَلَآ تَطْرُدْنِيْ. اِلٰهِي تَقَدَّسَ رِضَاكَ اَنْ تَكُوْنَ لَهُ عَلَهُ مِنْكَ، اَيْسْتَادَهَامِ پَسِ طَرْدَمِ مَكْنِ خَدَايَا مَبْرَا اَسْتِ خُوْشَنُوْدِيْ تُوْ اَزْ اِيْنْكَهٗ عِلْتِ وَ سَبِيْبِيْ اَزْ جَانِبِ تُوْ دَاشْتَهٗ بَاشْدِ فَكَيْفَ يَكُوْنُ لَهُ عَلَهُ مِيْنِيْ، اِلٰهِي اَنْتَ الْغَنِيُّ بِذَاتِكَ اَنْ يَصِلَ پَسِ چَگُوْنَهٗ مَمْكِنِ اَسْتِ مِنْ سَبَبِ اَنِ گَرْدَمِ خَدَايَا تُوْ بَهْ ذَاتِ خُوْدِ بِيْ نِيَاْزِيْ اَزْ اِيْنْكَهٗ اِلَيْكَ النَّفْعُ مِنْكَ، فَكَيْفَ لَا تَكُوْنَ غَيْبًا عَنِّيْ، اِلٰهِي اِنَّ الْقَضَاءَ سُوْدِيْ اَزْ جَانِبِ خُوْدَتِ بَهْ تُوْ بَرَسْدِ پَسِ چَگُوْنَهٗ اَزْ مَنْ بِيْ نِيَاْزِ نَبَاشِيْ خَدَايَا بَرَاَسْتِي قَضَا وَ الْقَدْرَ يَمِيْنِيْ، وَ اِنَّ الْهُوِيْ بُوْتَاثِقِ الشَّهْوَةِ اَسِيْرِنِيْ، فَكُنْ اَنْتَ وَ قَدْرُ مَرَا اَرْزُوْمَنْدِ مِيْ كُنَنْدِ وَ اَزْ اَنِ سُوْ هُوَايِ نَفْسِ مَرَا بَهْ بِنْدَهَايِ شَهْوَتِ اَسِيْرِ كَرْدَهٗ پَسِ تُوْ النَّصِيْرَةَ يَرِيْ، حَتَّى تَنْصِيْرَنِيْ وَ تُبْصِرَنِيْ، وَ اَغْنِنِيْ بِفَضْلِكَ حَتَّى يَاوُرَ مِنْ بَاشِ تَا پِيْرُوْزَمِ كُنِيْ وَ بِيْنَايِمِ كُنِيْ وَ بُوْسِيْلَهٗ فَضْلِ خُوِيْشِ بِيْ نِيَاْزِ گَرْدَانِيْ تَا اَسْتَيْغِيْ بِحُكِّ عَنِّ طَلْبِيْ، اَنْتَ الَّذِيْ اَشْرَقْتَ الْاَنْوَارَ فِيْ قُلُوْبِ بُوْسِيْلَهٗ تُوْ اَزْ طَلْبِ كَرْدَنِ بِيْ نِيَاْزِ شُوْمِ تُوئِيْ كِهْ تَابَانْدِيْ اَنْوَارِ (مَعْرِفَتِ) رَا دَرِ دَلِ اَوْلِيَايِكَ حَتَّى عَرَفُوْكَ وَ وَحَدُوْكَ، وَ اَنْتَ الَّذِيْ اَزَلْتَ الْاَغْيَارَ اَوْلِيَايَاتِ تَا اِيْنْكَهٗ تُوْ رَا شَنَاخْتَنْدِ وَ يَگَاْنَهَاتِ دَانَسْتَنْدِ وَ تُوئِيْ كِهْ اَغْيَارِ وَ بِيْگَاْنِگَانِ رَا عَنِّ قُلُوْبِ اَحْبَائِكَ حَتَّى لَمْ يُجِبُوْا سُوَاكَ، وَ لَمْ يَلْجَأُوْا اِلَى اَزْ دَلِ دُوْسْتَانَتِ بَرَاَنْدِيْ تَا اِيْنْكَهٗ كَسِيْ رَا جَزِ تُوْ دُوْسْتِ نَدَاشْتَهٗ وَ بَهْ غَيْرِ تُوْ پَنَاهَنْدَهٗ وَ غَيْرِكَ، اَنْتَ الْمُؤْنِسُ لَهُمْ حَيْثُ اَوْحَشْتَهُمُ الْعَوَالِمَ، وَ اَنْتَ الَّذِيْ مَلْتَجِيْ نَشُوْنْدِ وَ تُوئِيْ مُوْنَسِ اَيْشَانِ دَرْ اَنْجَا كِهْ عُوَالِمِ جُوْدِ اَنْهَآ رَا بَهْ وَحَشْتِ اَنْدَاْزْدِ وَ تُوئِيْ كِهْ اَدْعِيَهٗ وَ اَدَابِ مَكَّهٗ مَكْرَمَهٗ، ص: ۱۳۵ هَدَيْتَهُمْ حَيْثُ اسْتَبَانَتْ لَهُمْ

الْمَعَالِمِ. يَا إِلَهِي مَاذَا وَجَدَ مَنْ قَدَدَكَ؟ راهنمایشان کنی آنگاه که نشانه‌ها برایشان آشکار گردد چه دارد آنکس که تو را گم کرده؟ و چه وما الَّذِي قَدَدَ مَنْ وَجَدَكَ؟ لَقَدْ خَابَ مَنْ رَضِيَ دُونَكَ بَدَلًا، وَلَقَدْ نَدَّارَ أَنْكَسَ كَمَا تَوَرَّأَ يَافِتَهُ اسْتِ بَرَأْسِي مَحْرُومَ اسْتِ أَنْكَسَ كَمَا بَجَايَ تَوَ بَدِيغَرِي رَاضِي شُود وَ بَطُورَ حَتْمِ خَسِرَ مَنْ بَغِيَ عَنكَ مَتَحَوَّلًا، كَيْفَ يُرْجَى سِوَاكَ وَأَنْتَ مَا زِيَانِكَارَ اسْتِ كَسِي كَمَا از تُو بَه دِيغَرِي رُوي كِنْد چَسَان مِي شُود بَغِيَر تُو اَمِيْدُوَار بُوْد دَر صُورْتِي كَمَا تُو قَطَعْتَ الْإِحْسَانَ، وَكَيْفَ يُطَلَّبُ مِنْ غَيْرِكَ وَأَنْتَ مَا يَدُلُّ عَادَةَ إِحْسَانَتِ رَا قَطْعَ نَكْرَدِي وَ چِگونِه از غِيَر تُو مِي تُوَان طَلَبَ كَرْدَ بَا اِيْنَكِه تُو تَغْيِيَر نَدَادِهْ اِي شِيُوِه الْاِمْتِنَانِ، يَا مَنْ أذَاقَ أَحْبَاءَهُ حَلَاوَةَ الْمُؤَانَسَةِ، فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ عَطَابَخَشِيَتِ رَا اِي خَدَائِي كَمَا بَه دُوسْتَانَتِ شِيَرِيْنِي هَمْدَمِي خُود رَا چِشَانْدِي وَ اَنهَا دَر بَرَابَرَتِ مَتَمَلِّقِيْنَ، وَيَا مَنْ أَلْبَسَ أَوْلِيَاءَهُ مَلَابِسَ هَيْبَتِهِ، فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ بَه چَاپَلُوسِي بَرخَاسْتَنْد وَ اِي خَدَائِي كَمَا پُوشَانْدِي بَر اَوْلِيَاءِ خُودَتِ خَلْعَتِهْ اِي هَيْبَتِ خُود رَا پَس اَنهَا دَر بَرَابَرَتِ مُسْتَغْفِرِيْنَ. أَنْتَ الدَّاكِرُ قَبْلَ الدَّاكِرِيْنَ، وَأَنْتَ الْبَادِي بِالْإِحْسَانِ بَه اَمْرُشِ خُوَهي پَا خُوَاسْتَنْد تُوئِي كَمَا يَاد كُنِي پِيَش از اَنَكِه يَاد كِنْد گَان يَادَت كِنْد وَ تُوئِي اَغَازَنْدِه بَه اِحْسَانِ قَبْلَ تَوَجُّهِ الْعَابِدِيْنَ، وَأَنْتَ الْجَوَادُ بِالْعَطَاءِ قَبْلَ طَلَبِ الطَّالِبِيْنَ، قَبْلَ از اَنَكِه پَرَسْتَش كِنْد گَان بَسُوِيَت تُوْجِه كِنْد وَ تُوئِي بَخِشْنَدِه عَطَا پِيَش از اَنَكِه خُوَاهِنْد گَان از تُو خُوَاهِنْد وَأَنْتَ الْوَهَّابُ ثُمَّ لَمَّا وَهَبْتَ لَنَا مِنَ الْمُسْتَفْرِضِيْنَ. إِلَهِي وَ تُوئِي پَر بَخِشْش وَ سِپَس هَمَان رَا كَمَا بَه مَا بَخِشِيْدِهْ اِي از مَا بَه قَرَضِ مِي خُوَهي خَدَايَا اِدْعِيَه وَ آدَابِ مَكّه مَكْرَمَه، ص: ۱۳۶ اَطْلُبْنِي بِرَحْمَتِكَ حَتَّى أَصِلَ إِلَيْكَ، وَاجِدْنِي بِمَنْكَ حَتَّى أُقْبَلَ مَرَا بُوَسِيْلَه رَحْمَتِ طَلَبِ تَا مَن بَه نَعْمَتِ وَصَالَتِ نَائِلِ گَرْدَم وَ بُوَسِيْلَه نَعْمَتِ مَرَا جَذْبِ كُن تَا بَه تُو عَلَيْكَ. إِلَهِي اِنْ رَجَائِي لَا يَنْقَطِعُ عَنْكَ وَإِنْ عَصَيْتُكَ، كَمَا أَنْ رُو كِنْم خَدَايَا بَرَأْسِي اَمِيْدِ مَن از تُو قَطْعَ نَكْرَدَد وَ اِگَر چِه نَا فَرْمَانِيَتِ كِنْم چِنَا نَكِه خُوفِي لَا يُزَايِلُنِي وَإِنْ أَطَعْتُكَ، فَقَدْ دَفَعْتَنِي الْعَوَالِمَ إِلَيْكَ، وَقَدْ تَرَسَمَ وَ از تُو زَائِلِ نَشُود وَ گَر چِه فَرْمَانَتِ بَرَم هَمَانَا جَهَانِيَانِ مَرَا بَسُوِي تُو رَا نَدِهْ اِنْد وَ اَنْ اَوْقَعْنِي عَلْمِي بِكَرْمَتِكَ عَلَيْكَ. إِلَهِي كَيْفَ أَحْيَيْتَ وَأَنْتَ أَمَلِي، عَلْمِي كَمَا بَه كَرَمِ تُو دَارَم مَرَا بَه دَر گَاه تُو آوَرْدِه خَدَايَا چِگونِه نُوْمِيْدِ شُوم وَ تُو اَرزُوي مَنِي اَمْ كَيْفَ أَهَانَ وَعَلَيْكَ مُتَكَلِّي، إِلَهِي كَيْفَ اسْتَعَزَّ وَفِي الدَّلَّةِ وَ چِگونِه پَسْتِ وَخُوارِ شُوم بَا اِيْنَكِه اِعْتِمَادِ مَر تُو اسْتِ خَدَايَا چِگونِه عَزتِ جُوِيْم بَا اِيْنَكِه دَر خُوَاري اَرْكَزْتِي، اَمْ كَيْفَ لَا اسْتَعَزَّوْ إِلَيْكَ نَسَبْتِي، إِلَهِي كَيْفَ لَا اَفْتَقَرُّ جَايِمِ دَادِي وَ چِگونِه عَزتِ نَجُوِيْم بَا اِيْنَكِه بَه خُودِ مُنْتَسَبِمِ كَرْدِي خَدَايَا چِگونِه نِيَا زَمِنْدِ نَبَاشَم وَأَنْتَ الَّذِي فِي الْفَقْرَاءِ اَقَمْتَنِي، اَمْ كَيْفَ اَفْتَقَرُّ وَأَنْتَ الَّذِي بِجُودِكَ بَا اِيْنَكِه تُو دَر نِيَا زَمِنْدَانِمِ جَايِ دَادِي يَا چِگونِه نِيَا زَمِنْدِ بَاشَم وَ تُوئِي كَمَا بَه جُودِ اَعْنَيْتَنِي، وَأَنْتَ الَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُكَ تَعَرَّفْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ وَ بَخِشْشَتِ بِي نِيَا زَمِ كَرْدِي وَ تُوئِي كَمَا مَعْبُودِي جَزِ تُو نِيَسْتِ شِنَاسَانْدِي خُودِ رَا بَه هَر چِيْزِ فَمَا جَهَلَكِ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الَّذِي تَعَرَّفْتَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ، وَ هِيْجِ چِيْزِي نِيَسْتِ كَمَا تُو رَا نَشَاسَدِ وَ تُوئِي كَمَا شِنَاسَانْدِي خُودِ رَا بَه مَن دَر هَر چِيْزِ اِدْعِيَه وَ آدَابِ مَكّه مَكْرَمَه، ص: ۱۳۷ فَرَأَيْتَكَ ظَاهِرًا فِي كُلِّ شَيْءٍ، وَأَنْتَ الظَّاهِرُ لِكُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ وَ مَن تُو رَا اَشْكَارَ دَر هَر چِيْزِ دِيْدَمِ وَ تُوئِي اَشْكَارَ بَر هَر چِيْزِ اِي كَمَا اسْتِيُوِي بِرَحْمَاتِيْتِهْ فَصَارَ الْعَرْشُ غَيْبًا فِي ذَاتِهِ، مَحَقَّتْ اَلْآثَارَ بُوَسِيْلَه مَقَامِ رَحْمَانِيَتِ خُودِ (بَر هَمِه چِيْزِ) اِحَاطَه كَرْدِي وَ عَرَشِ دَر ذَاتِشِ پَنهَانِ شَد تُوئِي كَمَا اَثَارَ رَا بَه بِالْآثَارِ، وَ مَحْوَتِ الْاَغْيَارِ بِمُحِيْطَاتِ اَفْلَاكِ الْاَنْوَارِ، يَا مَنْ اَثَارِ نَابُودِ كَرْدِي وَ اَغْيَارَ رَا بَه اِحَاطَه كِنْدِهْ اِي اَفْلَاكِ اَنْوَارِ مَحُو كَرْدِي اِي كَمَا اِخْتَجَبَ فِي سُرَادِقَاتِ عَرْشِهِ عَنْ أَنْ تُدْرِكَهُ الْاَبْصَارُ، يَا مَنْ دَر سَرَاپَرْدِهْ اِي عَرَشِشِ مَحْتَجَبِ شَد از اِيْنَكِه دِيْدِهْ اُو رَا دَر كِ كِنْد اِي كَمَا تَجَلَّى بِكَمَالِ بَهَائِهِ، فَتَحَقَّقَتْ عَظَمَتُهُ الْاَسْتِيَوَاءَ، كَيْفَ تَخْفَى تَجَلِّي كَرْدِي بَه كَمَالِ زِيْبَائِي وَ نُوْرَانِيَتِ وَ پَا بَر جَا شَد عَظَمَتِشِ از اسْتُوَارِي چِگونِه پَنهَانِ شُوي وَأَنْتَ الظَّاهِرُ، اَمْ كَيْفَ تَغِيْبُ وَأَنْتَ الرَّقِيْبُ الْحَاضِرُ، اِنَّكَ عَلَيَّ بَا اِيْنَكِه تُو اَشْكَارِي يَا چِگونِه غَايِبِ شُوي كَمَا تُو نَكْهَبَانِ وَ حَاضِرِي بَرَأْسِي تُو بَر كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٍ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ. هَر چِيْزِ تُوَانَائِي وَ سَتَايِشِ تَنهَا مَخْصُوصِ خَدَا اسْتِ.»

دعای امام سجّاد (ع) در روز عرفه

دعای امام سجّاد علیه السلام در روز عرفه «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ لِمَكَ الْحَمْدُ يَدِيْعُ السَّمَاوَاتِ «سپاس خداوند را که

پروردگار جهانیان است، خداوند اسپاس ترا ای آفریننده آسمانها ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۱۳۸ وَالْأَرْضِ، ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، رَبِّ الْأَرْبَابِ، وَإِلَهُ كُلِّ مَيْلُوهٖ، وَزَمِينِ، وَ اِی صَاحِبِ بزرگی و کرم پرورنده پروردگان، و معبود هر پرستنده، وَخَالِقِ كُلِّ مَخْلُوقٍ، وَوَارِثِ كُلِّ شَیْءٍ، لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْءٌ، وَ وَ افریننده هر آفریده، و وارث هر چیز، نیست مانند او چیزی، و پوشیده لایعزبُ عَنْهُ عَلِمُ شَیْءٍ، وَهُوَ بِکُلِّ شَیْءٍ مُّحِیْطٌ، وَهُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ نَمِی باشد از او دانش چیزی و او است هر چیزی را فرا گیرنده، و او است بر هر شَیْءٍ رَقِیْبٌ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَحَدُ الْمُتَوَحَّدُ، الْفَرْدُ چِزِی نَگهبان، توئی خدایی که نیست معبودی جز تو، که یکی و یگانه‌ای، یکتا الْمُتَفَرَّدُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْکَرِیْمُ الْمُتَكَرَّمُ، الْعَظِیْمُ وَ بی‌همتایی، و تویی خدایی که نیست معبودی غیر تو، کریمی در نهایت کرامت عظیمی الْمُتَعَزِّزُ، الْکَبِیْرُ الْمُتَكَبِّرُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْعَلِیُّ در نهایت عظمت بزرگواری بمنتها کبریائی و توئی خداوند و معبودی جز تو نیست و بلندتر الْمُتَعَالِ، الشَّدِیْدُ الْمُحَالِ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الرَّحْمَنُ وَ برتری از هر چیز و بغایت توانائی و توئی خداوند نیست معبودی جز تو که بخشاینده الرَّحِیْمُ، الْعَلِیْمُ الْحَکِیْمُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، السَّمِیْعُ وَ مهربان و دانا و حکیمی و توئی خداوند نیست معبودی غیر تو که شنوا الْبَصِیْرُ، الْقَدِیْمُ الْحَبِیْرُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْکَرِیْمُ الْمَأْکُرُ، وَ بینائی همیشه بوده و بر همه چیز آگاهی و توئی خداوند نیست خدائی غیر تو کریمی و کرم ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۱۳۹ الدَّائِمُ الْأَدْوَمُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَوَّلُ قَبْلَ کُلِّ أَحَدٍ، بی‌پایان پیوسته پایداری و توئی خداوند و معبودی جز تو نیست در آغاز بودی و پیش از هر کس وَالْآخِرُ بَعْدَ کُلِّ عَدَدٍ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الدَّانِی فِی عُلُوِّهِ، وَ در انجام باشی پس از هر چیز و توئی خداوند نیست خدائی غیر از تو که نزدیکی وَالْعَالِی فِی دُنُوِّهِ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، ذُو الْبَهَاءِ وَالْمَجِیْدِ، با وجود بلندیت و بلندمقامی با وجود نزدیکی و توئی خداوند نیست معبودی غیر تو که صاحب فَزِّ وَالْکِبْرِیَاءِ وَالْحَمْدِ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الَّذِی أَنْشَأْتَ وَ شکوه و عظمتی و سزاوار سپاسی و توئی خداوند نیست معبودی غیر تو، آنی که الْأَشْیَاءَ مِنْ غَیْرِ سَبْخٍ، وَصَوَّرْتَ مَا صَوَّرْتَ مِنْ غَیْرِ مِثَالٍ، آفریدی همه چیز را بدون ماده و نگاشتی آنچه نگاشتی بدون وَابْتَدَعْتَ الْمُتَبَدِّعَاتِ بِلَا اِخْتِدَاءٍ، أَنْتَ الَّذِی قَدَّرْتَ کُلَّ شَیْءٍ نَمُونِه و پدید آوردی پدیده‌ها را بدون رنگ آمیزی و طرحی توئی که مقرر نمودی هر تقدیراً، وَیَسَّرْتَ کُلَّ شَیْءٍ تَیْسِیراً، وَدَبَّرْتَ مَا دُونَكَ تَدْبِیْرًا، چیزی را اندازه‌ای و آماده ساختی هر چیزی را به آسانی و تدبیر نمودی ماسوی أَنْتَ الَّذِی لَمْ یُعْنِکَ عَلٰی خَلْقِکَ شَرِیْکٌ، وَ لَمْ یُوَازِرْکَ فِی رَا «بحکمت خود» توئی که یاریت نکرده در امر آفرینش احدی و مدد نموده ترا اَمْرَکَ وَ زَیْرُکَ، وَ لَمْ یَکُنْ لَکَ مُشَاهِدٌ وَلَا نَظِیْرٌ، أَنْتَ الَّذِی أَرَدْتَ در کار تو مددکاری و نبود «آفرینش» ترا تماشاگری و نه مانندی توئی آنکه ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۱۴۰ فَکَانَ حَتْمًا مَا أَرَدْتَ، وَقَضَیْتَ فَکَانَ عَدْلًا مَا قَضَیْتَ، خواستی و شد هر چه خواستی و حکم کردی و از روی عدالت بود آنچه حکم کردی وَحَکَمْتَ فَکَانَ نِصْفًا مَا حَکَمْتَ، أَنْتَ الَّذِی لَا یَحْوِیْکَ مَکَانٌ، و داوری نمودی از روی انصاف بود آنچه داوری نمودی، توئی آنکه گنجایش ترا ندارد جائی وَ لَمْ یَقُمْ لِسُلْطَانِکَ سُلْطَانٌ، وَ لَمْ یُعِیْکَ بُرْهَانٌ وَلَا بَیَانٌ، أَنْتَ وَ بر نخیزد در برابر قدرت قدرتی و واماندهات نکند برهان و بیانی، توئی الَّذِی أَحْصَیْتَ کُلَّ شَیْءٍ عَدَدًا، وَ جَعَلْتَ لِکُلِّ شَیْءٍ أَمَدًا، آنکه به شمار آری تعداد هر چیز را و قرار دهی هر چیز را اجل و فرجامی وَقَدَّرْتَ کُلَّ شَیْءٍ تَقْدِیْرًا، أَنْتَ الَّذِی قَضَیْتَ الْأَوْهَامَ عَیْنٍ وَ مقرر داری هر چیز را اندازه‌ای، توئی آنکه بازماند اندیشه‌ها از درک ذَاتِیَّتِکَ، وَ عَجَزَتْ الْأَفْهَامُ عَنْ کَیْفِیَّتِکَ، وَ لَمْ تُدْرِکِ الْأَبْصَارُ ذَاتَ تُو وَ فروماند دانشها از ادراک چگونگی تو و در نیابد دیده‌ها مَوْضِعَ ائِیَّتِکَ، أَنْتَ الَّذِی لَا تُحَدُّ فَتَکُونُ مَحْدُودًا، وَ لَمْ تُمَثَّلْ جَای بُوَدُنْتَ رَا، توئی آنکه پایان نداری تا محدود باشی و مجسم نیستی فَتَکُونُ مَوْجُودًا، وَ لَمْ تَلَدَّ فَتَکُونُ مَوْلُودًا، أَنْتَ الَّذِی لَا ضِدَّ تَا محسوس شوی و فرزند نیابردی تا فرزند دیگری باشی، توئی آنکه دشمنی نیست مَعَّکَ فِیْعَانِدَکَ، وَلَا عَدْلٌ لَکَ فِیْکَاثِرِکَ، وَلَا یَتَدَّ لَکَ فِیْعَارِضَکَ، با تو بعناد برخیزد و همتا نداری که با تو رقابت کند و مانند نداری تا با تو برابری نماید، ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۱۴۱ أَنْتَ الَّذِی اِبْتَدَأَ وَ اِخْتَرَعَ وَ اَسْتَحْدَثَ وَ اِبْتَدَعَ، وَ أَحْسَنَ صُیْعَ مَا تُوئی آنکه ایجاد نمودی و آفریدی «جهان را» و پدید آوردی و نو ساختی و نیکو بود هر چه صَیْنَعٌ، سُبْحَانَکَ مَا أَجَلَ شَأْنِکَ، وَ اَسْئِنِ فِی الْأَمَاکِنِ مَکَانَکَ، ساختی، منزهی تو چه بزرگ است شأن تو و چه بلند است

در میان اماکن مکان تو وَأَصْدَع بِالْحَقِّ فُرْقَانَكَ، سُبْحَانَكَ مِنْ لَطِيفِ مَا أَلْطَفَكَ، و آشکار کننده حَقِّست قرآن تو منزّهی چه نیکو چاره سازی وَرَعُوفٍ مَا أَرْأَفَكَ، وَحَكِيمٍ مَا أَعْرَفَكَ، سُبْحَانَكَ مِنْ مَلِيكَ مَا وَجِهَ بِسَيَارِ مَهْرَبَانِي وَ حَكِيمِي كِه هِر چيز رَا مِي شِنَاسِي پاك خدائوندا چه پادشاه با فَرْ أَمْنَعَكَ، وَجَوَادٍ مَا أَوْسَعَكَ، وَرَفِيعٍ مَا أَرْفَعَكَ، ذُو الْبَهَاءِ وَ شَكُوهِ وَ چِه بَخَشْنده توانگری و چه بلند و بلند پایه فروغمند با وَالْمَجْدِ، وَالْكَبْرِيَاءِ وَالْحَمْدِ، سُبْحَانَكَ بَسَّطْتَ بِالْخَيْرَاتِ يَدَكَ، فَرْ وَ بزرگی و سزاوار سپاسی منزّهی تو دست بخیرات گشودی وَ عَرَفْتَ الْهُدَايَةَ مِنْ عِنْدِكَ، فَمَنْ التَّمَسَّكَ لِدِينٍ أَوْ دُنْيَا وَ شِنَاخته شد هدایت از جانب تو هر کس ترا خواند برای دین یا دنیا وَحَرِّ دَكَ، سُبْحَانَكَ خَضَعَ لَكَ مِنْ جَرِي فِي عِلْمِكَ، وَخَشَعَ بِيَاغْتِ مَنْزَهِي تُو فِرَوْتَنِي كِنْد بَرَاي تُو هِر چِه عِلْم تُو بَدَان تَعْلُقْ كَرَفْتِه وَ سِر فِرود آورد لِعَظَمَتِكَ مَا دُونَ عَزِّشَكَ، وَانْقَادَ لِلتَّسْلِيمِ لِمَكَ كُلُّ خَلْقِكَ، در برابر عظمت تو هر آنچه زیر عرش تو است و گردن نهد بفرمانبرداری تو همه آفریدگان ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۱۴۲ سُبْحَانَكَ لَا تُحْسُ وَلَا تُجْسُ وَلَا تُمَسُّ، وَلَا تُكَادُ وَلَا تُمَاطُ وَلَا مَنْزَهِي تُو در نیابد ترا حواس و دستی بتو نرسد و لمس نمی شوی و نیرنگ برداری و فرانگیرد ترا چیزی تُنَازِعُ، وَلَا تُجَارِي وَلَا تُمَارِي وَلَا تُخَادِعُ وَلَا تُمَازُ، سُبْحَانَكَ وَ كَس بَا تُو بَرِنَايِد وَ بَرَابَرِي نَكِنْد وَ بَا تُو بِه جَدَال بَرَنخیزد و ترا فریب نهد و با تو نیرنگ نبازد مَنْزَهِي تُو سَبِيلَكَ جَدُّ، وَآمُرَكَ رَشْدُ، وَأَنْتَ حَتَّى صَيَّمَدُ، سُبْحَانَكَ قَوْلُكَ رَاه تُو هِمَوَار وَ فِرْمَان تُو حَقَّ اسْت وَ تُوئِي زِنْدِه وَ بِي نِيَاز مَنْزَهِي تُو كَفْتَار تُو حُكْمُ، وَ قَضَاؤُكَ حَقْمُ، وَإِرَادَتُكَ عَزْمُ، سُبْحَانَكَ لَا رَادَّ بِحَكْمَتِ وَ فِرْمَان تُو شَدْنِي وَ مَشِيَّتِ تُو اِنجَام شَدْنِي اسْت مَنْزَهِي تُو رَد نَكِنْد كَسِي لِمَشِيَّتِكَ، وَلَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِكَ، سُبْحَانَكَ قَاهِرَ الْأَرْبَابِ، بَاهِرَ الْخَوَاسِثِ تَرَا وَ دِگَر كُون نَسَازد سَخْنَان تَرَا مَنْزَهِي تُو بَر پادشاهان پیروزی آشکار اسْت نَشَانِه‌های الْأَيَاتِ، فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ، بَارِيَّ النَّسِيمَاتِ، لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا الْوَهِيَّتِ تُو وَ آفَرِينِنْدِه آسْمَانِهَائِي پَدِيد آرِنْدِه جَانْدَارَانِي سَبَاس تَرَا سَبَاسِي كِه يَدُومُ بَدَوَامِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا خَالِدًا بِنِعْمَتِكَ، وَلَكَ پَايِدَار بَاشد بَا هَسْتِي تُو وَ سَبَاس تَرَا سَبَاسِي كِه جَاويد مَاند بَا نِعْمَتِ تُو الْحَمْدُ حَمْدًا يُوَازِي صُنْعَكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَزِيدُ عَلَي سَبَاسِ تَرَا سَبَاسِي كِه بَرَابَر اِحْسَانِ تُو بَاشد وَ سَبَاسِ تَرَا سَبَاسِي كِه اَفزُونِي كِنْد بَر رِضَاكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا مَعَ حَمْدِ كُلِّ حَامِدٍ، وَشُكْرًا يَقْضِي رِضَايِ تُو سَبَاسِ تَرَا سَبَاسِي كِه هِمْرَاه بَاشد بَا سَبَاسِ هِر سَبَاسِ كَرَارِي وَ سَبَاسِي كِه فِرُو مَاند اَدْعِيَه وَ آدَابِ مَكّه مَكْرَمِه، ص: ۱۴۳ عَنْهُ شُكْرُ كُلِّ شَاكِرٍ، حَمْدًا لَا يَنْبَغِي إِلَّا لَكَ، وَلَا يَنْتَقِرُ بِهِ إِلَّا اِزْ اَوْ شُكْرُ هِر شُكْرِ كَرَارِي سَبَاسِي كِه سَزَاوار نِيَسْت جَز بَتُو وَ مَوْجِب تَقَرُّبِ نَشُود جَز بِه إِلَيْكَ، حَمْدًا يَسْتَدَامُ بِهِ الْأَوَّلُ، وَيَسْتَدْعِي بِهِ دَوَامُ الْأَخِرِ، حَمْدًا پِيَشْگَاهِ تُو سَبَاسِي كِه پَايِدَار بُوَد سَبَبِ اَوْ نِعْمَتِ اَوَّلِ وَ خَوَاسِثِه شُود بِه اَوْ پَايِدَارِي نِعْمَتِ بَعْدِي سَبَاسِي كِه يَنْتَضَاعُ عَلَي كُرُورِ الْأَزْمِنَةِ، وَيَتَزَايِدُ أَضْعَافًا مُتَرَادِفَةً، حَمْدًا اَفزَايش يَابَد بَا گَزْدَشْتَن زَمَانِهَاو زِيَاد كَرَدَد چِنْد بَرَابَر پِي دَر پِي سَبَاسِي كِه يَعْجِزُ عَنْ إِحْصَائِهِ الْحَفْظَةُ، وَيَزِيدُ عَلَي مَا أَحْصَيْتَهُ فِي كِتَابِكَ فِرُو مَاند اِز شَمَار اَن اَمَار كِيرَان وَ فِرُوزِن اَيِد بَر اَنچِه بَشَمَار آوَرْدِه اِنْد در كِتَابِ تُو الْكُتُبَةُ، حَمْدًا يُوَازِنُ عَزْمَكَ الْمَجِيدَ، وَيُعَادِلُ كُرْسِيَّكَ الرَّفِيعَ، نُويسِنْد كَانِ سَبَاسِي كِه بَرَابَرِي كِنْد بَا عَرشِ عَظِيمِ تُو وَ هِمَانِنْد بَاشد بَا كَرَسِي رَفِيعِ تُو حَمْدًا يَكْمُلُ لَدَيْكَ ثَوَابُهُ، وَيَسْتَعْرِقُ كُلَّ جِزَاءٍ جِزَاؤُهُ، حَمْدًا سَبَاسِي كِه كَامِل بَاشد بِه پِيَشْگَاهِ تُو پَادَاشِ اَوْ وَ اَفزُون اَيِد بِه هِر ثَوَابِ ثَوَابِ اَوْ سَبَاسِي كِه ظَاهِرُهُ وَفَقُّ لِبَاطِنِهِ، وَبَاطِنُهُ وَفَقُّ لِحَقِّهِ، حَمْدًا ظَاهِرِ اَن مَوْافِقِ بَاطِنِ بَاشد وَ بَاطِنِشِ هِم مَوْافِقِ بَا نَيْتِ صَادِقِ بَاشد سَبَاسِي كِه لَمْ يَحْمَدَكَ خَلْقٌ مِثْلَهُ، وَلَا يَعْرِفُ أَحَدٌ سِوَاكَ فَضْلَهُ، حَمْدًا يُعَانُ نَكَاذِرَه بَاشد آفَرِيدِه مَانِنْدَشِ رَا وَ نَشِنَاسِد كَسِي جَز تُو فَضْلِ اَن رَا سَبَاسِي كِه يَارِي شُود مَن اِجْتَهَدَ فِي تَعْلِيدِهِ، وَيُؤَيِّدُ مَنْ أَعْرَقَ نَزْعًا فِي تَوْفِيَّتِهِ، حَمْدًا هِر كِه بَكُوشِد در گَزْدَارْدَن اَن وَ تَأْيِيدِ شُود هِر كِه مَبَالِغِه كِنْد در اَدَايِ اَن سَبَاسِي كِه اَدْعِيَه وَ آدَابِ مَكّه مَكْرَمِه، ص: ۱۴۴ يَجْمَعُ مَا خَلَقْتَ مِنَ الْحَمْدِ، وَيَنْتَظِمُ مَا أَنْتَ خَالِقُهُ مِنْ بَعْدِ، جَامِعِ بَاشد اَنچِه رَا كِه آفَرِيدِه‌ای اِز اَنوَاعِ حَمْدِ وَ در اَيِد بِه سَلَكِ اَنچِه خَوَاسِثِ آفَرِيدِ بَعْدِ اِز اَيْنِ حَمْدًا لَا حَمْدَ أَقْرَبُ إِلَى قَوْلِكَ مِنْهُ، وَلَا أَحْمَدَ مِمَّنْ يَحْمَدُكَ سَبَاسِي كِه هِيچِ حَمْدِي نَزْدِيكِ تَر اِز اَن بَكُفْتَارِ تُو نَبَاشد وَ بَالَا تَر اِز اَن هِيچِ كَسِ تورا حَمْدِ بِه، حَمْدًا يُوجِبُ بِكَرَمِكَ الْمَزِيدَ بِوُفُورِهِ، وَتَصِلُهُ بِمَزِيدِ بَعْدِ نَكْرَدِه بَاشد سَبَاسِي كِه سَبَبِ كَرَمِ تُو مَزِيدِ نِعْمَتِ رَا بِه فِرَاوانِي وَ بِيُونْدِي اَنرَا بَفِرُوزِنِي پِي مَزِيدِ طَوْلًا مِنْكَ، حَمْدًا يَجِبُ لِكَرَمِ وَجْهِكَ، وَيُقَابِلُ عَزَّ دَر پِي بَر حَمْتِ خُودِ سَبَاسِي كِه شَايسْتِه بَزَر كِي ذَاتِ

تو و سزاوار فرّ و جلالیک، رَبِّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْمُتَّجِبِ الْمُضِيَّ طَفِي عِظْمَتِ تُو بَاشِد پُروردگارِ درود فرست بر مُحَمَّد و آلِ مُحَمَّد که برگزیده و بهترین خلق و الْمُكْرَمِ الْمُقْرَبِ أَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ، وَبَارِكْ عَلَيْهِ أَتَمَّ بَرَكَاتِكَ، گرامی و مقرب نزد تست به بهترین درود و خجسته گردان بر او کمال فرخندگی را وَتَرَحَّمْ عَلَيْهِ أَمْنَعُ رَحْمَاتِكَ، رَبِّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَاةً وَبِخْشَائِشِ فَرْمَا بر او به برترین بخشایش خود پروردگارِ درود فرست بر مُحَمَّد و آلش درودی زَاكِيَّةً لَا تَكُونُ صَلَاةً أَزْكَى مِنْهَا، وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً نَامِيَّةً فَرَايِنْدَه که نباشد درودی فَرَايِنْدَه تر از آن و درود فرست بر آن درودی بَرُومِنْد لَا تَكُونُ صَلَاةً أَنْمَى مِنْهَا، وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً رَاضِيَّةً لَا تَكُونُ صَلَاةً كَمَا لَا تَنْفَعُ كَلِمَاتِكَ، رَبِّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَاةً تُرْضِيهِ وَتَزِيدُ عَلَي بَرْتَرِ از آن خداوندا درود فرست بر مُحَمَّد و آل او درودی که خوشنودش گردانی و بیفزاید بر رِضَا، وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً تُرْضِيهِ وَتَزِيدُ عَلَي رِضَاكَ لَهُ، وَصَلِّ خُوشنُودِش و درود فرست بر او درودی که خوشنودت گرداند و بیفزاید بر خوشنودیت و درود فرست علیه صَلَاةً لَا تُرْضِي لَهُ إِلَّا بِهَا، وَلَا تَرَى غَيْرَهُ لَهَا أَهْلًا، رَبِّ بَرِ أَنْحَضْرَتِ دَرُودِي كَمَا رَاضِي نَگَرْدِي جَز بَانَ وَنَبِيْنِي غَيْرِ او رَا بَرِ آن شایسته خداوندا صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَاةً تُجَاوِزُ رِضْوَانِكَ، وَيَتَّصِلُ اتِّصَالُهَا دَرُودِ فَرَسْتِ بَرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ او دَرُودِي كَمَا تَجَاوِزُ كُنْدِ از رِضَايِ تُو وَبِه پيوند پيوند او بِبِقَائِكَ، وَلَا يَنْفَعُ كَمَا لَا تَنْفَعُ كَلِمَاتِكَ، رَبِّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ بِيَقَايِ تُو وَبِأَيَانِ نِيَابِدِ چنانکه پایان نپذیرد کلمات تو خداوندا درود فرست بر مُحَمَّد وَآلِهِ صَلَاةً تَنْتَظِمُ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَأَنْبِيَاءِكَ وَرُسُلِكَ وَأَهْلِ وَآلِ او دَرُودِي كَمَا دَرِ بَرِگِيرِدِ دَرُودِ فَرَسْتِگَانِ وَبِغَمْبِرَانِ وَرِسُولَانِ وَطَاعِيَتِكَ، وَتَشْتَمِلُ عَلَي صَلَوَاتِ عِبَادِكَ مِنْ جَنِّكَ وَإِنْسِكَ فَرْمَانِبِرْدَارَانِ تُو رَا وَشَامِلِ گَرْدِدِ بَرِ دَرُودِ بِنْدِگَانْتِ از جَنِّ وَاِنْسِ وَأَهْلِ إِجَابَتِكَ، وَتَجْتَمِعُ عَلَي صَلَاةٍ كَمَلٍ مَيْنِ ذَرَاتٍ وَبَرَاتٍ مِّنْ وَأَنَانِكِ دَعْوَتِ تَرَا إِجَابَتِ كَرْدِنْدِ وَمَجْتَمَعِ شُودِ بَرِ دَرُودِ هَرِ آنکه هستیش بخشیدی و پدید آوردی از أَصْنَفِ خَلْقِكَ، رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ صَلَاةً تُحِيطُ بِكُلِّ صَلَاةٍ أَصْنَافِ آفَرِيدِ گَانْتِ خُداوندا دَرُودِ فَرَسْتِ بَرِ او وَآلِ او دَرُودِي كَمَا فَرَا گِيرِدِ هَرِ دَرُودِ ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۱۴۶ سَالِفَةً وَمُسْتَأْنَفَةً، وَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَي آلِهِ صَلَاةً مَرْضِيَّةً لِمَكَ وَلَمَنْ گَزِشْتِه و آينده رَا و دَرُودِ فَرَسْتِ بَرِ او وَبَرِ آلِ او دَرُودِي كَمَا پَسِنْدِيدِه بَاشِدِ تُو رَا وَدُونِكَ، وَتَشْتَمِلُ مَعَ ذَلِكَ صَلَوَاتٍ تُضَاعِفُ مَعَهَا تَلَمَكَ غَيْرِ تُو رَا وَبِرَانْگِيزِي بَا اَيْنِ هَمِه دَرُودِي رَا كِه بِيْفَرَايِدِ بَا اَيْنِ الصَّلَوَاتِ عِنْدَهَا، وَتَزِيدُهَا عَلَي كُرُورِ الْأَيَّامِ زِيَادَةً فِي دَرُودِهَا بِنَزْدِ آن و افزوده گَرْدِدِ بَرِ گَزِشْتِ رُوزِگَارِ افزَايشِ تَضَاعِيفَ لَا يَعُْدُّهَا غَيْرُكَ، رَبِّ صَلِّ عَلَي اطَائِبِ أَهْلِ بَيْتِهِ، چنْدِ بَرَابَرِ كِه نَشْمَارِدِ آنرا غَيْرِ تُو خُداوندا دَرُودِ فَرَسْتِ بَرِ پَاكَا نِ خَانْدَانِ او الَّذِيْنَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ، وَجَعَلْتَهُمْ خَزَنَةَ عِلْمِكَ، وَحَفِظْتَهُ دِيْنِكَ، أَنَانِكِ بَرِ گَزِيدِشَانِ بَرَايِ اِجْرَايِ اَمْرِ خُودِ وَقَرَارِشَانِ دَادِي گَنْجِينِه عِلْمِ خُودِ وَنَگْهَبَانَانِ دِيْنِ خُودِ وَخُلَفَاءِكَ فِي أَرْضِكَ، وَحُجَجِكَ عَلَي عِبَادِكَ، وَطَهَّرْتَهُمْ مِّنْ وَجَانَشِينَانِ خُودِ دَرِ رُويِ زَمِينِ وَحِجَّتِ هَايِ خُودِ بَرِ بِنْدِگَانْتِ وَپَاكِشَانِ نَمُودِي از الرَّجْسِ وَالذَّنْسِ تَطْهِيراً بِإِرَادَتِكَ، وَجَعَلْتَهُمْ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ، هَرِ نَپَاكِي وَپَلِيدِي پَاكِ كَرْدِنِي كِه بِه اِرَادِه خُودِ بُوْدِ وَقَرَارِشَانِ دَادِي وَسِيلِه بَسُويِ خُويشِ وَالْمَسْلُوكِ إِلَي جَنَّتِكَ، رَبِّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَاةً تُجْزِلُ وَرَاهِ بَسُويِ بَهْشْتِ خُودِ خُداوندا دَرُودِ بَرِ مُحَمَّدِ وَآلِشِ فَرَسْتِ دَرُودِي كِه بَهْرَه مَنْدِ گَرْدَانِي لَهُمْ بِهَا مِنْ نِحْلِكَ وَكَرَامَتِكَ، وَتُكْمِلُ لَهُمُ الْأَشْيَاءَ مِنْ عَطَايَاكَ أَنَا رَا از عَطَا وَكَرَامَتِ خُودِ وَكَامِلِ گَرْدَانِي بَرَايِ أَنَا هَمِه گُونِه بَخْشِشِ ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۱۴۷ وَنَوَافِلِكَ، وَتَوْفِرُ عَلَيْهِمُ الْخِطُّ مِنْ عَوَائِدِكَ وَفَوَائِدِكَ، رَبِّ صَلِّ وَنَعْمَتِ خُودِ رَا وَفَرَاوانِ گَرْدَانِي بَرَايِ أَنَا لَدُنْتِ نَعْمَتِهَا وَفَوَائِدِ خُودِ رَا خُداوندا دَرُودِ فَرَسْتِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ صَلَاةً لَا أَمِيدَ فِي أَوْلِهَا، وَلَا غَايَةَ لَأَمْدِهَا، وَلَا نِهَائِيَّةَ بَرِ او وَخَانْدَانِ او دَرُودِي كِه نِه حَدِي بَاشِدِ دَرِ آغَازِ آن وَنِه پَايَانِي بَمَدَّتِ آن وَنِه نِهَائِيْتِي بَاشِدِ لِآخِرِهَا، رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِمْ زَنَّهُ عَرْشِكَ وَمَا دُونَهُ، وَمِلَأْ سَمَاوَاتِكَ بِه اِنْجَامِ آن خُداوندا دَرُودِ فَرَسْتِ بَرِ أَنَا هَمُوزِنِ عَرِشِ خُودِ وَآنچه دَرِ زِيرِ آن اِسْتِ وَبِه پُريِ آسْمَانِهَايْتِ وَمَا فَوْقَهُنَّ، وَعَدَدَ أَرْضِيكَ وَمَا تَحْتَهُنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ، صَلَاةً وَآنچه بَالَايِ أَنَا اِسْتِ وَبِه شَمَارِه زَمِينِهَايْتِ وَآنچه زِيرِ أَنَا اِسْتِ وَآنچه دَرِ لَابَلَايِ زَمِينِ وَآسْمَانِ اِسْتِ دَرُودِي كِه تُقَرِّبُهُمْ مِنْكَ زُلْفَى وَتَكُونُ لَكَ وَلَهُمْ رِضَى، وَمُنْتَصِلَةً نَزْدِيكَ سَازدِ أَنَا رَا بِه مَقَامِ تُو وَبُوْدِه بَاشِدِ بَرَايِ تُو وَآنَا خُوشنُودِي وَپِيُوسْتِه بَاشِدِ بِنَظَائِرِهِنَّ أَيْدَا. اللَّهُمَّ إِنَّكَ

أَيَّدَتْ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ بَمَانَدِ خُودِ هَمِيْشِه بَارِ خُدَايَا تُو تَأْيِيْدِ كَرْدِي دِيْنِ خُودِ رَا دِرْهَرِ زَمَانِ بِهْ اِمَامِيْ كِهْ بِرَا فِرَاشْتِيْشِ عِلْمًا لِعِبَادِكَ، وَمَنَارًا فِي بِلَادِكَ، بَعْدَ أَنْ وَصَيْلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ، مَانَدِ عِلْمِ بَرَايِ بِنْدِ گَانْتِ وَ مَانَدِ نُوْرَا فِكْنِ دِرْ شَهْرَهَايْتِ پَسِ اَزْ اَنَكِهْ پِيُوْسْتِي رِيْسْمَانِ اَوْ رَا بَرِ رِيْسْمَانِ خُودِ وَ جَعَلْتَهُ الدَّرِيْعَةَ اِلَى رِضْوَانِكَ، وَ اِفْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ، وَ حَيَّدَرْتَ وَ قَرَارِشِ دَادِي بَسُوِيْ خُوشْنُوْدِيْ خُودِ وَ وَاجِبِ فِرْمُوْدِيْ اِطَاعَتِ اَوْ رَا وَ بِيْمِ دَادِي مَعْصِيَّتَهُ، وَ اَمْرَتِ بِاِمْتِثَالِ اَمْرِهِ وَ اَلْاِنْتِهَاءِ عِنْدَ نَهْيِهِ، وَ اَلْمَا يَتَقَدَّمُهُ اَزْ نَا فِرْمَانِيْ اَوْ اَمْرِ فِرْمُوْدِيْ بِفِرْمَانِبَرْدَارِيْ اَزْ اَوْ اَمْرِ اَوْ وَ بِهْ پَرِهِيْزِ نِمُوْدِنِ اَزْ مَنَا هِيْ اَوْ وَ اِيْنَكِهْ پِيْشِ نِيْفْتِدِ اَزْ اَوْ اِدْعِيْهِ وَ اَدَابِ مَكّهْ مَكْرَمِهْ، ص: ۱۴۸

مُتَقَدِّمٌ، وَلَا يَتَأَخَّرَ عَنْهُ مُتَأَخِّرٌ، فَهُوَ عَضِيْمَةٌ اللّٰئِيْدِيْنَ، وَ كَهْفٌ پِيْشِ رُوِيْ وَ پَسِ نِمَانَدِ اَزْ اَوْ كَسِيْ پَسِ اَوْ اِسْتِ حَافِظِ پَنَاهِنْدِ گَانِ وَ سَنَگَرِ الْمُؤْمِنِيْنَ، وَ عَزْوَةٌ الْمُتَمَسِّكِيْنَ، وَ نَهَاءُ الْعَالَمِيْنَ. اللّٰهُمَّ فَاوْزِعْ مُؤْمِنَانَ وَ دِسْتَاوِيْزِ نَجَاتِ جُوْيَانِ وَ فِرُوْغِ مَرْدَمِ جِهَانِ بَارِ خُدَايَا اَلْهَامِ كُنْ لَوْلِيْكَ شُكْرًا مَا اَنْعَمْتَ بِهٖ عَلَيْهِ، وَ اُوْزِعْنَا مِثْلَهُ فِيْهِ، وَ اَتِهٖ مِنْ بَرَايِ وِلِيِّ خُودِ تَا شُكْرِ اَنْچِهْ رَا كِهْ اِنْعَامِشِ فِرْمُوْدِيْ بَجَايِ اُوْرُوْدِ وَ مَا رَا نِيْزِ اَلْهَامِ فِرْمَا مَانَدِ اَوْ بُوْجُوْدِ اَوْ شُكْرِ كِنِيْمِ وَ عَنَايْتِ كُنْ اَوْ رَا لَدُنْكَ سَيْلَطَانًا نَصِيْرًا، وَ اِفْتَحْ لَهُ فَتْحًا سَيِّْرًا، وَ اَعِنِّهٗ بِرُكْنِكَ الْاَعَزِّ، اَزْ جَانِبِ خُودِ پِيْرُوْزِيْ وَ نَصْرَتِ وَ بَگِشَا بَرَايِشِ گِشَايِشِيْ اَسَانِ وَ مَدَدِ فِرْمَا اَوْ رَا بِهْ پِشْتِيْسَانِيْ مَحْكَمِ خُودِ وَ اَشْدُدْ اَزْرَهُ، وَ قَوِّ عَضُدَهُ، وَ رَاعِهٖ بِعَيْنِكَ، وَ اَحْمِهٖ بِحِفْظِكَ، وَ قُوِيْ گِرْدَانِ پِشْتِ اَوْ رَا وَ نِيْرُوْ بَخِشِ بَا زُوِيْ اَوْ رَا وَ رِعَايْتِشِ فِرْمَا بَدِيْدِهْ رَحْمَتِ خُودِ وَ حَمَايْتِشِ كُنْ بِنَظَرِ نَگِهْدَارِيْ خُودِ وَ اَنْصِيْرُهُ بِمَلَائِكَتِكَ، وَ اَمِدُّدُهُ بِجُنْدِكَ الْاَغْلَبِ، وَ اَقِمْ بِهٖ كِتَابِيْكَ وَ يَارِيْشِ فِرْمَا بَفِرَشْتِگَانْتِ وَ مَدَدِشِ كُنْ بِهْ سِيْپَاهِ نِيْرُوْمَنْدَتِ وَ بِيَادَارِ بُوْسِيْلِهْ اَوْ كِتَابِ وَ حُدُوْدِكَ وَ شَرَائِعِكَ وَ سِيْنِنِ رَسُوْلِكَ صَلَوَاتِكَ اللّٰهُمَّ عَلَيْهِ وَ اِحْكَامِ وَ قَوَانِيْنِ خُودِ وَ سُنْتِ پِيْغَمْبِرِ خُوْيِشِ رَا دِرُوْدِ بِيْ پَايَانْتِ خُدَايَا بَرِ اَوْ وَاَلِهٖ، وَ اَحْيِ بِهٖ مَا اَمَاتَهُ الظّٰلِمُوْنَ مِنْ مَعَالِمِ دِيْنِكَ، وَ اَجَلْ بِهٖ بَادِ وَ اَوْلَادِشِ وَ زَنْدِهْ گِرْدَانِ بِهْ اَوْ اَنْچِهْ رَا كِهْ نَا پَدِيْدِ كَرْدِهْ اَنْدِ سَتْمَكَارَانِ اَزْ اَثَارِ دِيْنِ خُودِ وَ جَلَا دِهْ بِهْ اَوْ صَدَاءِ الْجُوْرِ عَنْ طَرِيْقَتِكَ، وَ اَبِيْنَ بِهٖ الضَّرَاءَ مِنْ سَبِيْلِكَ، وَ اَزَلْ بِهٖ زَنْگِ سَتْمِ رَا اَزْ صَفْحِهٖ مَلَّتِ خُوْيِشِ وَ دُوْرِ گِرْدَانِ بِهْ اَوْ دِشُوَارِيْهَا رَا اَزْ رَا هِ دِيْنِ تُو وَ نَا بُوْدِ كُنْ بِهْ اَوْ اِدْعِيْهِ وَ اَدَابِ مَكّهْ مَكْرَمِهْ، ص: ۱۴۹

النّٰكِيْنَ عَنْ صَرَاطِكَ، وَ اَمْحَقْ بِهٖ بُغَاءَ قَصِيْدِكَ عَوْجًا، وَ اَلِنْ اَنَانَ رَا كِهْ مَنَحْرَفَنْدِ اَزْ طَرِيْقِ تُو وَ مَحُوْ نَمَا Bِهْ اَوْ اَنَانَ رَا كِهْ طَالِبَانَ تَرَا بَرَاهِ كِجِ بَرَنْدِ وَ مَنَعُطْفِ گِرْدَانِ جَانِبُهُ لَأَوْلِيَّائِكَ، وَ اِنْسُطْ يَدَهُ عَلٰى اَعْدَائِكَ، وَ هَبْ لَنَا رَافِقَهُ اَوْ رَا بَدُوْسْتَانْتِ وَ چِيْرِهْ گِرْدَانِ دِسْتِ اَوْ رَا بَرِ دِشْمَنْاَنْتِ وَ بَرِسَانِ بَرِ مَا اَزْ مِهْرِ وَ رَحْمَتِيْهِ وَ تَعَطُّفُهُ وَ تَحَنُّنُهُ، وَ اَجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِيْنَ مُطِيْعِيْنَ، وَ فِيْهِ وَ بَخِشَايِشِ وَ دَلْجُوْئِيْ وَ نُوَازِشِ اَوْ وَ چِنَانِ كُنْ مَا رَا كِهْ اَوْ رَا شِنُوَا وَ فِرْمَانِبَرْدَارِ بَاشِيْمِ وَ دَرِ رِضَأةٖ سَاعِيْنَ، وَ اِلٰى نَصِيْرَتِهِ وَ اَلْمُدَاوَعِيْهِ عَنْهُ مُكْنِفِيْنَ، وَ اِلَيْكَ خُوشْنُوْدِيْ اَوْ بَكُوْشِيْمِ وَ Bِهْ جِهْتِ يَارِيْ كَرْدِنِ وَ دِفَاعِ نِمُوْدِنِ اَزْ aَوْ Bِهْ دُوْرِشِ بَاشِيْمِ وَ Bِهْ سُوِيْ تُو وَ اِلٰى رَسُوْلِكَ صَلَوَاتِكَ اللّٰهُمَّ عَلَيْهِ وَ اَلِهٖ بِذَلِكِ مُتَقَرَّبِيْنَ. اللّٰهُمَّ وَ Bِهْ سُوِيْ پِيْغَمْبِرِ تُو كِهْ دِرُوْدِ فِرَاوَانْتِ خُدَاوَنْدَا بَرِ aَوْ وَ اَلْشِ بَادِ بَدِيْنِ جِهْتِ تَقَرَّبِ جُوْئِيْمِ خُدَاوَنْدَا وَ صَيَّلْ عَلٰى اَوْلِيَآئِهِمُ الْمُعْتَرِفِيْنَ بِمَقَامِهِمْ، الْمُتَّبِعِيْنَ مَنَهْجِهِمْ، وَ دِرُوْدِ فِرَسْتِ بَرِ دُوْسْتَانِ اَنَهَا كِهْ شَنَاخْتِنْدِ مَقَامِ اَنَهَا رَا وَ تَبَعِيْتِ كَرْدِنْدِ اَزْ رُوْشِ اَنَهَا الْمُقْتَفِيْنَ اَثَارَهُمْ، الْمُسْتَمْسِكِيْنَ بِعُرْوَتِهِمْ، الْمُتَمَسِّكِيْنَ وَ پِيْرُوِيْ نِمُوْدِنْدِ دِزِ اَثَارِ اَنَهَا وَ پِيُوْسْتِنْدِ Bِهْ دِسْتَاوِيْزِ اَنَهَا وَ چِنَگِ زَنْدِ بَوْلَايَتِهِمْ، الْمُؤْتَمِيْنَ بِاِمَامَتِهِمْ، الْمُسَلِّمِيْنَ لِاَمْرِهِمْ، الْمُجْتَهِدِيْنَ Bِهْ وِلَايَتِ اَنَهَا وَ پَذِيْرَفْتِنْدِ پِيْشُوَانِيْ اَنَهَا رَا وَ گِرْدِنْدِ نِهَادَنْدِ بَفِرْمَانِ اَنَهَا وَ كُوْشِيْدِنْدِ فِيْ طَاعَتِهِمْ، الْمُتَنْظِرِيْنَ اَيَّامَهُمْ، الْمَادِّيْنَ اِلَيْهِمْ اَعْيُنَهُمْ، دَرِ اِطَاعَتِ اَنَهَا وَ اِنْتِظَارِ كِشِيْدِنْدِ رُوْزِ گَارِ دَوْلَتِ اَنَهَا Rَا وَ دُوْخْتِنْدِ Bِهْ سُوِيْ اِيْشَانِ چِشْمَانِ خُودِ رَا اِدْعِيْهِ وَ اَدَابِ مَكّهْ مَكْرَمِهْ، ص: ۱۵۰

الصلوات المباركات الرّٰكِيَاتِ النَّامِيَاتِ الْغَادِيَاتِ الرَّائِحَاتِ، دِرُوْدِهَايِيْ كِهْ فِرَخْنَدِهْ وَ پَاكِ وَ بَرُوْمَنْدِ Bَاشِدِ هَرِ صَبْحِ وَ هَرِ شَامِ وَ سَيَّلِمْ عَلَيْهِمْ وَ عَلٰى اَرْوَاحِهِمْ، وَ اَجْمَعْ عَلٰى التَّقْوٰى اَمْرَهُمْ، وَ سَلَامِ فِرَسْتِ Bَرِ اَنَهَا وَ Bَرِ جَانِهَايِ اَنَهَا وَ جَمْعِ نَمَا Bَرِ پَرِهِيْزِ كَارِيْ كَارِ اَنَهَا Rَا وَ اَصْلِيْخْ لَهُمْ شُؤْنَهُمْ، وَ تَبَّ عَلَيْهِمْ، اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَابُ الرَّحِيْمُ، اِصْلَاحِ فِرْمَا حَالِ اَنَهَا Rَا وَ بِيْذِيْرِ تُوْبِهْ اَنَهَا Rَا كِهْ تُوْئِيْ تُوْبِهْ پَذِيْرِ وَ مِهْرَبَانَ وَ خَيْرِ الْغَافِرِيْنَ، وَ اَجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِيْ دَارِ السَّلَامِ، بِرَحْمَتِكَ يَا وَ Bِهْتَرِيْنَ اَمْرَزَنْدِگَانِ وَ قَرَارِ دِهْ مَا Rَا Bَا اَنَهَا Dَرِ مَنَزَلِ سَلَامْتِ Bَرِ حَمْتِ خُودِ اِيْ اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ. اللّٰهُمَّ هَذَا يَوْمٌ عَرَفَةٌ، يَوْمٌ شَرَفْتُهُ وَ كَرَّمْتُهُ مِهْرَبَانْتَرِيْنَ مِهْرَبَانَانَ Bَارِ خُدَايَا اِيْنِ اِسْتِ رُوْزِ عَرَفِهْ رُوْزِيْ اِسْتِ كِهْ شِرَافَتِ دَادِيْ وَ گِرَامِيْ نِمُوْدِيْ وَ عَظْمَتُهُ، نَشَرْتِ فِيْهِ رَحْمَتِيْكَ، وَ مَنَّتْ فِيْهِ بِعَفْوِكَ، وَ اَجَزَلْتُ وَ بَزَرْگِ دَاشْتِيْ مَنْتَشَرِ سَاخْتِيْ Dَرِ اَنِ رُوْزِ رَحْمَتِ خُودِ Rَا وَ مَنْتِ نِهَادِيْ Dَرِ اَنِ رُوْزِ Bِهْ عَفْوِ خُودِ وَ

فراوان ساختی فیهِ عَطِيَّتِكَ، وَتَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَيَّ عِبَادِكَ. اللَّهُمَّ وَأَنَا عَزِيذُكَ الَّذِي فِي رُؤُوسِ عِزِّكَ وَتَفَضَّلْتَ فِرْمُودِي بِهِ أَنْ بَرَّ بِنَدِغَانِ خُودِ خُدَاوَنَدَا مِنْ بِنْدِهِ تَوَامُ بِنْدِهِ أَيَّ كِهْ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ قَبْلَ خَلْقِكَ لَهُ، وَبَعْدَ خَلْقِكَ إِيَّاهُ، فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ أَنْعَمْتَ فِرْمُودِي بِرِ أَنْ پِيشِ از آفرینش او و پس از آفرینش او و قرار دادی آن را از کسانی که هِدَيْتَهُ لِدِينِكَ، وَوَفَّقْتَهُ لِحَقِّكَ، وَعَصَيْتَهُ بِحَقِّكَ، وَادْخَلْتَهُ فِي رَاهِنَمُودِي بِسُؤِي دِينِ خُودِ وَتُوفِيقِشِ دَادِي بِهْ اِدَايِ حَقِّ خُودِ وَنَگَهِدِاشْتِي اُو رَا بِهْ طَنَابِ خُودِ وَدِرْآوردِي اُو رَا دِرْ اِدْعِيهِ وَآدَابِ مَكِّهِ مَكْرَمِهِ، ص: ۱۵۱ جَزْبِكَ، وَارْشَدْتَهُ لِمُؤَالَاهِ اَوْلِيَائِكَ، وَمُعَادَاةِ اَعْوِدَائِكَ، ثُمَّ اَمْرْتَهُ گِرُوهِ خُودِ وَهَدَايَتِ فِرْمُودِي اُو رَا بِدُوسْتِي دُوسْتَانَتِ وَدَشْمَنِي دَشْمَانَتِ سِپَسِ فِرْمَانِ دَادِي فَلَمْ يَأْتِمِرْ، وَزَجَرْتَهُ فَلَمْ يَنْزَجِرْ، وَنَهَيْتَهُ عَنْ مَعْصِيَتِكَ، فَخَالَفَ اطَاعَتِ نَكْرَدِ وَمَنْعِ فِرْمُودِي اِمْتِنَاعِ نَكْرَدِ وَنَهْيِ فِرْمُودِي اُو رَا از گناه مخالفت نمود اَمْرَكَ اِلَى نَهْيِكَ، لَا مُعَانَدَةَ لَكَ وَلَا اسْتِكْبَارًا عَلَيْكَ، بَلْ دَعَاهُ فِرْمَانِ تَرَا بِهْ اِرْتِكَابِ نَهْيِ تُو لَكِنْ نَهْ از دَشْمَنِي بَا تُو وَ نَهْ از گِرْدَنَكُشِي بِرِ تُو بَلَكِهْ كِشَانِيدِ اُو رَا هَوَاهُ اِلَى مَا زَيَّلْتَهُ وَاِلَى مَا حَذَّرْتَهُ، وَاعَانَهُ عَلَيَّ ذَلِكُ عِيذُوكَ بِهْ سُؤِي اَنْجِهْ از اَنْ دَفْعِ كَرْدِي وَبِسُؤِي اَنْجِهْ از اَنْ بِيْمِ دَادِي وَيَارِي كَرْدِ اَنْ رَا بِرَايِنِ هَمِهْ گِستَاخِي دَشْمَنِ تُو وَعِيذُوكَ، فَاقْدَمَ عَلَيْهِ عَارِفًا بِوَعِيدِكَ، رَاجِيًا لِعَفْوِكَ، وَاثِقًا وَدَشْمَنِ خُودِ اُو «ابليس» تَا اِقْدَامِ بِهْ گِناهِ نَمُودِ دِرْ حَالِي كِهْ مَعْتَرِفِ بُوْدِ بِهْ بِيْمِ تُو وَ اَمِيدُوارِ بُوْدِ بِهْ عَفْوِ تُو وَ اطمینانِ دَاشْتِ بِتَجَاوُزِكَ، وَكَانَ اَحَقَّ عِبَادِكَ مَعَ مَا مَنَنْتَ عَلَيْهِ اَلَّا يَفْعَلَ، وَهِيَ بَگِذَشْتِ تُو وَ سَزَاوَرْتَرِي بِنْدِگَانِ بُوْدِ كِهْ بَا اَيْنِ هَمِهْ نَعْمَتِ هَايَتِ اَيْنِ هَمِهْ مَعْصِيَتِ نَكْنَدِ اَكْتُونِ اَنَّاذَا بَيْنَ يَدَيْكَ صَاغِرًا ذَلِيلًا، خَاضِعًا مَأْخَاشِعًا، خَائِفًا مُعْتَرِفًا اَيْنِمُ كِهْ دِرْمَقَابِلِ تُوامِ دِرْحَالِي كِهْ خُوارِ وَ ذَلِيلِ وَ سِرَافَكْنَدِهْ وَ اِفْسَرْدِهْ وَ تِرْسَانِمُ دِرْ حَالِيكِهْ اِقْرَارِ دَارِمُ بِعَظِيمِ مِنَ الذُّنُوبِ تَحَمَّلْتَهُ، وَجَلِيلِ مِنَ الْخَطَايَا اجْتَرَمْتَهُ، بِهْ بَزْرگَتَرِي گِناهِی كِهْ بَارِ اَنْ رَا بِدُوشِ گِرْفْتِهْ اَمْ وَبِهْ بَزْرگَتَرِي خَطَايِي كِهْ بِهْ اُو اَلُودِهْ گِشْتِمُ مُسْتَجِيرًا بِصِيْفِحِكَ، لَا يَتَدَأُ بِرَحْمَتِكَ، مُوقِنًا اَنَّهُ لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ دِرْحَالِي كِهْ پَنَاهِ اُورْدِهْ اَمْ بِهْ عَفْوِ تُو وَ زَنهارِ مِيجُويْمُ از رَحْمَتِ تُو وَ يَقِيْنِ دَارِمُ كِهْ پَنَاهِ نَمِي دِهْمُ رَا از تُو اِدْعِيهِ وَ آدَابِ مَكِّهِ مَكْرَمِهِ، ص: ۱۵۲ مُجِيرًا، وَلَا يَمْنَعُنِي مِنْكَ مَانِعٌ، فَعِيذُ عَلَيَّ بِمَا تَعُوذُ بِهِ عَلَيَّ مِنَ پَنَاهِ دِهْنَدِهْ اِي وَ مَانِعِ نَمِي شُودِ مَرَا از عَذَابِ تُو مَانِعِي پَسِ فَرَا گِيرِ مَرَا بِهْ اَنْجِهْ فَرَا مِي گِيرِي بِهْ اُو اَنَكِهْ رَا اِقْتَرَفَ مِنْ تَعْمُدِكَ، وَجِيذُ عَلَيَّ بِمَا تَجُودُ بِهِ عَلَيَّ مَنْ اَلْقَى بِبِيْدِهِ كِهْ دَسْتِ بَگِناهِ اَلُودِ از رَحْمَتِ خُودِ وَبِيخَشِ بِرِ مِنْ اَنْجِهْ رَا كِهْ مِي بَخْشِي بِرِ اَنَكِهْ بَگِشَايِدِ دَسْتِ اَمِيدِ اِلَيْكَ مِنْ عَفْوِكَ، وَامْنُنْ عَلَيَّ بِمَا لِمَا يَتَعَاطَمُكَ اَنْ تَمُنَّ بِهْ عَلَيَّ بِسُؤِي تُو از عَفْوِ خُودِ وَ مَنْتِ نَهْ بِرِ مِنْ بِهْ اَنْجِهْ دِرِيغْتِ نِيَايِدِ مَنْ اَمَلَكُكَ مِنْ عَفْرَانِكَ، وَاجْعَلْ لِي فِي هَذَا الْيَوْمِ نَصِيبًا اُنَالُ بِهْ بِرَكْسِي كِهْ اَرْزُويِ بَخْشِشْتِ رَا دَارِدِ وَ قَرَارِ دِهْ بِرَايِ مِنْ دِرْ اَيْنِ رُوزِ بَهْرِهْ اِي كِهْ بِرِسمِ بِهْ سَبَبِ اَنْ حَظًّا مِنْ رِضْوَانِكَ، وَلَا تَرُدَّنِي صِرْفًا مِمَّا يَنْقَلِبُ بِهْ اَلْمَتَّعِبِدُونَ بِهْ حَظِّي از خُوشنُودِيْتِ وَ بَا ز مَگِرْدَانِ مَرَا دَسْتِ خَالِي از اَنْجِهْ بَا ز گِرْدِنْدِ بِهْ اُو عِبَادَتِ كَنْنَدِگَانِ لَكَ مِنْ عِبَادِكَ، وَإِنِّي لَمْ أَقْدَمُ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ از بِنْدِگَانَتِ وَ مِنْ گِرْچِهْ تَقْدِيْمِ نَدَاشْتِهْ اَمْ اَنْجِهْ تَقْدِيْمِ دَاشْتِهْ اَنْدِ از اَعْمَالِ شَايِسْتِهْ فَقَدْ قَدَّمْتُ تَوْحِيدَكَ، وَنَفَى الْأَضْدَادِ وَالْأَنْدَادِ وَالْأَشْبَاهِ عَنكَ، لَكِنْ پِيشِ اُورْدِمُ اَيْنِ رَا كِهْ تَرَا بِهْ يِگَانِگِي شِنَاخْتِمُ وَ نَفِي كَرْدِمُ از تُو ضَدِّ وَ مِثْلِ وَ مَانِنْدِ رَا وَأَتَيْتَكَ مِنَ الْأَبْوَابِ الَّتِي أَمَرْتَ أَنْ تُؤْتِيَ مِنْهَا، وَتَقَرَّبْتُ اِلَيْكَ وَ اَمْدَمُ بِهْ پِيشِگَاهْتِ از اَنْ دِرْها كِهْ فِرْمُودِي از اَنها سُؤِي تُو اَيْنِدُ وَ تَقَرَّبِ جِستِمُ بِسُؤِي تُو بِمَا لَا يَقْرُبُ بِهْ اَحَدٌ مِنْكَ اِلَّا بِالتَّقَرُّبِ بِهْ، ثُمَّ اَتَّبَعْتُ ذَلِكُ بِهْ عَمَلِي كِهْ زَرِيكِ نَمِي گِرْدَدِ كَسِي بِهْ تُو مَگِرْ بِهْ اَنْ عَمَلِ سِپَسِ تَعْقِيْبِ كَرْدِمُ هَمِيْنِ عَمَلِ رَا اِدْعِيهِ وَ آدَابِ مَكِّهِ مَكْرَمِهِ، ص: ۱۵۳ بِالْإِنَابَةِ اِلَيْكَ، وَالتَّذَلُّلِ وَالاسْتِكَانَةَ لِمَكَ، وَحُسْنَ الظَّنِّ بِكَ، بِهْ تُوْبِهْ كَرْدِنِ وَ بَفِرُوتِنِي وَ زَارِي نَمُودِنِ وَ بَتُو گِمانِ نِيكِ دَارِمُ وَالثَّقَمَةَ بِمَا عِنْدَكَ، وَشَفَعْتَهُ بِرَجَائِكَ الَّذِي قَلَّ مَا يَخِيْبُ عَلَيْهِ وَ دَلْگِرْمِ بِهْ اَنْجِهْ زَرْدِ تُو اَسْتِ وَ شَفِيْعِ خُودِ سَاخْتِهْ اَمْ اَنْ اَمِيدُواري رَا كِهْ كَمِ اَفْتَدِ كِهْ نَا اَمِيدِ شُودِ كَسِي كِهْ رَا جِيكُ، وَسَأَلْتُكَ مَسْأَلَةَ الْحَقِيْرِ الذَّلِيلِ، الْبَائِسِ الْفَقِيْرِ، الْخَائِفِ اَمِيدِ بِهْ تُو دَارِدِ وَ دِرْ خُواستِمُ از تُو اَنْچِنَاكِهْ شَخْصِ حَقِيْرِ وَ ذَلِيلِ وَ مَسْتَمِنْدِ وَ فَقِيْرِ وَ تِرْسَانِ الْمُسْتَجِيرِ، وَمَعَ ذَلِكُ خِيْفَةً وَتَضَرُّعًا وَتَعُوذًا وَتَلَوُّذًا، وَ پَنَاهِجُو دِرْخُواستِ مِي كِنْدِ وَ بَا اَيْنِ هَمِهْ دِرْ حَالَتِ بِيْمِ وَ زَارِي مِي كِنْمُ وَ زَنهارِ مِيخُواهَمُ وَ پَنَاهِ مِي جُويْمُ نَهْ مَانِنْدِ لَا مُسِيْ تَطِيْلًا بِتَكْبَرِ الْمُتَكَبِّرِيْنَ، وَلَا مُتَعَالِيًا بِدَالَّةِ الْمُطِيعِيْنَ، سِرْ كِشِي اَنانِ كِهْ تَكْبَرِ مِي وِرْزَنْدِ وَ نَهْ مَانِنْدِ اَنَكِهْ تَفُوقِ جُويْدِ بَعِبَادَتِ دِيگِرَانِ وَلَا مُسِيْ تَطِيْلًا بِشَفَاعَةِ الشَّافِعِيْنَ، وَأَنَا بَعْدُ أَقْلُ الْأَقْلِيْنَ، وَأَذَلُّ وَ نَهْ مَانِنْدِ اَنَكِهْ مَغْرُورِ شُودِ بِهْ شَفَاعَتِ شَفِيْعَانِ وَ مِنْ هِنُوزِ پَسْتِ تَرِيْنِ هَرِ پَسْتِمُ وَ خُوارِ تَرِ الْأَذَلِيْنَ،

وَمِثْلُ الدَّرَّةِ أَوْ دُونَهَا، يَا مَنْ لَمْ يُعَاجِلِ الْمُسَيِّئِينَ، از هر خوارم و مانند موری هستم بلکه کمتر از آنم پس ای خدایی که شتاب نمی‌فرمائی در کیفر گنهکاران و لَا يَنْدُهُ الْمُتْرَفِينَ، وَيَا مَنْ يَمُنُّ بِإِقَالِهِ الْعَاثِرِينَ، وَيَتَفَضَّلُ بِإِنظَارٍ و ناگهان نمی‌گیری غافلان را و ای آنکه منت می‌نهی بدستگیری لغزندگان و تَفَضَّلْ می‌فرمائی به مهلت دادن الخاطئين، أَنَا الْمَسِيءُ الْمُعْتَرِفُ الْخَاطِئُ الْعَاثِرُ، أَنَا الَّذِي أَقْدَمَ خَطَاكَارَانَ مِنْ بَدْكَرْدَارِمْ و اقرار دارم و خطا کردم و لغزیده‌ام من آنم که در پیشگاهت ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۱۵۴ عَلَيْكَ مُجْتَرِئًا، أَنَا الَّذِي عَصَاكَ مُتَعَمِّدًا، أَنَا الَّذِي اسْتَخَفِي مِنْ جُرْتٍ پيدا کرده‌ام من آنم که بتو نافرمانی کرده‌ام از روی عمد من آنم که پنهان داشتم از عبادك و بَارَزَكَ، أَنَا الَّذِي هَابَ عِبَادَكَ وَأَمْنَكَ، أَنَا الَّذِي بَدَّكَ «گناه خود را» و بر تو ظاهر نمودم من آنم که ترسیدم از بندگانت و از تو ایمن بودم من آنم که لَمْ يَزْهَبْ سَطْوَتَكَ و لَمْ يَخَفْ بِأَسْكَ، أَنَا الْجَانِي عَلَى نَفْسِهِ، أَنَا بِيَمٍ نَكَرْتُمْ مِنْ هَيْبَتِ تَوْ و نترسیدم از خشم تو منم که جنایت کردم بر خویشتم منم الْمُزْتَهَنُ بِبَيْتِهِ، أَنَا الْقَلِيلُ الْحَيَاءِ، أَنَا الطَّوِيلُ الْعِنَاءِ، بِحَقِّ مَنْ كَرِهَ فِي الْغُرُوبِ بِلَاهَايِ خُودِمْ هَسْتَمِ مَنْم كِه كَمِ اسْتِ حَيَاءِ مِنْ مَنْم كِه بَسِيَارِ اسْتِ كَرْفَنَارِي مِنْ بَحَقِّ أَنْكَ اسْتَجَبْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَبِمَنْ اضْيَطَفَيْتَهُ لِنَفْسِكَ، بِحَقِّ مَنْ اخْتَرْتَ بَرَكْرِيدِي از ميان آفریدگانت و بحق آنکه اختصاصش دادی بقرب حضورت و بحق آنکه انتخاب فرمودی مِنْ بَرِيَّتِكَ، وَمَنْ اجْتَبَيْتَ لِشَأْنِكَ، بِحَقِّ مَنْ وَصَلَتْ طَاعَتَهُ از ميان مخلوقات و آنکه شایسته‌اش دیدی برای اجرای فرمانت بحق آنکه قرین ساختی طاعت او را بِطَاعَتِكَ، وَمَنْ جَعَلْتَ مَعْصِيَتَهُ كَمَعْصِيَتِكَ، بِحَقِّ مَنْ قَرَنْتَ بَطَاعَتِ خُودِ و بحق آنکه قرار دادی نافرمانی او را مانند نافرمانی خود مُوَالَاتَهُ بِمُوَالَاتِكَ، وَمَنْ نُطَّتْ مُعَادَاتُهُ بِمُعَادَاتِكَ، تَعَمَّدِي فِي بَحَقِّ أَنْكَ بَرَابَرِنُودِي دُوسْتِي اُورَا بَا دُوسْتِي خُودِ و آنکه پیوستی دشمنی او را بدشمنی خود بپوشان مرا در يَوْمِي هَذَا بِمَا تَعَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَيْكَ مُتَنَصِّئًا، وَعَادَ اَيْنَ رُوزِ بَرَحْمَتِ خُودِ هِمَانُظُورِي كِه مِيپُوشَانِي كُسي رَا كِه رُو آوَرْدَ بَتُو دَر حَالِي كِه از گناه بیزاری جوید و پناه طلبد ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۱۵۵ بِاسْتِغْفَارِكَ تَائِبًا، وَتَوَلَّيْتَنِي بِمَا تَوَلَّيْتَنِي بِهِ أَهْلِيلَ طَاعَتِكَ، وَالزُّلْفِي بِأَسْئَلِ بَا طَلَبِ آمْرُوشِ از تُو بِحَالِ تُوْبِه و رُو آوَر بَمَنْ هِمِچَنَانِ كِه رِفْتَارِ مِي نِمَائِي بَا أَنْكَ تَرَا اطاعت کردند و تقرب جستند لَدَيْكَ، وَالْمَكَانَهُ مِنْكَ، وَتَوَخَّذْنِي بِمَا تَوَخَّذُ بِهِ مَنْ وَفِي بِهِ بِشِغَاكِه تُو و دَارَايِ مِقَامِ اَرَجَمَنْدِ شَدَنْدِ از نَاحِيه تُو و تُو تَنهَا كِفَالَتِ مَنْ كَنْ بِمَانَنْدِ كِفَالَتِ نُمُودَنْتِ بِه كُسي كِه وَفَا نُمُودَ بَعْهَيْدِكَ، وَاتَّعَبَ نَفْسَهُ فِي ذَاتِكَ، وَأَجْهَدَهَا فِي مَرْضَاتِكَ، بِه عَهْدِ تُو و بِه رَنْجِ واداشت خود را در راه تُو و كُوشَشِ نُمُودَ دَر خُوشنُودِي تُو و لَا تُؤَاخِذْنِي بِتَفْرِيطِي فِي جَنْبِكَ، وَتَعَدَّي طُورِي فِي حُدُودِكَ، و مرا مؤاخذه مكن بجهت کوتاهی در خدمت تُو و بجهت تجاوز كردنم از حدود تُو و مُجَاوَزَهُ أَحْكَامِكَ، وَلَا تَشْتَدِرْ جُنِي بِإِمْلَائِكَ لِي اسْتِدْرَاجِ مَنْ و بجهت نافرمانی در احكام تُو و مرا سرگرم مساز بمهلت دادنت هِمَانُظُورِ كِه سَرگَرَمِ سَاخْتِي أَنْكَ رَا كِه مَنَعْنِي خَيْرَ مَا عِنْدَهُ، وَلَمْ يَسْرُكْ فِي حُلُولِ نِعْمَتِهِ بِي، وَنَبْهَنِي مِنْ دَرِيغِ دَاشْتِ از مَنْ خَيْرِ خُودِ رَا و شَرَكْتِ نَكْرَدَ بَا تُو دَر دَاذَنْ نِعْمَتِ بَمَنْ و بِيَدَارِ كَنْ مَرَا رَقْدَهُ الْعَافِلِينَ، وَسَيِّئَةَ الْمُسْرِفِينَ، وَنَعْسَةَ الْمُخْذُولِينَ، وَخُذْ از خُوابِ غَافِلَانَ و غَفْلَتِ بَرَهْكَارَانَ و غُنُودِ كِي مَخْذُولَانَ و بَرگَمَارِ بَقْلَبِي اِلَى مَا اسْتَعْمَلْتَ بِهِ الْفَانِتِينَ، وَاسْتَعْبَدْتَ بِهِ الْمُتَعَبِدِينَ، قَلْبِ مَرَا بِه اَنْچِه واداشتی به آن پرستندگان را و عبادت واداشتی به آن عبادت‌کنندگان رَا وَاسْتَتَقَدْتَ بِهِ الْمُتَهَوِّينَ، وَاعْتَدْتَنِي مِمَّا يُبَاعِدُنِي عَنْكَ، وَيُحُولُ و نجات بخشیدی به آن سستکاران را و پناه‌ده مرا از هرچه که دور می‌کند مرا از تُو و حائل می‌گردد ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۱۵۶ بَيْنِي وَبَيْنَ حَطِي مَنِكَ، وَيَصُدُّنِي عَمَّا أُحَاوِلُ لَدَيْكَ، وَسَيَهْلُ مِيانِ مَنْ و مِيانِ بَهره‌مَنْ از تُو و باز مِي دَارَدَ مَرَا از اَنْچِه اميدوارم دَر بِشِغَاكِه تُو و هِمُوارِ كَنْ لِي مَسِيلَكَ الْخَيْرَاتِ اِلَيْكَ، وَالْمَسَابِقَةَ اِلَيْهَا مِنْ حَيْثُ اَمَرْتِ، بَرِ مَنْ رَاهِ خَيْرَاتِ رَا كِه بِه سُوِي تُو اَيْمِ و سَبَقْتِ جُويْمِ بسُوِي اَنهَا چنانكه فرمان داده‌ای وَالْمُشَاحَّةَ فِيهَا عَلَيَّ مَا اُرَدْتِ، وَلَا تَمَحَقَّنِي فِيمَنْ تَمَحَقُّ مِنْ و كُوشَشِ نِمَايْمِ دَر اَن خَيْرَاتِ چنانكه خواسته‌ای و هَلَاكِ مَكْنِ مَرَا دَر زَمْرِه اَنانَكِه هَلَاكِ كَرْدِي الْمُسْتَحْفِينَ بِمَا اُوْعَدْتِ، وَلَا تُهْلِكْنِي مَعَ مَنْ تُهْلِكُ مَنْ بَجْهَتِ اَنْكَ شَمْرَدَنْدِ عَذَابِ تُو رَا و مَرَا نَابُودِ مَسَازِ دَر جَرگِه اَنانَكِه نَابُودِشانِ سَاخْتِي بَجْهَتِ اَنْكَ الْمُتَعَرِّضِينَ لِمَقْرَبِكَ، وَلَا تُبَيِّرْنِي فِيمَنْ تُبَيِّرُ مِنَ الْمُنْحَرِفِينَ عَنْ خُودِ رَا دَر مَعْرُضِ خُشْمِ تُو قَرَارِ دَاذَنْدِ و بَخَطَرِ مِيْفَكْنِ مَرَا مَانَنْدِ اَنانِ كِه مَنحَرَفِ شَدَنْدِ از سُبُلِكَ، وَنَجِّنِي مِنْ عَمَرَاتِ الْفُتْنَةِ، وَخَلِّصْنِي مِنْ لَهْوَاتِ رَاهِي تُو و نجاتم ده از گردابه‌های دریای فتنه و باز رهانم از

لی جِسْمًا، وَلَا تَتَّخِذْنِي هُزُؤًا لِخَلْقِكَ، وَلَا سِيْخْرِيًّا لَكَ، و دگرگون مساز جسم مرا و قرار مده مرا مضحکه خلق خود و نیز با من عمل مستهزءان مکن - وَلَا تَبْعًا إِلَّا لِمَرْضَاتِكَ، وَلَا مُمْتَهِنًا إِلَّا بِالْإِنْتِقَامِ لَكَ، وَأَوْجِدْنِي و مرا پیرو چیزی مگردان جز موجبات خوشنودی تو و مرا به رنج و تعب مدار جز در راه انتقام از دشمنان و روزی من کن ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۱۶۳ بَرِّدْ عَفْوِكَ وَ خَلَاوَةَ رَحْمَتِكَ، وَ رَوْحِكَ وَ رِيْحَانِكَ وَ جَنَّةَ نَعِيمِكَ، سردی مغفرت و شیرینی رحمت و خوشی و بوی جانفزا و بهشت پر نعمت خود را و بیچشان بمن مزه و أَذِقْنِي طَعْمَ الْفِرَاقِ لِمَا تُحِبُّ بِسِعَةِ مِنْ سَعَتِكَ، وَالْإِجْتِهَادِ فِيمَا آسُودَ كِيْ بِه آنچه دوست داری و وسعتی عنایت فرما که بکوشم در آنچه نزدیک میکند مرا به يُزْلِفُ لَدَيْكَ وَعِنْدَكَ، وَ أَتِحْفِنِي بِتُحْفِهِ مِنْ تُحْفَاتِكَ، وَ اجْعَلْ بِشِغَاةِ تُو و ارمغان فرست بمن از نعمت‌های خود و قرار ده سودای مرا پُر سُوْدِ تِجَارَتِي رَابِحَةً، وَ كَرَّتِي غَيْرَ خَاسِرَةٍ، وَ أَخْفِنِي مَقَامِيكَ، وَ سَوْقِي و ایستادن مرا بدون زیان و بترسان مرا بمقام عظمت خود و مرا مشتاق لقای خود گردان و بپذیر لِقَاءَكَ، وَ تُبَّ عَلَيَّ تَوْبَةً نَّصُوحًا، لَا تُبْقِي مَعَهَا ذُنُوبًا صَغِيرَةً وَلَا تَوْبَةً مَرَّاسْتِي که باقی نگذاری گناهان کوچک و بزرگ مرا و رها نکنی کَبِيرَةً، وَلَا تَذُرْ مَعَهَا عَلَانِيَةً وَلَا سِرِّيْرَةً، وَ انْزِعِ الْغُلَّ مِنْ صَدْرِيْ گناهان آشکار و نهان مرا و بیرون کن از سینه من کینه مؤمنان را و لِلْمُؤْمِنِينَ، وَ اعْطِفْ بِقَلْبِيْ عَلَيَّ الْخَاشِعِينَ، وَ كُنْ لِي كَمَا تَكُونُ مَهْرَبَانِ گردان دل مرا بر زیر دستان و بوده باش برای من همچنانکه میباشی با بندگان شایسته خود لِلصَّالِحِينَ، وَ خَلِّنِي حَلِيَّةَ الْمُتَّقِينَ، وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي و آراسته کن مرا به زیور پرهیزکاران و قرار ده برای من زبان نیکوگوی در میان آیندگان الْغَابِرِينَ، وَ ذِكْرًا نَامِيًّا فِي الْآخِرِينَ، وَ وَا فِ بِي عَزِيْزَةً الْأَوْلِيْنَ، وَ تَمِيمَ و ذکر و نام بلندی در میان آخرین و جا ده برای من در میدان آنانکه در خیرات پیش افتادند و تمام گردان ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۱۶۴ شُبُوْعَ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ، وَ ظَاهِرَ كَرَامَاتِيْهَا لَدَيْكَ، اِمْلًا مِنْ فَوَائِدِكَ نعمت خود را بر من و ظاهر ساز کرامت‌های خود را در پیش من پر کن از عطا‌های خود بِيْدِي، وَ سُقْ كَرَامَتِيْ مَوَاهِبِكَ اِلَيَّْ، وَ جَاوِرُ بِي الْمَاطِيِيْنَ مِنْ دَسْتِ مَرَا و روانه ساز بخشش‌های بزرگ خویش را بسوی من و همسایه کن مرا با پاکان از اَوْلِيَاءِكَ فِي الْجَنَانِ اَلَّتِي زَيَّنْتَهَا لِأَصْفِيَاءِكَ، وَ جَلَّلْنِي شَرَائِفَ دُوسْتَانَتِ دَر بَهَسْتِي که آراستی آن را برای برگزیدگان و بیوشان مرابه بزرگترین نَحْلِكَ فِي الْمَقَامَاتِ الْمَعْدَّةِ لِأَحْبَائِكَ، وَ اجْعَلْ لِي عِنْدَكَ مَقِيْلًا عَطَاهَايْتِ دَر اَن مَقَامِ که آماده شده برای دوستانت و قرار ده برای من به پیشگاه خود آسایشگاهی آوِي اِلَيْهِ مُطْمَئِنًّا، وَ مَثَابَةً اَتَّبُوْهَا وَ أَقْرَبُ عَيْنًا، وَلَا تُقَايِسْنِي که ماوی گزینم به آرامی دل و مأمنی که در آن بیاسیم و روشن گردد چشم و مکافات مفرما مَرَا بِعَظِيْمَاتِ الْجَرَائِرِ، وَلَا تُهْلِكْنِي يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ، وَ اَزِلْ عَنِي به بزرگترین گناهانم و هلاک مگردان مرا روزی که آشکار گردد نهانها و زایل نما از من كُلَّ شَكِّ وَ شُبُهَةٍ، وَ اجْعَلْ لِي فِي الْحَقِّ طَرِيْقًا مِنْ كُلِّ رَحْمِيَّةٍ، هَر شَكِّ و شبهه را و قرار ده برای من بسوی حَقِّ رَاهِي از رحمت بی‌پایان خود وَ اَجْزِلْ لِي قِسْمَ الْمَوَاهِبِ مِنْ تَوَالِيكَ، وَ وَفِّرْ عَلَيَّ حُطُوْظَ و بزرگ گردان برایم بهره‌ای از موهبت و عطا‌های خود و بسیار کن حَظَّ مَرَا اِلْحَسَانِ مِنْ اِفْضَالِكَ، وَ اجْعَلْ قَلْبِيْ واثقًا بِمَا عِنْدَكَ، وَ هَمِي از نیکویی و احسان خود و قرار ده قلب مرا امیدوار بدانچه پیش تو است و اندیشه مرا ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۱۶۵ مُشِيْ تَفَرَّغًا لِمَا هُوَ لَكَ، وَ اَسْتَعْمَلْنِي بِمَا تَسْتَعْمَلُ بِه خَالِصَتِكَ، فَارِغْ گردان بکاری که برای تو است و مرا وادار به آنچه و امیداری به آن برگزیدگان را و أَشْرِبْ قَلْبِيْ عِنْدَ ذُهُولِ الْعُقُولِ طَاعَتِكَ، وَ اجْمَعْ لِي الْغَنِي و درآمیز دل مرا به هنگامیکه غافل گردند عقلها از تو با یاد طاعت خود و فراهم کن برای من تَوَانُغِي و الْعَفَافَ وَ الدَّعِيَّةَ وَ الْمُعَافَاةَ وَ الصِّحَّةَ وَ السَّعْيَةَ وَ الطَّمَأْنِيْنَةَ و پاک‌دامنی و آسایش و عافیت و تندرستی و فراخی و آرامش دل و الْعَافِيَّةَ، وَلَا تُحْبِطْ حَسَنَاتِيْ بِمَا يَشُوْبُهَا مِنْ مَعْصِيَّتِكَ، وَلَا و سلامت از هر گزند را و باطل مساز کارهای نیک مرا به آلودگیهای معصیت تو خَلَوَاتِيْ بِمَا يَعْرِضُ لِي مِنْ نَزَاغَاتِ فِتْنَتِكَ، وَ صِيْرِنِ وَجْهِيْ عَنِ و خلوت‌های مرا به آشفستگیهای فتنه درهم مکن و نگاه‌دار آبروی مرا که الطَّلَبِ اِلَى اَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِيْنَ، وَ ذُوْبِيْ عَنِ التَّمَاسِ مَا عِنْدَ طَلَبِ نَكُنْمِ چيزی از هیچ کس از مردمان و محافظت فرما مرا که التَّمَاسِ نَكُنْمِ چيزی را از اَلْفَاسِيَةِ قِيْنَ، وَلَا تَجْعَلْنِي لِلظَّالِمِيْنَ ظَهِيْرًا، وَلَا لَهُمْ عَلَيَّ مَحْوٍ بَدَكَارَانِ و قرار مده مرا برای ستمکاران پشتیبان و برای از میان بردن كِتَابِكَ يَدًا وَ نَصِيْرًا، وَ حُطْنِي مِنْ حَيْثُ لَا اَعْلَمُ حِيَاطَةً نَقِيْنِي قُرْآنِ خود دستیار و یاور آنان مگردان و نگهدار مرا از جائیکه خود ندانم چنان احتیاطی که مرا حفظ کنی بها،

وَأَفْتِيحُ لِي أَبْوَابَ تَوْبَتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَرِزْقِكَ بِهٖ أَنْ وَبِغَشَا بِهٖ رُؤْيُ مَنْ دَرَاهِي تَوْبَةٍ وَرَحْمَتٍ وَ مَهْرَبَانِي وَ رُؤْيُ ادْعِيهِ وَ آدَابِ مَكَّةِ مَكْرَمَةٍ، ص: ۱۶۶ الْوَاسِعِ، إِنِّي إِلَيْكَ مِنَ الرَّاغِبِينَ، وَأَتَمِّمُ لِي إِعْنَامَكَ إِنَّكَ خَيْرُ فَرَاخٍ خُودٍ رَا كَهٗ مِنْ بَسْوَى تَوْرَغْبَتٍ دَارِمٍ وَ تَمَامِ گِرْدَانِ بَرَايِ مَنْ نَعْمَتِ خُوِيْشِ رَا كَهٗ تَو بَهْتَرِيْنَ الْمُتَعَمِّيْنَ، وَاجْعَلْ بَاقِي عُمْرِي فِي الْحَيِّجِ وَالْعُمْرَةِ ابْتِغَاءَ نَعْمَتِ دَهْنَدِ گَانِي وَ بَگِذْرَانِ بَقِيَّتِهِ عَمْرٍا دَرِ حَيِّجٍ وَ عَمْرِهِ بَرَايِ طَلْبِ وَجْهِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ رِضَايِ تَوَايِ پُرُورْدِ گَارِ جِهَانِيَانِ وَ رَحْمَتِ خُدَا بَرِ مُحَمَّدٍ وَ خَانْدَانِشِ كَهٗ پَاكِ الطَّاهِرِينَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَبَدَ الْأَبَدِينَ». وَ پَاكِيْزِ گَانَنْدِ وَ دَرُودِ بَرِ اُو وَ آنَانِ بَادِ پِيُوسْتَهٗ تَا اَبَدِ.»

زیارت امام حسین علیه السلام در روز عرفه

از جمله مستحبات این روز شریف، زیارت حضرت سیدالشهدا علیه السلام می‌باشد و زیارتی که برای آن حضرت در این روز نقل شده است، اختصاص به کسانی دارد که در سرزمین مقدّس کربلا توفیق زیارت آن حضرت را پیدا می‌کنند، علاقمندان به زیارت آن حضرت از راه دور، می‌توانند همان زیارت وارث یا جامعه را که در فصل نخست این کتاب آمده است در این روز بخوانند.

برخی از مستحبات و قوف به مشعرالحرام:

مستحبّ است حاجی با دلی آرام از عرفات به سوی مشعرالحرام حرکت کرده و در حال استغفار باشد، امام صادق علیه السلام فرمود: در راه رفتن نه تند رود و نه آهسته، بلکه به‌طور معمول حرکت کند و کسی را آزار ندهد، و مستحبّ است نماز را تا مزدلفه به تأخیر اندازد، اگر چه ثلث شب نیز بگذرد، و هر دو نماز را با یک اذان و دو اقامه جمع کند، و نوافل مغرب را بعد از نماز عشا بجا آورد، و در صورتی که از رسیدن به مزدلفه پیش از نصف شب مانعی رسید، باید نماز مغرب و عشا را به تأخیر نیندازد، و در میان راه بخواند. و مستحبّ است که در وسط وادی از طرف راست نزول نماید، و اگر حاجی ضروره باشد (سال اول حجّ او باشد)، مستحبّ است که در مشعرالحرام قدم بگذارد، و آن شب را هر مقدار که ممکن باشد به عبادت و اطاعت الهی بسر برد، و این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ هَذِهِ جَمْعٌ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا «خَدَاوَنْدَا! اَكْنُونِ جَمْعِ اسْتِ، خَدَاوَنْدَا! هَمَّ خُوْبِي هَا رَا بَرَايِمِ دَرِ اِيْنِ جَا، ادْعِيهِ وَ آدَابِ مَكَّةِ مَكْرَمَةٍ، ص: ۱۶۸ جَوَامِعِ الْخَيْرِ. اللَّهُمَّ لَا تُؤَيِّنِي مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي سَأَلْتُكَ أَنْ جَمْعِ وَ فَرَاهِمِ سَازِ، خَدَاوَنْدَا! مَرَا اَزِ بَرَاوْرْدَهٗ شَدْنِ خُوَاَسْتِ هَايِ قَلْبِي اَمِ تَجْمَعُهُ لِي فِي قَلْبِي، وَ أَطْلُبُ إِلَيْكَ أَنْ تُعَرِّفَنِي مَا عَرَفْتَ نُوْمِيْدِ مَسَازِ، وَ اَزِ تُو مِي خُوَاَهْمِ كَهٗ اَزِ اَنْ شِنَاخْتِي كَهٗ بَهٗ اُوْلِيَايْتِ دَرِ اِيْنِجَا عَطَا كَرْدِهٗ اِي، اُوْلِيَايَا كَ فِي مَنْرَلِي هَذَا، وَ اَنْ تُقَيِّنِي جَوَامِعِ الشَّرِّ». بَهٗ مَنْ عِنَايْتِ كَنْ، وَ اَزِ مَجْمُوعَهٗ بَدِي هَا مَحْفُوظَمِ دَارِ.» اِمَامِ صَادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامِ فَرَمُود: مَسْتَحَبّ اسْتِ بَعْدِ اَزِ نَمَازِ صَبْحِ دَرِ حَالِ طَهَارَتِ حَمْدِ وَ ثِنَايِ اِلَهِي رَا بَجَا اُوْرْدِ، وَ بَهٗ هَرِ مَقْدَارِ كَهٗ بَتُوَاَنْدِ اَزِ نَعْمَتِهَا وَ تَفَضُّلَاتِ حَضْرَتِ حَقِّ ذِكْرِ كَنْدِ، وَ بَرِ مُحَمَّدِ وَ آلِ مُحَمَّدِ صَلَوَاتِ بَفْرَسْتَنْدِ، اَنْگَاَهٗ دَعَا نَمَايْدِ، وَ اِيْنِ دَعَا رَا نِيْزِ بَخُوَاَنْدِ: «اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ، فَكِّ رَقِيَّتِي مِنَ النَّارِ، وَ اَوْسِعْ «اِي خُدَا، اِي پُرُورْدِ گَارِ مَشْعَرِ الْحَرَامِ! اَزَادَمِ كَنْ اَزِ آتَشِ دُوْزَخِ، اَزِ رُؤْيِ حَلَالِ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَ اَدْرَأْ عَنِي شَرَّ فَسَقَةِ الْجَنِّ وَ الْاِنْسِ، بَرِ مَنْ تُوْسَعَهٗ بَخْشِ، شَرِّ جَنِّ وَ اِنْسِ رَا اَزِ مَنْ دَفْعِ كَنْ، اللَّهُمَّ اَنْتَ خَيْرُ مَطْلُوبٍ اِلَيْهِ، وَ خَيْرُ مِدْعُوٍّ وَ خَيْرُ مَسْئُوْلٍ، وَ لِكُلِّ تُو بَهْتَرِيْنَ مَطْلُوبِ وَ بَهْتَرِيْنَ كَسِي هَسْتِي كَهٗ اُو رَا خُوَاَنْدِ وَ اَزِ اُو خُوَاَهَنْدِ ادْعِيهِ وَ آدَابِ مَكَّةِ مَكْرَمَةٍ، ص: ۱۶۹ وَ اِفِدِ جَائِزَةً، فَاجْعَلْ جَائِزَتِي فِي مَوْطِنِي هَذَا اَنْ تُقَيِّلِنِي عَثْرَتِي، هَرِ كَهٗ بَهٗ دَرِ گَاهْتِ اَيْدِ اُو رَا جَائِزَهٗ اِي اسْتِ، جَائِزَهٗ مَرَا دَرِ اِيْنِجَا چِنِيْنَ قَرَارِ دِهٖ كَهٗ اَزِ لَغْزَشْمِ دَرِ گِذْرِي، وَ تَقَبَّلْ مَعْدِرَتِي، وَ اَنْ تَجَاوَزَ عَنِّ حَطِيَّتِي، ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى مِنْ پُوْزَشْمِ رَا بِنْدِيْرِي، اَزِ خَطَايِمِ دَرِ گِذْرِي وَ رَهٗ تُوْشَهَامِ رَا اَزِ دُنْيَا الدُّنْيَا زَادِي». تَقُوَا قَرَارِ دَهِي.» مَسْتَحَبّ اسْتِ سَنَگِ رِيْزَهٗ هَايِي رَا كَهٗ دَرِ مَنْ رَمِي خُوَاَهْدِ نَمُودِ اَزِ مَزْدَلْفَهٗ بَرْدَارِ دِ، كَهٗ مَجْمُوعِ اَنهَا هَفْتَادِ دَانَهٗ اسْتِ. وَ مَسْتَحَبّ اسْتِ وَ قْتِي اَزِ مَزْدَلْفَهٗ بَهٗ سُوِي مَنْ اَحْرَكَ كَرْدِ وَ بَهٗ وَادِي مَحْسِرِ رَسِيْدِ، بَهٗ مَقْدَارِ صَدِ قَدَمِ هَزُوْلَهٗ كَنْدِ وَ بَگُوِيْدِ: «اللَّهُمَّ سَلِّمْ لِي عَهْدِي، وَ اَقْبَلْ تَوْبَتِي، وَ اَجِبْ دَعْوَتِي، «خُدَايَا پِيْمَانَمِ رَا

سالم، توبه‌ام را پذیرا و دعایم را مستجاب فرما و در آنچه پس از **وَ اٰخْلَفْنِي فَيَمَنْ تَرَكْتُ بَعْدِي**». خویش نهادم، جانشین باش.»

مستحبات رمی جمرات:

در رمی جمرات چند چیز مستحب است: ۱. طهارت. ۲. امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که سنگ‌ها را در دست ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۷۰ گرفته و آماده رمی است، این دعا را بخواند: **«اللَّهُمَّ هَذِهِ حَصِيَّةٌ يَاتِي، فَأَخْصِرْ هَنَّا لِي، وَارْفَعْهُنَّ فِي عَمَلِي»**. «خداوندا! اینست سنگریزه‌هایم، آنها را برایم احصا، و در نامه عملم ثبت فرما.» ۳. با هر سنگی که می‌اندازد تکبیر بگوید. ۴. با هر سنگی که می‌اندازد این دعا را بخواند: **«اللَّهُ أَكْبَرُ. اللَّهُمَّ ادْحَرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ. اللَّهُمَّ تَصَدِّقًا بِكِتَابِكَ** «خدا بزرگ است، خداوندا! شیطان را از من دور ساز، خداوندا! به کتابت و علی سُنَّتِهِ نَبِيِّكَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي حَجًّا مَبْرُورًا، وَعَمَلًا مَقْبُولًا، وَبِهِ سُنَّتِ پیامبرت تصدیق می‌نمایم، خداوندا! این را برای من حجاجی خالص و مقبول و سَعِيًّا مَشْكُورًا، وَذَنْبًا مَغْفُورًا». و تلاشی با پاداش مضاعف و با گناه آمرزیده قرارده.» ۵. در جمره عقبه میان او و جمره، ده تا پانزده ذراع فاصله باشد، و در جمره اولی و وسطی کنار جمره بایستد. ۶. جمره عقبه را رو به جمره و پشت به قبله رمی نماید، و جمره اولی و وسطی را رو به قبله رمی نماید. ۷. سنگ‌ریزه را بر انگشت ابهام گذارده، و با ناخن ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۷۱ انگشت شهادت بیندازد. ۸. پس از برگشت به جای خود در منا، این دعا را بخواند: **«اللَّهُمَّ بِكَ وَثِقْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، فَانْعَمَ الرَّبُّ، وَنِعَمَ** «خداوندا! بتو اعتماد و بر تو توکل کردم، نیکو پروردگار و نیکو مولا **الْمَوْلَى وَنِعَمَ النَّصِيرِ»**. و نیکو یآوری می‌باشی.»

آداب قربانی:

مستحبات قربانی چند چیز است: ۱. در صورت تمکن، قربانی شتر باشد. اگر نبود گاو، و اگر گاو هم نبود گوسفند باشد. ۲. قربانی بسیار فربه و چاق باشد. ۳. در صورت شتر یا گاو بودن از جنس ماده باشد. و در صورت گوسفند یا بز بودن از جنس نر باشد. ۴. اگر قربانی شتر است ایستاده او را نحر کنند. و از سر دست‌ها تا زانوی او را ببندند. و شخص از جانب راست او بایستد. کارد یا نیزه و یا خنجر به گودال گردن او فرو برد. ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۷۲ امام صادق علیه السلام فرمود: قربانی را رو به قبله قرار داده، و هنگام ذبح یا نحر این دعا را بخواند: **«وَجْهَتْ وَجْهِي لِلذِّي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ حَنِيفًا مُسْلِمًا** «به کسی روی آوردم که پدید آورنده آسمان و زمین است، در حالی که خدا پرست و مسلمانم و ما انا من المشرکین، ان صلاتی ونسکی ومحیای ومماتی لله و از مشرکان نمی‌باشم، نماز، عبادت، زیستن و مردنم به اراده رب العالمین، لا شریک له، و بذلک امرت و انا من المسلمین، پروردگار جهانیان می‌باشد، او را همتایی نیست، به این کار امر شده‌ام و من از جمله مسلمانانم، اللَّهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي». خداوندا! همه چیز از تو است و برای تو است، به نام خدا، و خداوند بزرگ است، خداوندا از من بپذیر.»

مستحبات حلق و تقصیر:

مستحب است رو به قبله نام خدا را بر زبان جاری کرده، و از جانب راست پیش سر را ابتدا کند، و این دعا را بخواند: **«اللَّهُمَّ أَعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَحَسَنَاتٍ** «خداوندا! به شمار هر مو، نوری در قیامت به من عطا فرما و نیکی‌های مضاعفات، إِنَّكَ عَلَيَّ كَمُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». مضاعف عنایت کن که تو بر هر چیز توانایی.» ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۷۳ و نیز مستحب است موی سر خود را در منا در خیمه خود دفن نماید، و بهتر این است که بعد از حلق از اطراف ریش و شارب خود گرفته، و هم چنین ناخن‌ها را بگیرد.

مستحبات منا:

۱. مستحب است حاجی ایام تشریق یعنی یازدهم، دوازدهم و سیزدهم را در منا بماند، و این ماندن در منا بهتر است از اینکه به مکه رفته، و طواف مستحبی انجام دهد. ۲. مستحب است حاجی در منا بعد از پانزده نماز واجب و در غیر منا بعد از ده نماز که اول آن نماز ظهر روز عید است، این تکبیرات را بخواند: «اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ عِزُّ بزرگ است خدا بزرگ است معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگ است و خدا بزرگ است و ستایش الحمد، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَيَّ مَا هَدَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَيَّ مَا زَرَقْنَا مِنْ بَيْمَةٍ خَاصِ خَدا است خدا بزرگ است برای آنکه ما را هدایت کرد خدا بزرگ است برای آنکه روزی ما کرد از گوشت چهار پایان الْأَنْعَامِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَيَّ مَا أَهْلَانَا». و ستایش خاص خدا است برای آنکه آزمود ما را.»

مستحبات مسجد خیف:

۱. مستحب است حاجی نمازهای شبانه روزی خود را چه واجب و چه مستحب در مسجد خیف بخواند، و بهترین محل جایگاه نماز نبی اکرم صلی الله علیه و آله می باشد که از مناره تا سی ذراع از طرف قبله و از سمت راست و چپ و پشت سر قرار دارد. ۲. صد مرتبه سُبْحَانَ اللَّهِ گفتن. ۳. صد مرتبه لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ گفتن. ۴. صد مرتبه الْحَمْدُ لِلَّهِ گفتن. ۵. خواندن شش رکعت نماز در جایگاه اصلی مسجد، و بهتر است این نماز را هنگام مراجعت به مکه روز سیزدهم انجام دهد.

مستحبات برگشت به مکه معظمه:

۱. غسل جهت ورود به شهر مکه معظمه و مسجد الحرام. ۲. وارد شدن به مسجد الحرام از باب السَّلام. ۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده که اگر روز عید قربان به زیارت خانه خدا مشرف شدی بر در مسجد بایست، و این دعا را بخوان: ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۷۵ «اللَّهُمَّ اعْنِي عَلَيَّ نُسْرِكَ، وَسَلِّمْنِي لَهُ وَسَلِّمْنِي لِي، أَسْأَلُكَ «خداوندا! مرا بر عبادت یاری کن، مرا برای عبادت سلامت دار و آن را برای من سالم دار، از تو می خواهم مَسْأَلَةَ الْعَلِيلِ الدَّلِيلِ الْمُعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ، أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي، وَأَنْ سْؤَالَ بِنْدَةِ نَاتَوَانِ، خَوَارِ، مُعْتَرِفِ بِغَنَاهِ كَمَا غَنَاهَانِي بِبِخْشَائِي وَبَا تَرْجِعَنِي بِحَاجَتِي. اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَالْبَلَدُ بَلَدُكَ، وَالْبَيْتُ حَاجَتِ بَرَأُورِدَةِ بَازِمِ گِردَانِي، خِداوندا! من بنده تو و این شهر، شهر تو و خانه، بَيْتِكَ، جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ، وَأَوْثَمُ طَاعَتِكَ، مُتَّبِعًا لِأَمْرِكَ، خَانه تو است برای طلب رحمت آمده ام و به قصد عبادت تو و پیروی از دستورات، رَاضِيًا بِقَدْرِكَ، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ، الْمُطِيعِ لِأَمْرِكَ، رَاضِيًا بِتَقْدِيرِكَ، هَمَّ چُون بِيچاره ای مطيع فرمانت الْمُشْفِقِ مِنْ عَذَابِكَ، الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ، أَنْ تُبَلِّغَنِي عَفْوَكَ، بِيَمْنَاكَ از عذاب و ترسان از كيفرت از تو می خواهم که مرا مشمول عفو قرار دهی وَتَجِيرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ». و از آتش در رحمت قرارم دهی.»

مستحبات و اعمال مکه مکرمه:

۱. نمازهای واجب را در مسجد الحرام بجا آورد. ۲. ذکر خدا را بسیار بگوید، و حالت تذکر و تبتّه را در ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۷۶ خود حفظ نماید. ۳. قرآن را ختم نماید، تا نمیرد مگر اینکه جای خود را در بهشت دیده، و حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را ببیند. ۴. بسیار به کعبه معظمه نگاه کند، که موجب آموزش گناهان می شود. ۵. به هر اندازه که بتواند برای خود و پدر و مادر و خویشاوندان طواف مستحبی انجام دهد، و اگر بتواند به تعداد ایام سال طواف نماید ثواب بسیار دارد. ۶. از آب زمزم بنوشد. ۷. طواف وداع انجام دهد.

طواف وداع:

بدان که برای کسی که می‌خواهد از مکه بیرون رود، مستحب است طواف وداع نماید، و در هر دور حجرالأسود و رکن یمانی را در صورت امکان استلام کند، و چون به مستحار که نام دیگر آن ملتزم است و نزدیک رکن یمانی است رسد مستحباتی را که قبلاً برای آن مکان ذکر شد بجا آورد، و آنچه خواهد دعا کند. بعد حجرالأسود را استلام نموده، و شکم ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۷۷ خود را به خانه کعبه بچسباند، یک دست را بر حجر و دست دیگر را به طرف در گذاشته، و حمد و ثنای الهی نماید، و صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد، و این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، وَنَبِيِّكَ وَأَمِينِكَ، «خداوندا! درود فرست بر محمد، بنده، و فرستاده، و پیامبر، و امین، و حبیبک و نجویک، و خیرتک من خلقک. اللَّهُمَّ كَمَا بَلَغَ وَحَبِيبَ، وَ رَاذِدَارَ وَ بَرِغَزِيدَةَ مِنْ بَيْنِ آفَرِيدَةِ هَايَتِ، خَدَاوندَا! چنانچه او پیامت رسالاتک، وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ، وَ صَدَعَ بِأَمْرِكَ، وَ أَوْذَى رَا اِبْلَاغَ، وَ دَرِ رَاهَتِ جِهَادَ، وَ دِينَتِ رَا أَشْكَارَ وَ بَرَا دِينِ تُو فِي جَنَبِكَ حَتَّى آتَاهُ الْيَقِينُ. اللَّهُمَّ أَقْلِبْنِي مُفْلِحًا مُنْجِحًا تَا لِحِظِهِ مَرَّكَ رَنْجِ كَشِيدِ، خَدَاوندَا! مَرَا بَا حَاجَاتِ بَرِ آوَرِدَةَ، بَا رِسْتِكَارِي وَ دَعَايِ مُشْتَجَابَا لِي، بِأَفْضَلِ مَا يَرْجِعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ مِنَ الْمَغْفِرَةِ مُسْتَجَابِ بَا زِ گَرْدَانِ، بَهْ بَهْتَرِينِ صُورَتِي كَهْ فَرْدِي اَزِ وَارْدَانِ بَرِ خُوِيَشِ رَا بَا مَغْفِرَتِ وَ الْبَرَكَهَةِ وَ الرِّضْوَانِ وَ الْعَافِيَةِ، (مِمَّا يَسَعُنِي أَنْ أَطْلُبَ أَنْ تُعْطِنِي وَ خُوشَنُودِي وَ عَافِيَتِ بَا زِ مِي گَرْدَانِي، آَنِچَهْ رَا اَزِ تُو مِي تُوَانِمِ بَخَوَاهِمِ مِثْلَ الَّذِي أَعْطَيْتَهُ أَفْضَلَ مِنْ عَبْدِكَ، وَ تَرِيدُنِي عَلَيْهِ) اللَّهُمَّ إِنْ بَهْ بَهْتَرِينِ صُورَتِي كَهْ بَهْ بَهْتَرِينِ بِنْدَهَاتِ مِي بَخُشِي وَ اَفَزُونِ اَزِ آن بَهْ مِنْ عَطَاكَنِ. خَدَاوندَا! ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۷۸ اَمْتِي فَاغْفِرْ لِي وَ اِنْ اَحْيَيْتَنِي فَازْرِقْنِيهِ مِنْ قَابِلِ. اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلُهُ هَرِگَاهِ كَهْ مُرْدَمِ پَسِ بِيَاْمَرِزِ مَرَا وَ اِگَرِ زَنْدَهَامِ دَاشْتِي، پِشَاپِيشِ رُوزِي اَمِ دَهْ، خَدَاوندَا! اَيْنِ زِيَارَتِ آخِرِ الْعَهْدِ مِنْ بَيْتِكَ. اللَّهُمَّ اِنِّي عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ وَ ابْنُ رَا بَرَايِمِ آخِرِينِ زِيَارَتِ خَانَهَاتِ قَرَارِ مَدَهْ، خَدَاوندَا! مِنْ بِنْدَهْ وَ فَرَزَنْدِ بِنْدَهْ اَمْتِكَ، حَمَلْتَنِي عَلَي دَائِيكَ، وَ سَيَّرْتَنِي فِي بِلَادِكَ، حَتَّى وَ كَنِيَزِ تُو هِسْتَمِ، مَرَا بَرِ مَرَكُوبَتِ سُوَارِ وَ اَزِ مَسِيرِ شَهْرَهَايَتِ بَهْ اَدْخَلْتَنِي حَرَمَكَ وَ اَمْنَكَ، وَ قَدْ كَانِ فِي حُسْنِ ظَنِّي بِكَ اَنْ حَرَمِ اَمْنَتِ رَسَانْدِي، وَ گَمَانِ نِيكَمِ بَهْ تُو اَيْنِ اسْتِ كَهْ تَغْفِرْ لِي ذُنُوبِي، فَاِنْ كُنْتَ قَدْ غَفَرْتَ لِي ذُنُوبِي فَاَزِدْ عَنِّي رِضَى، گَنَاهَانِمِ رَا بِيَاْمَرِزِي، وَ چنانچه آمريزیده‌ای، خوشنوديت را از من افزون ساز، وَ قَرِّبْنِي اِلَيْكَ زُلْفَى وَ لَا تَبَاعِدْنِي، وَ اِنْ كُنْتَ لَمْ تَغْفِرْ لِي فَمِنْ وَ بَهْ مَقَامِ قَرَبَتِ نَائِلِ سَاَزِ، وَ دُورَمِ نَسَاَزِ وَ اِگَرِ نِيَاْمَرِزِيدَهَايِ هَمِ اَلآنَ فَاغْفِرْ لِي قَبْلَ اَنْ تَنْأَى عَن بَيْتِكَ دَارِي، وَ هَذَا اُوَانُ اَكُونُ مَرَا بِيَاْمَرِزِ پِيشِ اَزِ آنَكِهْ خَانَهْ تَرَا بَهْ سُوِي خَانَهَامِ تَرَكْ كَنَمِ، اَيْنَكِ اَعَاَزِ اِنْصِرَافِي، اِنْ كُنْتَ اَذْنَتْ لِي غَيْرَ رَاغِبٍ عَنكَ وَ لَا عَن بَيْتِكَ، بَا زِ گِشْتَمِ مِي بَاشَدِ، اِگَرِ اِجَازَهَامِ دَهِي، بِيِ آنَكِهْ بَهْ تُو وَ خَانَهَاتِ بِيِ رَغْبَتِ شَدَهْ وَ لَا مُسْتَبَدِلِ بِكَ وَ لَا بَهْ. اللَّهُمَّ اِحْفَظْنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيِّ وَ مِثْنِ وَ جَايْكَزِينِي بَرَايِ تُو وَ خَانَهَاتِ گَرَفْتَهْ بَاشَمِ، خَدَاوندَا! مَرَا اَزِ پِيشِ رُوِ وَ اَزِ ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۷۹ خَلْفِي وَ عَن يَمِينِي وَ عَن شِمَالِي، حَتَّى تُبَلِّغَنِي اَهْلِي، پِشْتِ سَرِ، اَزِ رَاسْتِ وَ چپِ مَحَافِظْتِ فَرْمَا، تَا مَرَا بَهْ خَانَوَادَهَامِ بَرِسَانِي وَ چُونِ وَ اَكْفِنِي مَوْوَنَهَ عِبَادِكَ وَ عِيَالِي، فَاِنَّكَ وَ لِي ذَلِيكَ مِنْ خَلْقِكَ رَسِيدَمِ، هَزِينَهْ زَنْدِگِي شَانِ رَا كَفَايَتِ كُنْ، كَهْ تُو كَفَايَتِ كُنْنَدَهْ مِنْ وَ دِيگَرِ آفَرِيدَهَايَتِ وَ مِينِي. مِي بَاشِي.» پَسِ مَقْدَارِي اَزِ آبِ زَمَزَمِ بِيَاشَامَدِ، وَ اَيْنِ دُعَا رَا بَخَوَانَدِ: «آبِيُونِ تَابِيُونِ عَابِدُونِ لِرَبَّنَا حَامِدُونِ، اِلَى رَبَّنَا «بَا زِ گِشْتِگَانِ، تُوْبَهْ كُنْنَدِگَانِ، عِبَادَتِ كُنْنَدِگَانِ وَ سَتَايِشْگَرَانِ پَرُورْدِ گَارْمَانِ مِي بَاشِيمِ، رَاغِبُونِ، اِلَى اللّهِ رَا جِعُونِ اِنْ شَاءَ اللّهُ.» بَهْ سُوِي پَرُورْدِ گَارْمَانِ مُشْتَاقَانَهْ بَا زِ گِشْتَهْ وَ رَجَعْتِ مِي كَنِيمِ.» ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۸۱ بَخْشِ دُومِ: زِيَارَتِ مَزَارَهَايِ مَتَبَرِّكِهْ مَكَّهْ مَكْرَمَهْ

بخش دوم: زیارت مزارهای متبرکه مکه مکرمه

توضیحی کوتاه درباره مزارهای مکه مکرمه:

یکی از اعمال مفید و سازنده که با تأکیدات فراوان مورد توجه و توصیه ائمه اطهار و پیشوایان دین قرار گرفته، یاد گذشتگان و زیارت

قبور آنان می‌باشد. براین اساس محلّ مراقدی که در مکه مشخص است و حتّیاج محترم می‌توانند با حضور در کنار قبور آن بزرگواران یا از دور درک فیض نمایند، یادآوری می‌گردد: ۱. قبرستان ابوطالب- که به آن حُجُون و جَنَّة الْمُعَلّی نیز گفته می‌شود- پس از بقیع اشرف مقابر است، و رسول اکرم صلی الله علیه و آله مکرر به آنجا رفت و آمد داشته‌اند. و در آنجا حضرت عبدمناف جدّ اعلای پیامبر، حضرت عبدالمطلب جدّ پیامبر، حضرت ابو طالب عموی پیامبر، حضرت خدیجه همسر پیامبر، و عدّه‌ای از علمای ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۸۲ بزرگ و جمع بسیاری از مؤمنین، مدفون می‌باشند. و بنا بر قولی مدفن والده مکرمه حضرت نبی اکرم «آمنه بنت وهب» نیز در این قبرستان قرار دارد. گرچه مشهور این است که قبر آن جناب در ابواء بین مکه و مدینه است.

زیارت عبد مناف علیه السلام

جدّ اعلای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله «السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا السَّيِّدُ النَّبِیُّ، السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الْغُصْنُ» سلام بر تو ای سید بزرگوار، سلام بر تو ای شاخه الثَّمَرُ مِنْ شَجَرَةِ إِبْرَاهِیْمَ الْخَلِیْلِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا جدّ خَیْرٍ پر بار شجره (طَیْبِه) ابراهیم خلیل علیه السلام، سلام بر تو ای جد بهترین الوری السَّلَامُ عَلَیْكَ یا ابْنِ الْأَنْبِیَاءِ الْأَصْفِیَاءِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ آفریده‌ها، سلام بر تو ای پسر پیامبران برگزیده، سلام بر تو یا ابْنِ الْأَوْصِیَاءِ الْأَوْلِیَاءِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا سَیِّدِ الْحَرَمِ، السَّلَامُ ای پسر اوصیای اولیا، سلام بر تو ای بزرگ حرم، سلام بر عَلَیْكَ یا وارثِ مَقَامِ إِبْرَاهِیْمَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا صَاحِبِ بَیْتِ اللَّهِ تو ای وارث مقام ابراهیم، سلام بر تو ای سرپرست بیت الله الْعَظِیْمِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ وَعَلَى آبَائِكَ الطَّاهِرِیْنَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. عظیم، سلام بر تو و بر پدران و فرزندان پاکت و رحمت خدا و برکاتش بر همه شما باد.»

زیارت عبدالمطلب جدّ پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله

«السَّلَامُ عَلَیْكَ یا سَیِّدَ الْبَطْحَاءِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا مَنْ نَادَاهُ» سلام بر تو ای سَیِّدِ سِرْزَمِیْنِ بطحا، سلام بر تو ای فراخوانده هاتِفُ الْغَیْبِ بِأَكْرَمِ نِدَائِهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا ابْنِ إِبْرَاهِیْمَ از سوی فراخوان غیبی به بهترین صورت، سلام بر تو ای پسر ابراهیم الْخَلِیْلِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا وارثِ الذَّیْبِیحِ إِسْمَاعِیْلِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ خلیل، سلام بر تو ای وارث اسماعیل ذبیح، سلام بر تو یا مَنْ أَهْلَكَ اللَّهُ بِدُعَائِهِ أَصْحَابَ الْفِیْلِ، وَجَعَلَ كِنْدَهُمْ فِیْهِ ای آنکه به دعایش اصحاب فیل به نابودی رسید، و توطئه‌شان تَضْلِیْلِ، وَأَرْسَلَ عَلَیْهِمْ طِیْرًا أَبَابِیْلَ، تَزْمِیْهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سَیِّجِیْلِ، خنثی گردید، و بر سر آنان پرنده ابابیل را فرستاد، و آنان را با سنگ‌های کوچکی هدف قرار داد، فَجَعَلَهُمْ كَعَصِیْفٍ مَأْكُولٍ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا مَنْ تَضَرَّعَ فِیْهِ وَهَمَّهُ را چون کاه خورد شده قرارشان داد، سلام بر تو ای آنکه متضرّعانه عرض حاجتِهِ إِلَى اللَّهِ، وَتَوَسَّلَ فِیْ دُعَائِهِ بِنُورِ رَسُولِ اللَّهِ صَیِّمِ اللَّهِ حَاجَتِ بِهِ درگاه الهی نمود، و در دعایش به نور رسول خدا صلی الله علیه و آله تَوَسَّلَ عَلَیْهِ وَآلِهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا مَنْ اسْتَجَابَ اللَّهُ دُعَاءَهُ، جست، سلام بر تو ای آنکه خداوند دعایش اجابت نمود، ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۸۴ وَتُوْدَى فِی الْكَعْبَةِ، وَبُشِّرَ بِالْإِجَابَةِ فِی دُعَائِهِ، وَأَسَیَّدَ اللَّهُ الْفِیْلَ و در کعبه مورد ندای غیبی قرار گرفت، و مژده اجابت دعا به او داده شد، و خداوند فیل اِكْرَامًا وَإِعْظَامًا لَهُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا مَنْ أَتْبَعَ اللَّهُ لَهُ الْمَاءَ حَتَّى رَأَى بِهِ زَانُوهُمُ در آورد، سلام بر تو ای آنکه به امر خداوند برایش آب از زمین جوشید تا او شَرِبَ وَازْتَوَى فِی الْأَرْضِ الْقَفْرَاءِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا ابْنِ الذَّیْبِیحِ در سرزمین بی آب و علف سیراب گردید، سلام بر تو ای پسر و وَأَبَا الذَّیْبِیحِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا سَاقِی الْحِجِیجِ وَحَافِرِ زَمْزَمَ، پدر ذبیح، سلام بر تو ای سَاقِی حِجَاجِ وَحَفَرِ زَمْزَمَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا مَنْ جَعَلَ اللَّهُ مِنْ نَسْلِهِ سَیِّدَ الْمُؤْمِنِیْنَ وَخَیْرَ سَلَامٍ بر تو ای آنکه خداوند در نسل او سرور پیامبران و بهترین اَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِیْنَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا مَنْ طَافَ حَوْلَ آفَرِیْدَةِ هَیْ آسمان و زمین را قرار داد، سلام بر تو ای آنکه بر گرد الْكَعْبَةِ وَجَعَلَهُ سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا مَنْ رَأَى فِی كَعْبِهِ طَوَافَ هَفْتَاكَانَ گزارد، سلام بر تو ای کسی که در خواب الْمَنَامِ سِلْسَلَةَ التُّورِ وَعَلِمَ أَنَّهُ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا رشته نوری مشاهده و فهمید که او اهل بهشت

می‌باشد، سلام بر تو ای شَیْبَةُ الْحَمْدِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ وَعَلَى آبَائِكَ وَأَجْدَادِكَ وَأَبْنَائِكَ شَیْبَةُ الْحَمْدِ، سلام بر تو و بر تمام پدر و اجداد و فرزندان، و رحمت ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۱۸۵ جَمِيعًا وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. و برکات الهی بر همه شما باد.»

زیارت حضرت ابوطالب عموی گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله

و پدر بزرگوار امیرمؤمنان علیه السلام «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا سَيِّدَ الْبَطْحَاءِ وَابْنَ رَيْسِهَا، السَّلَامُ عَلَیْكَ» سلام بر تو ای بزرگ سرزمین بطحا و فرزند رئیس آن، سلام بر تو یا وارث الْكَعْبَةِ بَعْدَ تَأْسِيسِهَا، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا كَافِلَ الرَّسُولِ ای وارث سرپرستی کعبه پس از تجدید بنا، سلام بر تو ای سرپرست وَنَاصِرَهُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا عَمَّ الْمُصْطَفَى وَأَيَّ الْمُرْتَضَى السَّلَامُ و یاور پیامبر، سلام بر تو ای عموی حضرت مصطفی و پدر علی مرتضی، سلام عَلَیْكَ يَا بَيْضَةَ الْبَلَدِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الذَّابُّ عَنِ الدِّينِ، بر تو ای بزرگ شهر، سلام بر تو ای مدافع دین وَالْبَاذِلُ نَفْسَهُ فِي نَصْرِهِ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ وَعَلَى و یار جان‌نثار سرور پیامبران، سلام و رحمت و برکات الهی بر تو و بر وَلَدِكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. فرزندان امیر مؤمنان باد.»

زیارت حضرت خدیجه، همسر گرامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا زَوْجَةَ سَيِّدِ» سلام بر تو ای مادر مؤمنان، سلام بر تو ای همسر سرور الْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أُمَّ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةَ نِسَاءِ فِرْسْتَادِ كَانِ، سلام بر تو ای مادر فاطمه زهرا سرور بانوان الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَوَّلَ الْمُؤْمِنَاتِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَنْ دُو جِهَانِ، سلام بر تو ای نخست بانوی مؤمن، سلام بر تو ای آنکه أَنْفَقَتْ مَالَهَا فِي نَصْرِ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ، وَنَصْرَتُهُ مَا لَيْسَ بِطَاعَتِ دَارَائِشِ رَا دَر رَاهِ پِירוْزِي اسْلَامِ و یاری سرور انبیا هزینه کرد و دشمنان وَدَافَعَتْ عَنْهُ الْأَعْدَاءِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَنْ سَلَّمَ عَلَيْهَا جَبْرَائِيلُ، رَا از او دور ساخت، سلام بر تو ای آنکه بر او جبرئیل درود فرستاد، وَبَلَّغَهَا السَّلَامَ مِنَ اللَّهِ الْجَلِيلِ، فَهَيِّئْنَا لَكَ بِمَا أَوْلَاكَ اللَّهُ مِنْ و سلام خدای بزرگ را به او ابلاغ کرد، این فضل الهی گواریت باد فَضْلٍ، وَالسَّلَامُ عَلَیْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. و سلام و رحمت و برکاتش بر تو باد.»

زیارت حضرت قاسم فرزند رسول اکرم صلی الله علیه و آله

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا سَيِّدَنَا يَا قَاسِمَ بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ» سلام بر تو ای سرور ما؛ ای قاسم پسر رسول خدا، سلام عَلَیْكَ يَا ابْنَ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا ابْنَ حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ بر تو ای پسر پیامبر خدا، سلام بر تو ای پسر حبیب خدا، سلام عَلَیْكَ يَا ابْنَ الْمُصْطَفَى السَّلَامُ عَلَیْكَ وَعَلَى مَنْ حَوْلِكَ مِنْ بر تو ای پسر حضرت مصطفی، سلام بر مردان و زنان با ایمان مدفون در اطراف، الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْكُمْ وَأَرْضَاكُمْ أَحْسَنَ خِدَاوَنْدِ از شما خوشنود و شما را از خود به بهترین صورت الرضا، وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَكُمْ وَمَسِيْكُنْكُمْ وَمَأْوِيكُمْ، السَّلَامُ خوشنود گرداند، و بهشت را منزل و مأویتان قرار دهد، سلام و عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. رحمت و برکات خدا بر شما باد.» ۲. مزار شهدای فح: در این مکان که نزدیک مسجد تنعیم است حدود صد نفر از فرزندان حضرت زهرا علیها السلام به دستور خلیفه عباسی «موسی الهادی» به شهادت رسیده، و به ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۱۸۸ خاک سپرده شده‌اند با همان زیارت که امام زادگان زیارت می‌شوند، آنان زیارت می‌گردند:

مزار شهدای فح

«السَّلَامُ عَلَیْ جَدِّكُمْ الْمُصْطَفَى السَّلَامُ عَلَیْ أَبِيكُمْ» سلام بر جدتان حضرت مصطفی، سلام بر پدرتان الْمُرْتَضَى الرضا، السَّلَامُ عَلَی السَّيِّدِينَ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ، علی مرتضی، راضی به قضای حق، سلام بر دو سرور؛ امام حسن و امام حسین، السَّلَامُ عَلَی خَدِيجَةَ أُمَّ

الْمُؤْمِنِينَ أُمَّ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، سلام بر خدیجه مام مؤمنان و مادر سرور بانوان دو جهان، السَّلَامُ عَلَى فاطِمَةَ أُمِّ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ، السَّلَامُ عَلَى النَّفُوسِ سَلَامٌ بِرِ حَضْرَتِ فَاطِمَةَ مَادِرِ ائِمَّةِ اطهار، سلام بر انسان‌های الفاخِرَة، بُحُورِ الْعُلُومِ الزَّاحِرَة، شُفَعَائِي فِي الْآخِرَة، وَأَوْلِيَائِي ارزشمند، دریاها و گنجینه‌های دانش، شفیعیانم در روز واپسین و اولیایم عِنْدَ عَوْدِ الرُّوحِ إِلَى الْعِظَامِ النَّخْرَة، أَنْمَةُ الْخَلْقِ وَوَلَاةِ الْحَقِّ، به هنگام بازگشت روح به استخوان‌های فرسوده، امامان و والیان بر حق، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْأَشْخَاصُ الشَّرِيفَةُ الطَّاهِرَةُ الْكَرِيمَةُ، أَشْهَدُ سَلَامٌ بِرِ شَمَائِیِ گرامی پاکان با شرافت، گواهی می‌دهم أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَمُصْطَفَاهُ، وَأَنَّ عَلِيًّا وَوَلِيَّهُ که معبودی جز خدای یکتا نیست و حضرت محمد بنده و برگزیده او است، و حضرت علی ولی ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۸۹ وَمُجْتَبَاهُ، وَأَنَّ الْإِمَامَةَ فِي وُلْدِهِ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ، نَعَلَمُ ذَلِكَ عِلْمٌ وَبِرْگَرِیدِه او می‌باشد و امامت در میان فرزندان تا قیامت مستقر است و ما به طور یقین الیقین، وَنَحْنُ لِتَذَلِكَ مُعْتَقِدُونَ، وَفِي نَصْرِهِمْ مُجْتَهِدُونَ». به این حقیقت آگاه و معتقد و در یاری آنها در تلاشیم. ۳. حجر اسماعیل: در داخل مسجد الحرام کنار خانه کعبه حد فاصل رکن شمالی و رکن غربی، خانه حضرت اسماعیل بوده است که در آن قبر مبارک حضرت اسماعیل و مادرش هاجر و قبور جمع زیادی از پیامبران علیهم السلام قرار دارد. و از برخی روایات استفاده می‌شود که اطراف خانه کعبه قبور انبیای الهی فراوان است، که در این مکان زیارت می‌شوند. و مستحب است احرام حج تمتع در حجر اسماعیل زیر ناودان رحمت انجام گیرد، و آنجا مکان دعا و استغفار و طلب رحمت و حاجت می‌باشد.

زیارت حضرت اسماعیل و هاجر علیهما السلام

در حجر اسماعیل «السَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا إِسْمَاعِيلَ ذَبِيحِ اللَّهِ ابْنِ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ» سلام بر سرورمان اسماعیل ذبیح الله، پسر ابراهیم خلیل الله، ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۹۰ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ وَابْنَ نَبِيِّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللَّهِ سَلَامٌ بِرِ تُوای پیامبر خدا و پسر پیامبر خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا وَابْنَ صَفِيِّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ أَنْبَغَ اللَّهُ لَهُ بِئْرَ زَمْرَمِ حِينَ وَبِئْرَ زَمْرَمِ حِينَ وَبِئْرَ زَمْرَمِ حِينَ، سلام بر تو ای آن که زمزم برایش جوشید، آنگاه اَسِيكُنَّ أَبُوهُ بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِ اللَّهِ الْمُحَرَّمِ، وَاسْتَجَابَ كِه پدَرش كِه او را در وادی بی آب و علف در کنار بیت الله الحرام اسکان داد و خداوند دعای الله فِيهِ دَعْوَةَ أَبِيهِ إِبْرَاهِيمَ حِينَ قَالَ: رَبَّنَا إِنِّي أَشْكَنْتُ مِنْ پَدَرش اِبْرَاهِيمَ را دِر باره اش مستجاب ساخت که عرضه داشت: «پروردگارا! من بعضی از ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا فِرْزَنَدَانِم را در سرزمین بی آب و علف، در کنار خانه و حرمت ساکن ساختم، پروردگارا! تا الصَّلَاةُ فَاجْعَلْ أَفْتِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنْ نَمَازِ رَا بِرِ پَا دَارِنْد، پَس دِلْهَایِ گِرُوهِی از مردم را به آنها متمایل ساز و از ثمرات الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ سَلَّمَ نَفْسَهُ بِه اَنها روزی ده شاید ترا شکر گزارند، سلام بر توی ای آنکه تن به لِلذَّبْحِ طَاعَةً لَأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى إِذْ قَالَ لَهُ أَبُوهُ: إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ قِرْبَانِي شَدِن داد تا اطاعت امر الهی کرده باشد، آنگاه که پدرش به او گفت: «من در خواب دیدم أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ أَفْعَلْ مَا تُؤْمَرُ كِه ترا ذبح می‌کنم، نظر تو چیست؟ گفت: پدرم به آنچه دستور داری عمل کن، ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۹۱ سَيِّجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ، فَدَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ الذَّبْحَ بِه خِوَاست خدا مرا از صابران خواهی یافت، پس خداوند ذبح را از او برداشت وَفَدَاهُ بِذَبْحِ عَظِيمٍ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ أَعَانَ أَبَاهُ عَلَى بِنَاءِ وَذَبْحِي بزرگ را فدای او کرد، سلام بر تو ای آنکه پدر خویش را در ساخت کعبه الْكَعْبَةِ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ يَارِي داد، چنانچه خدای تعالی فرمود: «آنگاه که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ، کعبه را بالا می‌بردند (می‌گفتند): «پروردگارا! از ما بپذیر که تو شنوا و دانایی» السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ مَدَحَهُ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ بِقَوْلِهِ: وَادْكُرْ سَلَامٌ بِرِ تُوای آنکه خدای تعالی در کتابش چنین توصیف کرده: «و در این کتاب اسماعیل إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا اسماعیل یاد کن که او در وعده‌هایش صادق و رسول و پیامبر بود، وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا، او همواره خانواده‌اش را به نماز و زکات دستور می‌داد و پیوسته مورد رضایت پروردگارش بود» السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ جَعَلَ اللَّهُ مِنْ

ذُرِّيَّتِهِ مُحَمَّدًا سَيِّدَ الْمُرْسَلِينَ سلام بر تو ای آنکه خداوند از نسل او حضرت محمد سرور رسولان وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى وَخَاتَمِ پیامبران صلی الله علیه و آله را قرار داد سلام بر تو و بر ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۹۲ اَبِيكَ اِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، وَعَلَى اَخِيكَ اِسْحَاقَ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ پدیرت ابراهیم خلیل الله و بر برادرت اسحاق پیامبر خدا، سلام عَلَيْكَ وَعَلَى جَمِيعِ اَنْبِيَاءِ اللَّهِ الْمَدْفُونِينَ بِهَذِهِ الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ بر تو و بر تمام پیامبران الهی که در این بقعه مبارک و بزرگ مدفونند، الْمُعْظَمَةَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى اُمَمِكَ الطَّاهِرَةِ الصَّابِرَةِ هَاجَرَ سَلام و رحمت و برکات خدا بر تو و بر هاجر وَرَحْمَةً اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ، حَشَرْنَا اللَّهُ فِي زُمْرَتِكُمْ تَحْتَ لِوَاءِ مُحَمَّدٍ مَادِرِ پاك و شكيبايت، خداوند ما را در زمره شما و زیر پرچم پیامبر و خاندانش صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ اَخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ مَحْشُورِ سازد و قرار ندهد (این را) اَخِرِينَ زِيَارَتِ اَزْ شَمَا، زِيَارَتِكُمْ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةً اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ. و سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد.» پس دو رکعت نماز زیارت بخوان، و ثوابش را به آن حضرت اهدا کن.

زیارت سایر انبیای عظام علیهم السلام

در حجر اسماعیل به نیت زیارت ارواح طیبه هریک از انبیای عظام الهی سلام الله علیهم اجمعین یا به نیت زیارت تمامی آنان ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۹۳ می‌خوانی زیارتی را که مرحوم کلینی در کتاب شریف کافی، و مرحوم شیخ طوسی در تهذیب، و ابن قولویه در کامل الزیارات آورده‌اند. این زیارت که اول آن «السَّلَامُ عَلَى اَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَاَصْحَابِهِ...» می‌باشد، و در فصل اول این کتاب به‌عنوان زیارت جامعه اول قرار داده شده، در زیارت همه مرقدهای متبرکه جایز است، و پس از پایان آن بسیار بر محمد و آل محمد صلوات می‌فرستی، و برای خود و مؤمنین و مؤمنات به هر نحو که بخواهی دعا می‌کنی. ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۹۵ بخش سوّم: اماکن متبرکه که مکه مکرمه

بخش سوّم: اماکن متبرکه که مکه مکرمه

حدود حرم:

اطراف مکه معظمه، محدوده‌ای به عنوان حرم در نظر گرفته شده است، و حرم از هر جانب مکه عبارت از آن حدی است که نمی‌شود بدون احرام از آن حد گذشت، و خداوند متعال آن حد را محل امن برای انسان و حیوان و گیاهان قرار داده است. محدوده حرم از این قرار می‌باشد: ۱. از جانب شمال مسجد تنعیم است، که در راه مدینه و حدود شش کیلومتر تا مسجدالحرام فاصله دارد. ۲. از جانب جنوب محل اضائۀ لیلین است، که سر راه یمن و فاصله آن تا مسجدالحرام حدود دوازده کیلومتر می‌باشد. ۳. از جانب شرق جعرانه است که سر راه طائف قرار گرفته، و رسول اکرم صلی الله علیه و آله از این حد برای عمره مُحْرَم شدند. ۴- از جانب غرب منطقه حُدُیْبِیَّه (شُمَیْسِی) می‌باشد، که ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۹۶ در کنار راه سابق جدّه، و محل بیعت رضوان است. حرم در فقه دارای احکامی است که حجاج و واردین به این سرزمین باید بدان توجه نمایند، و در کتب فقهیه و مناسک ذکر شده است.

برخی از مساجد شهر مکه:

در شهر مکه علاوه بر مسجد الحرام مساجد تاریخی زیادی وجود دارد، که از آن جمله است: ۱. مسجد جنّ، که نزدیک بازار معروف به ابوسفیان است، و محل نزول سوره مبارکه جنّ بر پیامبر عظیم الشان می‌باشد، و سزاوار است در آن دو رکعت نماز تحیت

خوانده شود. ۲. مسجد الزّایه، که بعد از فتح مکه رسول اکرم صلی الله علیه و آله دستور دادند آنجا پرچم پیروزی را به پا داشتند، و به این مناسبت آنجا مسجدی ساخته‌اند به نام مسجد الزّایه.

مسجد الحرام و خصوصیات کعبه

مسجد الحرام مسجدی است بسیار با عظمت که در فضیلت و شرافت بی نظیر می‌باشد، یک نماز در آن برابری ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۹۷ می‌کند با صد هزار نماز در مساجد دیگر، پس بایستی وقت را غنیمت شمرده و از فضیلت‌های معنوی مسجد الحرام حداکثر بهره را بُرد. کعبه در وسط مسجد الحرام قرار دارد با بنایی ساده و مکعب شکل، به ارتفاع حدود ۱۵ متر. و چون کعبه را می‌بینی بگو: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَظَّمَكَ وَشَرَّفَكَ وَجَعَلَكَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ» «حمد خدایی را که ترا بزرگ و با شرافت و محل آمد و شد مردم و جای امن و اماناً مَبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ». و مبارک و عامل هدایت جهانیان قرار داد.»

ارکان کعبه

رکن شرقی: که حجر الأسود در آن منصوب است. رکن عراقی یا شمالی، بعد از در کعبه قرار دارد. رکن غربی: در طواف از حجر اسماعیل که می‌گذری به آن می‌رسی. رکن جنوبی: که به نام رکن یمانی معروف است، بعد از رکن غربی و محاذی رکن شرقی است، امام صادق علیه السلام فرمود: ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۹۸ رکن یمانی در ورود ما به بهشت می‌باشد. «۱» حَجْر الْأَسْوَد: سنگ سیاه رنگ بیضی شکلی است که در رکن شرقی کعبه قرار دارد، و به دست حضرت ابراهیم علیه السلام نصب گردیده است. ارتفاع آن از سطح زمین یک متر و نیم می‌باشد. مُلْتَزِم: نزدیک رکن یمانی مقابل در کعبه می‌باشد و آنجا جای دعا و استغفار است. و مستحب است انسان خود را به آنجا چسبانده، و این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ، وَالْعَيْدُ عَيْدُكَ، وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنْ خَدَاوِنْدَا! خَانه توست، و بنده بنده توست، و این جایگاه پناهنده به تو از عذاب النَّارِ...». دوزخ است.» و از خدا طلب آموزش نماید. مُشْتَبِحًا: همان ملتزم است و آن مکانی است که گناهکاران بدان جا پناه می‌برند. ناودان رحمت: بالای کعبه در طرف حجر اسماعیل قرار ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۹۹ گرفته، و آنجا محل نزول رحمت و جای تضرع و استغفار است. حَطِيم: محلی است که بین درب کعبه و حجر الأسود قرار دارد، و حطیم نامیده‌اند چون در این جا مردم تلاش می‌کنند تا استلام حجر نموده و بیکدیگر فشار می‌آورند. و برخی گفته‌اند حطیم نام دیوار منحنی نیم دایره‌ای است که حجر اسماعیل را محصور نموده، و ما بین دو زاویه شمالی و غربی خانه کعبه به ارتفاع ۱/۳۱ متر و عرض ۱/۵۲ متر از بالا- و ۱/۴۴ متر از پایین قرار دارد، و فاصله نهایی دیوار حجر اسماعیل (حطیم) تا دیوار خانه از قسمت وسط حدود ده متر است.

حجر اسماعیل:

بنایی است به شکل نیم دایره با دیواری به ارتفاع یک متر و ۳۰ سانتیمتر که در جانب شمالی کعبه قرار دارد، و قبر حضرت اسماعیل و هاجر، مادر آن حضرت در آن جا می‌باشد، و بنا بر بعض روایات قبور جمعی از انبیا علیهم السلام هم در آن جا است.

مقام ابراهیم:

محلی است در نزدیک کعبه، به فاصله حدود ۱۳ متر، دارای گنبدی کوچک که با شیشه احاطه شده، و در آن سنگی قرار دارد، که گفته می‌شود حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام بر آن ایستاده، و مردم را به حج خدا دعوت کرده است، و اثر پاهای مبارکش در آن پیدا می‌باشد، حجاج محترم نماز طواف خود را پشت این مقام بجای می‌آورند.

زمزم:

نام چاه آبی است که خداوند به لطف خود در زیر پای حضرت اسماعیل جاری ساخت، و در طول تاریخ و پیش آمد حوادث، بارها مرمت و لایروبی گردیده، و فعلاً آب آن نیز مورد استفاده حجاج بیت الله الحرام قرار می‌گیرد، و آب آن مورد توجه خاص نبی اکرم صلی الله علیه و آله بوده است، و در طول تاریخ اسلام مؤمنین بدان تبرک می‌جسته‌اند. آب زمزم، مبارک و موجب شفاست. رسول خدا صلی الله علیه و آله در مدینه آب زمزم را درخواست می‌فرمودند. و در روایت وارد شده: وقتی از آب زمزم ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۲۰۱ نوشیدی، بگو: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عَلِمَانًا فِعَاً وَرِزْقًا وَسِعًا وَشِفَاءً مَنْ كُلُّ دَاءٍ وَسِقْمٍ». «خداوند! این را سبب دانشی سودمند و روزی واسع و شفای از هر درد و بیماری قرار ده.» نوشیدن آب زمزم بعد از نماز طواف مستحب است.

صفا و مروه:

صفا در سمت جنوب شرقی و مروه در سمت شمال شرقی کعبه قرار دارند. منظره صفا و مروه بسیار زیبا و باشکوه می‌باشد، و مستحب است مردها قریب هفتاد متر از سعی را به طور «هَزْوَلَه» حرکت کنند، که حدود آن با رنگ و چراغ سبز مشخص گردیده است.

شعب ابی طالب

شعب ابی طالب در شمال شرقی مسجدالحرام و در نزدیکی صفا و مروه واقع شده، و محل ولادت رسول خدا صلی الله علیه و آله و فاطمه زهرا علیها السلام است. خاندان بنی‌هاشم و عبدالمطلب در همین مکان زندگی می‌کرده‌اند و پس از بعثت توسط مشرکان حدود سه سال محاصره اقتصادی شدند. طبق نقل مورّخین ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۲۰۲ عده‌ای از سران قریش در دارالندوه گرد آمدند و عهدنامه‌ای تنظیم و پیمان بستند که نسبت به فرزندان عبدالمطلب سختگیری و آنها را تحریم اقتصادی و تحت اذیت و آزار قرار دهند، سرانجام بعد از گذشت سه سال از این پیمان پنج نفر از مشرکین پشیمان شده و عهدنامه را پاره کردند.

محل ولادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

در نزدیکی صفا و مروه می‌دانی است که در آنجا کتابخانه‌ای به نام «مکتبه مکه المکرمه» واقع شده، در این بقعه نور عالم تاب نبی اکرم صلی الله علیه و آله بر جهانیان تابید، و در همین محل مدتی در کنار مادرش آمنه زندگی نمود. حجاج محترم این دعا را در این مکان مقدس می‌خوانند: «اللَّهُمَّ بِجَاهِ نَبِيِّكَ الْمُصْطَفَى وَرَسُولِكَ الْمُرْتَضَى وَأَمِينِكَ «خداوند! به جایگاه پیامبر برگزیده‌ات و رسول مورد رضایت که امین علی و وحی السماء، طَهَّرْ قُلُوبَنَا مِنْ كُلِّ وَصْفٍ يُبَاعِدُنَا عَنْ وَحْيِ آسْمَانِي تَوَاسْتِ، دل‌های ما را از آنچه ما را از تو و محبت دور و مهجور مُشَاهِدَتِكَ وَمَحَبَّتِكَ، وَأَمْتِنَا عَلَى مُوَالَاةِ أَوْلِيَاءِكَ، می‌سازد پاک ساز، و ما را بر دوستی اولیای ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۲۰۳ وَمُعَادَاةِ أَعْدَائِكَ، وَالشُّوقِ إِلَى لِقَائِكَ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَدُشْمَنِ اِعْدَايَتِ، و به شوق دیدارت، ای ذوالجلال وَالْإِكْرَامِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أُوَدِّعْتُ فِي هَذَا الْمَحَلِّ الشَّرِيفِ وَالْإِكْرَامِ بِمِيرَانِ، خداوند! من به ودیعه سپردم در این جای شریف مِنْ يَوْمِنَا هَذَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ خَالِصًا مُخْلِصًا، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِنْ يَوْمِنَا هَذَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ خَالِصًا مُخْلِصًا، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ». نیست و حضرت محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده او می‌باشد.»

غار حرا

جبل النور، اسم کوهی است در داخل شهر مکه، و در آن غاری می‌باشد به نام غارِ حِرا که رسول اکرم صلی الله علیه و آله قبل از بعثت در آن به تفکر و عبادت خداوند می‌پرداخت، و در هر فرصتی به سوی آن می‌شتافت، تا اینکه در ۲۷ رجب، جبرئیل بر آن حضرت نازل شد، و با آوردن آیات سوره علق اَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ آن حضرت به نبوت مبعوث شد. مناسب است اگر موفق به دیدن غار حرا ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۲۰۴ شدی، با خواندن دو رکعت نماز و خواندن زیارت آن حضرت از راه دور یاد زحمات طاقت‌فرسای رسول اکرم صلی الله علیه و آله را گرامی داری.

کوه ثور

کوهی است که در پایین شهر مکه، تقریباً در دو فرسخی مسجدالحرام واقع شده، در آن کوه غاری است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در وقت مهاجرت به جانب مدینه در آن پنهان شدند، و این کوه را جبل الثور نامیده‌اند، از آن جهت که ثور بن عبد مناف زمانی در آن نزول کرده است. مرحوم شیخ انصاری رحمه الله در مناسک این دعا را برای کوه ثور نقل کرده، که به قصد رجاء می‌خوانی: «اللَّهُمَّ بِجَاهِ مُحَمَّدٍ وَأَمِينِهِ وَصَدِيقِهِ يَسِّرْ أُمُورَنَا، وَأَسْرِحْ «خداوندا! به جایگاه پیامبرت حضرت مصطفی و رسالت حضرت مرتضی و امینت کارهای ما را آسان گردان صِدُورَنَا، وَتَوَزَّ قُلُوبَنَا، وَاخْتِمِ بِالْخَيْرِ أُمُورَنَا، اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ و سینه‌های ما را گشاده و قلوب ما را نورانی و امور ما را ختم به نی ۹ کی فرما خدایا تو از سِرِّی وَعَلَانِيَتِي فَأَقْبَلْ مَعْدِرَتِي، وَتَعْلَمُ حَاجَتِي وَتَعْلَمُ مَا فِي ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۲۰۵ پنهان و آشکار من آگاهی داری، عذر من را بپذیر و از نیاز من با خبری و نسبت به نَفْسِي فَأَغْفِرْ لِي ذُنُوبِي، فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ. اللَّهُمَّ إِنِّي مِنْ آغَاهِي، گناهانم بیامرز که جز تو کسی نخواهد آمرزید خدایا من أُوْدَعْتُ فِي هَذَا الْمَحَلِّ الشَّرِيفِ مِنْ يَوْمِنَا هَذَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ايمانم را در این مکان شریف خالصانه و مخلصانه و در این روز تا روز قیامت به ودیعه خَالِصاً مُخْلِصاً، أَنِي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ. و فرستاده اوست.»

عرفات

سرزمین عرفات بیابان وسیع و همواری است که در شمال مکه در مسافت حدود ۲۱ کیلومتری واقع شده است، و از حد حرم خارج است. عرفات سرزمینی است که آدم و حوا علیهما السلام بعد از جدایی طولانی، در این سرزمین به یکدیگر رسیدند، و نسبت به هم آشنا و عارف گردیدند. عرفات سرزمینی است که آدم در این سرزمین اعتراف به ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۲۰۶ گناه خویش کرده است. عرفات سرزمینی است که دعا در آن مستجاب است، کوه عرفات را «جبل الرحمة» می‌گویند، و امام حسین علیه السلام دعای معروف عرفه را در کنار همین کوه خواندند. وقوف در عرفات از ارکان حج می‌باشد، و مستحبات و دعا‌های مربوط به آن قبلاً گذشت.

مُزْدَلِفَه (مشعر الحرام)

از انتهای مَازَمِين در سمت عرفات تا وادی مُحَسَّر در سمت مَنِی مُزْدَلِفَه یا مَشْعَرِ الْحَرَامِ نامیده شده است، در سال‌های اخیر حدود مشعرالحرام علامت گذاری شده. وقوف به مشعر در شب دهم ذی حجه بین الطلوعین از ارکان حج می‌باشد، مستحبات و ادعیه مربوط به مشعر قبلاً بیان شد.

منا، سرزمینی است میان وادی مُحَسَّر و جمره عقبه که جزو حرم می‌باشد، و در فاصله کمی در جانب شرقی بین مکه و مشعرالحرام قرار دارد. از جمره عقبه که حدّ نهایی مکه است تا وادی محسّر در طرف مُزدلفه، منا است، و طول آن ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۲۰۷ حدود «۳۶۰۰ متر» می‌باشد. یکی از جهاتی که این جا را منا گفته‌اند آن است که جبرئیل امین در این حصار به حضرت ابراهیم گفت از خدا تمنا و درخواست کن.

مسجد خیف:

از مساجد بسیار با عظمت است و در منا قرار دارد. رمی جمرات، قربانی، حلق یا تقصیر و بیتوته شب یازدهم و دوازدهم، و در بعض موارد شب سیزدهم ذی حجه از اعمالی است که باید در منا انجام شود. اعمال مستحبّ منا و مسجد خیف قبلاً گذشت. ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۲۰۸

بخش چهارم: اماکن مقدّسه بین راه مکه و مدینه

اماکن مقدّسه بین راه مکه و مدینه

پایان بخش این قسمت یادی از اماکن و مشاهد مقدّسه‌ای است که در مسیر راه مکه و مدینه وجود دارد، مانند: قبر عبدالله بن عباس در وادی طائف، قبر میمونه همسر رسول اکرم صلی الله علیه و آله در سیرف واقع در دو فرسخی مکه، قبر حوّا در جدّه، و آمنه در ابواء، مسجد غدیر خم در نزدیکی جحفه با فاصله سه میل یا دو میل از جحفه، و قبور شهدا بدر در بدر، و مدفن عبدالله بن الحارث بن عبدالمطلب که در مراجعه از جنگ بدر در اثر زخم‌های زیادی شهید شد، و در «رَوْحَاء» ۱۷ کیلومتری مدینه به خاک سپرده شد. مناسب است در خاتمه کتاب درباره برخی از آنها بطور خلاصه مطالبی را یادآور شویم:

مسجد غدیر خم:

غدیر خم در سه میلی جحفه و به روایت دیگر در دو میلی آن واقع شده است. مرحوم شیخ صدوق در «فقیه» از امام صادق علیه السلام روایت کرده که نماز در مسجد غدیر خم مستحبّ است.

ابواء

ابواء، نام قریه‌ای است در سیزده میلی میقات جحفه، که مادر رسول خدا جناب آمنه بنت وهب پس از زیارت قبر همسرش عبدالله در مدینه، و مراجعت به سوی مکه در آن قریه مریض شد و از دنیا رفت، و در آن محل به خاک سپرده شد.

زیارت آمنه بنت وهب مادر گرامی حضرت رسول صلی الله علیه و آله

«السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيَّتُهَا الطَّاهِرَةُ الْمُطَهَّرَةُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَنْ «سلام بر تو ای بانوی پاک و پاکیزه، سلام بر تو ای خَصَّهَا اللَّهُ بِأَعْلَى الشَّرَفِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَنْ سَطَعَ مِنْ جَبِينِهَا آنکه خدایش به برترین شرافت اختصاص داد، سلام بر تو ای آنکه از پیشانی ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۲۱۰ نُورُ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ، فَأَضَاءَتْ بِهِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ نُورُ سرور رسولان درخشید و زمین و آسمان را روشن ساخت، سلام بر تو یا مَنْ نَزَلَتْ لِأَجْلِهَا الْمَلَائِكَةُ، وَضُرِبَتْ لَهَا حُجُبُ الْجَنَّةِ، ای آنکه به خاطرش فرشتگان نازل شدند و سرا پرده بهشتی برایش زده شد، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَنْ نَزَلَتْ لِخِدْمَتِهَا الْحُورُ الْعِیْنُ، وَسَيَقْبِنُهَا مِنْ سَلَامٍ بِرِئَاسَةِ حُورِ الْعِیْنِ» برای خدمتش

فرود آمد و او را از شرابِ الْجَنَّةِ، وَبَشَّرَهَا بِوِلَادَةِ خَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ آشَامِدِنِي بهشت نوشانید و به تولد برترین پیامبران نویدش داد، سلام بر تو ای مادر رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ حَبِيبِ اللَّهِ، فَهَنِيئًا لَكَ بِمَا آتَاكَ رَسُولُ خُودَا، سَلَامٌ بِرِ تَوَاي مَادِر حَبِيبِ خُودَا، گوارا باد تو را بر آن چیزی که اللَّهُ مِنْ فَضْلٍ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ خُودَا از فضل و کرم به تو عطا فرمود. سلام بر تو و بر پیامبر خُودَا، درود خُودَا براو و آلِهِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. و بر آتش و رحمت و برکات خُودَا بر شما باد.»

بدر

در رمضان سال دوم هجری، جنگِ بدر کبری در آنجا به وقوع پیوست که در جریان آن چهارده تن از اصحاب ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۲۱۱ آن حضرت به شهادت رسیدند، در زیارت آن شهدا می‌گویی: «السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ خُودَا، سَلَامٌ بِرِ پِامِبِرِ خُودَا، سَلَامٌ بِرِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ، السَّلَامُ بِرِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، سَلَامٌ بِرِ اَهْلِ بَيْتِ پَاكش، سَلَامٌ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الشُّهَدَاءُ الْمُؤْمِنُونَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ بِرِ شَمَا اَي شَهَدَاي بِا اِيْمَان، سَلَامٌ بِرِ شَمَا اَي خَانْدَانِ الْاِيْمَانِ وَالتَّوْحِيدِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ وَأَنْصَارَ اِيْمَانِ وَ تَوْحِيدِ، سَلَامٌ بِرِ شَمَا اَي ياوران دین خُودَا، و یاران رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ رَسُولِ او صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَلَامٌ بِرِ شَمَا که شکیبایی ورزیدید فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ، أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ قَدِ اخْتَارَكُمْ لِذِيْنِهِ وَاصِيَةً طَفَاكُمُ وَ نِيكُو سَرَايِي اسْتِ سَرَايِ آخِرْتِ گَوَاهِي دَهْمِ که خُودَاوند شَمَا را برای دینش بِرِ گَزِيْدِ لِرَسُولِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ جَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَنَصَرْتُمْ وَ بِرِ اَي پِامِبِرَشِ اِنْتِخَابِ كَرْدِ وَ گَوَاهِي دَهْمِ که شَمَا حَقَّ جِهَادِ در راه او را گَزَارْدِيدِ وَ یاری لِذِيْنِ اللَّهِ وَسَيِّئَةِ رَسُولِهِ، وَجُدْتُمْ بِأَنْفُسِكُمْ دُونَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ دِينِ خُودَا وَ پِامِبِرِ او كَرْدِيدِ وَ در برابر او جَانَفْشَانِي نَمُوْدِيدِ وَ گَوَاهِي دَهْمِ ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۲۱۲ قِيلْتُمْ عَلَى مِنْهَاجِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، که شَمَا در راه پِامِبِرِ خُودَا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سِيرِ نَمُوْدِيدِ فَجَزَاكُمُ اللَّهُ عَن نَبِيِّهِ وَعَنِ الْاِسْلَامِ وَأَهْلِهِ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ، وَعَرَفْنَا بِسِ خُودَاوند از سوی پِامِبِرَشِ وَ از اسلام و اهل اسلام بهترین پاداش را به شما عنایت فرماید فِي مَحَلِّ رِضْوَانِهِ وَمَوْضِعِ اِكْرَامِهِ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَ مَا را در بهشت و محل کرامتش با پیامبران و صدیقان وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، وَحَسَنَ أَوْلِيَاكَ رَفِيْقًا، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ حِزْبُ وَ شَهَدَا وَ صَالِحَانِ اَشْنَا سَازدِ که آنان بهترین رفیق‌اند و گواهی دهم که شما اید اللَّهُ، وَأَنَّ مَنْ حَارَبَكُمْ فَقَدْ حَارَبَ اللَّهَ، وَأَنَّكُمْ لِمَنْ الْمُقَرَّبِينَ حِزْبِ اللَّهِ وَ هر کس با شما بستیزد با خُودَاوند جنگیده است و اینک شما از مقربین الْفَائِزِينَ، الَّذِينَ هُمْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ، فَعَلَى مَنْ قَتَلَكُمْ وَ رَسْتِگَارَانِيدِ اَنانِ که نزد پروردگارشان زنده‌اند و روزی می‌خورند لَغْنَهُ اللَّهُ وَالْمَلَائِكَةُ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، خُودَاوند بر شما باد.» ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۲۱۳ بخش پنجم: ربنده

بخش پنجم:

ربنده

«ربنده» در فاصله حدود ۲۰۰ کیلومتری شمال شرقی مدینه در کوه‌های حجاز غربی، بر خط طولی ۴۱-۱۸ و خط عرضی ۲۴-۴۰ قرار دارد. نزدیک ترین راه برای رسیدن به آن، از راه قصیم به مدینه است که حدود ۷۰ کیلومتر از مدینه فاصله دارد. «۱» جناب ابوذر غفاری و جمعی از صحابه در آنجا مدفون می‌باشند. و مستحب است ابوذر را به این عبارات زیارت کنید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أبا ذَرَّ الْغِفَارِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ «سَلَامٌ بِرِ تَوَاي اَبُوذِرِ غَفَارِي، سَلَامٌ بِرِ تَوَاي يَارِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، رَسُولِ خُودَا درود و سلام و رحمت و برکات خُودَا بر رسول خُودَا باد السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ قَالَ فِي حَقِّهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

عَلَيْهِ سَلَامٌ بِرِثْوَانِ تَوَاتُؤِ أَنْكَهٖ بِمَامِرِ خَدَا صَلَّي اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دَرِبَارَهَاتِ فَرَمُودِ: اَدْعِيهِ وَآدَابِ مَكَّهٖ مَكْرَمَهٗ، ص: ۲۱۴ وَآلِهِ: مَا أَقَلَّتِ الْغُبْرَاءُ وَلَا أَظَلَّتِ الْخَضْرَاءُ عَلَيَّ ذِي لَهْجَةٍ «زَمِينِ حَمَلِ نَكْرَدَهٗ وَآسْمَانِ سَايَهٗ نَكْسْتَرَانِيْدَهٗ بِرِ گُوِيْنْدَهٗ اَيَّ اَصْدَقٍ مِنْ اَبِي ذَرٍّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ نَطَقَ بِالْحَقِّ، لَوْمْ يَخْفُ رَاسْتِگُوْتَرِ اَزِ اَبِي ذَرٍّ»، سَلَامٌ بِرِ تَوَايِ كِهٖ سَخْنِ حَقِّ گُفْتِي وَ دَرِ رَاهِ خَدَا فِي اللهِ لَوْمَهٗ لَائِمٍ، وَلَا ظُلْمَ ظَالِمٍ، اَتَيْتُكَ زَائِرًا شَاكِرًا لِجَلَابِطِكَ فِي اَزِ سِرْزَنْشِ سِرْزَنْشِگَرِي وَ نَهٗ اَزِ سَتَمِ سَتَمْگَرِي بِيْمِي بِهٖ خُوْدِ رَاهِ نَدَايِ، بِهٖ زِيَارَتِ اَمْدَهَامِ دَرِ حَالِي كِهٖ بَرَايِ اَنْجِهٖ دَرِ رَاهِ اِسْلَامِ دِيْدِي اِلْسِلَامَ، فَاسْأَلُ اللهَ الَّذِي خَصَّكَ بِصِدْقِ اللّٰهِيَّةِ وَالْخُشُوْنَةِ شُكْرِگَزَارِمِ وَ اَزِ خَدَايِي كِهٖ تَرَا بِهٖ رَاسْتِگُوِي فِي ذَاتِ اللهِ وَمُتَابَعَةِ الْخَيْرِيْنَ لِفَاضَةِ لِيْمَانَ اَنْ يُحْيِيَنِي حَيَاتِكَ، نَسْتُوْهِ وَ پِيْرُوِي اَزِ نِيكُوْكَارَانِ بِرِ تَرِ اَخْتِصَاصِ دَادِ مِيْ خُوَاهِمِ كِهٖ مَرَا زَنْدِگِي وَ اِيْمِيْتِي مِمَاتِكَ، وَبِحُشْرِنِي مَحْشَرَكَ، عَلَيَّ اِنْكَارِ مَا اَنْكَرْتَ، وَ مَرْگِي چُوْنِ تُو بِيخْشَدِ، چُوْنِ تُو مَحْشُوْرَمِ سَازَدِ. بِرِ اِنْكَارِ اَنْجِهٖ اِنْكَارِ كَرْدِي وَ مُنَايِدَهٗ مَنْ نَايِدْتَ، جَمَعَ اللهُ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ وَبَيْنَ رَسُوْلِهِ وَآلِهِ وَ مَخَالَفَتِ اَنْكَهٖ بَا اَوْ مَخَالَفَتِ كَرْدِي، خَدَاوَنْدِ بَيْنِ مَا وَ شَمَا وَ رَسُوْلَشِ وَ اَهْلِيْتِ اَوْ صَلَّي اللهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْنِهِمْ فِي مُسْتَقَرِّ رَحْمَتِهِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ - كِهٖ دَرُودِ خَدَاوَنْدِ بِرِ اَوْ بَادِ - جَمْعِ كَنْدِ دَرِ جَايْگَاهِ رَحْمَتَشِ وَ دَرُودِ وَ رَحْمَهٗ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ. رَحْمَتِ وَ بَرَكَاتِ خَدَاوَنْدِ بِرِ اَوْ بَادِ.»